



دانشگاه باقرالعلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ

عنوان:

# امام علی (علیه السلام) و جنگ روانی

:

:

:

۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم:

بیدرومادرم

برپاس زحمات بی‌شائبه‌شان.

## تشکر و تقدیر

نگارش این پایان‌نامه، مرهون زحمات اساتید گرانمایه است که مرا به تلاش علمی بیشتر وا داشتند.

بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی و مساعدت‌های ارزنده استاد ارجمند جناب آقای دکتر اصغر قائدان که در طول تدوین این پژوهش مرا یاری نمودند و جناب آقای دکتر سید حسین فلاح‌زاده که با دقت فراوان در امر مشاوره به غنای کار افزودند، تقدیر و تشکر نمایم.

هم‌چنین با تشکر از سرکار خانم امیری روح‌اللهی و جناب آقای دکتر الویری به پاس پذیرش ارزیابی و نظارت این پژوهش. در نهایت از خانواده مهربان و گرمی خود که در طول مراحل تحصیلم همراه و یاورم بودند، کمال قدردانی و سپاس را دارم.

## چکیده

دوران حکومت امام علی (علیه السلام) با وقوع سه جنگ جمل، صفین و نهروان فضایی سنگین و پرتالهاب ایجاد کرده بود. در این عصر نیز جنگ روانی مانند بقیه ادوار تاریخی وجود داشته است و امام علی (علیه السلام) و معاویه نیز از آن بهره گرفتند.

این پژوهش میزان توجه به جنگ روانی در عصر امام علی (علیه السلام) و تأثیر بهره‌گیری امام علی (علیه السلام) از جنگ روانی بر موفقیت‌های آن حضرت در عرصه جنگ را بررسی نموده است. پژوهش حاضر در صدد بررسی این فرضیه است که امام علی (علیه السلام) از شیوه‌های جنگ روانی برای تأثیرگذاری بر مخاطبان خویش تا آنجا که مطابق با ارزشهای اسلامی و اخلاقی بود، بهره گرفتند.

در سیره جنگ روانی امام علی (علیه السلام)؛ شیوه‌هایی مانند فریب، شایعه، ارباب و تهدید که از شیوه‌های مرسوم در جنگ روانی است جایگاهی نداشت در حالیکه معاویه برای رسیدن به اهداف خود از هیچ شیوه‌ای چشم‌پوشی نکرد.

پژوهش حاضر در ۴ فصل تدوین یافته که فصل اول به مفاهیم نظری جنگ روانی که شامل تعریف مفهوم جنگ روانی از دیدگاه اندیشمندان و سیاستمداران، هم‌چنین تاریخچه استفاده از آن در ادوار تاریخی باستان، اسلام و عصر حاضر و در پایان فصل به تعریف انواع روشهای جنگ روانی از جمله اقناع، تحریک، تشجیع، ارباب و فریب پرداخته است.

فصل دوم شیوه‌های جنگ روانی را که امام علی (علیه السلام) در سیره جنگ روانی خود علیه مخاطبان خویش بهره گرفته، بررسی نموده است. در فصل سوم شیوه‌های جنگ روانی معاویه نظیر فریب، شایعه، ارباب، تحریک بررسی شده است. فصل آخر در دو بخش تدوین یافته: بخش اول تقابل امام علی (علیه السلام) با جنگهای روانی معاویه و پاسخهای امام علی (علیه السلام) به اتهامات نسبت داده شده از سوی معاویه بررسی شده و بخش دوم شامل عوامل تأثیر گذار بر پیروزی امام علی (علیه السلام) در جنگهای روانی خویش مواردی مانند جایگاه خاص امام علی (علیه السلام) در مقام پیام دهنده جنگ روانی، صداقت و درستی در پیام و اقناع مخاطب می‌باشد.

در پایان پژوهش این نتیجه حاصل شد که امام علی (علیه السلام) در بهره‌گیری از جنگ روانی برای تأثیرگذاری بر مخاطبان خویش، پیروز بودند و این پیروزی بر موفقیت امام علی (علیه السلام) در جنگها تأثیرگذار بود.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تحقیق
۲	بیان مسأله:
۲	علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن
۳	سابقه پژوهش:
۳	سوال اصلی:
۳	فرضیه:
۳	مفاهیم و متغیرها:
۳	متغیرها:
۴	سؤالات فرعی پژوهش:
۴	پیش فرض ها:
۴	اهداف پژوهش:
۵	سازمان دهی پژوهش:
۶	معرفی منابع و مأخذ
۶	وقعة الصفین:
۶	الغارات:
۷	الجمال:
۷	الامامة و السياسة:

۸	الفتوح:
۹	<b>فصل اول: مفاهیم نظری</b>
۱۰	مفهوم جنگ روانی:
۱۳	دیدگاه‌های مختلف درباره جنگ روانی:
۱۳	جنگ روانی و عملیات روانی:
۱۴	روشهای جنگ روانی:
۱۴	۱- فریب: (خدعه)
۱۴	۲- شایعه:
۱۴	مفهوم لغوی:
۱۵	مفهوم اصطلاحی:
۱۶	انواع شایعه:
۱۶	۱-۲- شایعات خزنده:
۱۶	۲-۲- شایعات آتشین (خسونت‌بار):
۱۶	۳-۲- شایعات غواص (فرو شونده):
۱۷	شایعه در گذر تاریخ:
۱۸	۳- تشجیع:
۱۸	۴- تحریک:
۱۹	۵- ارباب:
۱۹	۶- تطمیع:
۲۰	۷- روشنگری:
۲۰	۸- القاء غیر مستقیم:
۲۰	۹- اقناع:
۲۱	۱۰- تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف:

۲۱	۱۱- تبلیغات: .....
۲۲	تاریخچه جنگ روانی: .....
۲۴	جنگ روانی در دوران باستان: .....
۲۵	جنگ روانی در عصر اسلامی: .....
۲۵	الف - جنگ روانی در صدر اسلام: .....
۲۷	ب - جنگ روانی دوران بعد از صدر اسلام: .....
۲۸	جنگ روانی در عصر حاضر: .....
۳۰	<b>فصل دوم: جنگهای روانی امام علی (علیه السلام)</b> .....
۳۱	<b>شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی امام علی (علیه السلام) برای تأثیرگذاری بر مخاطبان</b> .....
۳۱	الف - شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی امام علی (علیه السلام) برای نیروهای خودی
۳۱	۱- شیوه تشجیع: .....
۳۶	۲- تحریک: .....
۳۸	۳- روشنگری: .....
۴۳	۴- القاء غیر مستقیم: .....
۴۶	ب- شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی امام علی (علیه السلام) علیه نیروهای دشمن
۴۶	۱- اقناع: .....
۴۹	۱-۱- گفتگوی امام با زبیر: .....
۵۰	۲-۱- اقناع قاریان توسط امام (علیه السلام) در جنگ صفین .....
۵۲	۳-۱- اقناع خوارج: .....
۵۳	اقناع خوارج توسط امام علی (علیه السلام): .....
۵۴	۲- ارباب و تهدید: .....
۵۵	۳- تبلیغات: .....



فصل سوم: جنگهای روانی معاویه علیه امام علی (علیه السلام).....	۵۷
شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی معاویه.....	۵۸
۱- فریب و اغواء.....	۵۸
۲- تحریک و تشجیع.....	۷۱
۳- تطمیع:.....	۷۳
۴- ارعاب و تهدید:.....	۷۴
۵- بحران سازی و ایجاد اغتشاش و ناامنی:.....	۷۵
۱- ۵- یورش ضحاک:.....	۷۶
۲- ۵- فتنه حصرمی:.....	۷۷
۳- ۵- حمله نعمان بن بشیر:.....	۷۸
۴- ۵- یورش سفیان غامدی:.....	۷۹
۵- ۵- یورش بُسربن ارطاة:.....	۷۹
فصل چهارم: تقابل امام علی (علیه السلام) با جنگهای روانی معاویه.....	۸۱
بخش اول: راهکارهای تدافعی و تهاجمی امام علی (علیه السلام).....	۸۲
الف: خنثی سازی اتهامات و دعاوی معاویه.....	۸۲
۱- موضوع شرکت در قتل عثمان:.....	۸۲
۲- موضوع نسب مشترک بین امام علی (علیه السلام) و معاویه:.....	۸۴
۳- موضوع واگذار نکردن امر خلافت به شوری:.....	۸۵
۴- ادعای قتل عمار بدست امام علی (علیه السلام):.....	۸۵
۵- ذکر جایگاه و فضایل زیاد معاویه برای خود و خاندانش:.....	۸۷
ب: تهاجم روانی امام علی (علیه السلام) علیه دشمن:.....	۸۷
۱- ارعاب دشمن:.....	۸۷
۲. رجز خوانی.....	۸۸

رجز امام علی (علیه السلام) برای عمرو عاص:.....	۸۸
رجز امام علی (علیه السلام) برای معاویه:.....	۸۸
<b>بخش دوم: عوامل تأثیرگذار در پیروزی امام علی (علیه السلام) در جنگهای روانی خود علیه مخاطبان ...</b>	<b>۹۰</b>
الف - جایگاه پیام دهنده (مخاطب).....	۹۰
ب- اعتبار منبع پیام.....	۹۱
ج - صداقت و درستی در پیام.....	۹۱
ز: دشمن شناسی.....	۹۳
ح: روحیه.....	۹۳
<b>نتیجه گیری.....</b>	<b>۹۵</b>
<b>فهرست منابع.....</b>	<b>۹۹</b>
الف) کتابها.....	۱۰۰
ب) مقالات:.....	۱۰۵

مقدمه:

# طرح تحقیق

## بیان مسأله:

آنچه که در طول تاریخ برای سیاستمداران در میدانهای نبرد اهمیت داشته و توجه آنان را به خود جلب کرده، این است که در جنگها علاوه بر توان نظامی و تسلیحاتی، جنگ روانی نیز نقش بسزایی در کسب پیروزی داشته است. جنگ روانی عبارت است از تبلیغات طرح ریزی شده و سایر اقدامات روانی که به منظور نفوذ در عقاید، احساسات و حالات و رفتار گروههای مورد نظر (دوست، دشمن بی طرف) استفاده می شود.

از آنجا که دوران خلافت امام علی (علیه السلام) عرصه وسیعی از جنگهای روانی بوده که عمدتاً از سوی معاویه اعمال می شده است و امام علی (علیه السلام) نیز راهکارهایی برای مقابله با آن و نیز تأثیر بر نیروهای دوست و دشمن طرح ریزی کردند، در این تحقیق برآنیم تا روشن سازیم جنگ روانی تا چه میزان در این عصر مورد توجه و تأثیر گذار بر پیروزی در جنگ بوده است و امام علی (علیه السلام) از چه شیوههای جنگ روانی برای تقویت روحی نیروهای خودی و تضعیف نیروی دشمن استفاده می کردند.

## علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

دوران خلافت امام علی (علیه السلام) به ویژه جنگهای ایشان با دشمنان، گستره وسیعی از جنگهای روانی است که کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است و تحقیق و تفحص در شیوههای آن می تواند الگویی مناسب برای نظامیان و مسلمانان در عصر حاضر باشد.

امروزه تهدیدات سخت و جنگها، کم کم جای خود را به جنگ روانی و تهدید نرم داده است، حضور در چنین فضایی در زمان جنگ و صلح، مستلزم تجهیز به شیوهها و ابزارهای

جنگ روانی است.

دست یافتن و بهره‌برداری از استراتژی جنگهای روانی امام علی (علیه السلام) بیشترین کمک را به ما برای مقابله و رویارویی بهتر با دشمن می‌کند. ایشان اسوه و الگوی مناسبی برای ما در استفاده از شیوه‌های جنگهای روانی می‌باشند.

### سابقه پژوهش:

در زمینه جنگ روانی، در عصر پیامبر تالیفات نسبتاً خوبی انجام گرفته است از جمله «الحرب النفسیه فی الاسلام» عبدالوهاب کحیل، «الحرب النفسیه» صلاح نصر. اما برای این موضوع در عصر امام علی (علیه السلام) تاکنون پژوهش منسجم و قابل توجهی صورت نگرفته است. و بیشترین تالیفات انجام شده در حوزه کلی سیره نظامی امام علی (علیه السلام) است.

### سوال اصلی:

جنگ روانی در عصر امام علی (علیه السلام) تاچه میزان مورد توجه بوده و بهره‌گیری امام علی (علیه السلام) از جنگ روانی چه تأثیری بر موفقیت‌های آن حضرت در عرصه جنگ داشته است؟

### فرضیه:

بهره‌گیری از جنگ روانی در عصر امام علی (علیه السلام) بخصوص توسط معاویه کاربرد زیادی داشت ولیکن امام علی (علیه السلام) از شیوه‌های جنگ روانی تا آنجا که مطابق با ارزشهای اسلامی و اخلاقی بود برای تأثیرگذاری بر مخاطبان خود بهره می‌بردند و بر پیروزیهای ایشان نقش داشته است.

### مفاهیم و متغیرها:

#### متغیرها:

متغیر مستقل: روشهای جنگ روانی امام علی (علیه السلام)

متغیر وابسته: مخاطبان

مفاهیم: شیوه‌های جنگ روانی، مخاطبان، جنگ‌های امام علی (علیه‌السلام)

شیوه‌های جنگ روانی: شیوه‌هایی که در جنگ روانی به کار می‌روند عبارتند از اقناع، تهییج، فریب، شایعه، تحریک، ارعاب. تطمیع، بحران‌سازی و ایجاد اغتشاش.

مخاطبان: کسانی که طرف مقابل صحبت هستند و هم چنین کسانی که تبلیغات و جنگ روانی برای آنها استفاده می‌شود اعم از دوست، دشمن، بی‌طرف.

جنگ‌های امام علی (علیه‌السلام): عبارتند از صفین، نهروان، جمل که بیشترین تعداد جنگ‌های روانی در طی این جنگ‌ها استفاده شده است.

### سؤالات فرعی پژوهش:

- ۱- جنگ روانی چیست؟ شیوه‌هایش کدامند؟
- ۲- امام علی (علیه‌السلام) برای تأثیر گذاری بر جبهه مقابل خود از کدام شیوه‌های جنگ روانی استفاده کرده است؟
- ۳- معاویه برای تأثیر و نفوذ در جبهه مقابل خود (امام علی) از کدام شیوه‌های جنگ روانی استفاده کرده است؟
- ۴- شیوه‌های تقابل امام علی (علیه‌السلام) با جنگ‌های روانی معاویه چگونه بوده است؟ و عوامل تأثیرگذار بر پیروزی امام علی (علیه‌السلام) در جنگ‌های روانی خویش علیه مخاطبانش چه بوده است؟

### پیش فرض‌ها:

جنگ روانی و شیوه‌های آن در همه دورانها رواج داشته است.

### اهداف پژوهش:

- ۱- بررسی تأثیر و نفوذ جنگ روانی امام علی (علیه‌السلام) بر مخاطبان خود.
- ۲- آگاهی از شیوه‌های جنگ روانی امام علی (علیه‌السلام) برای استفاده در عصر حاضر با توجه به حاکمیت در نظام اسلامی.

۳- ارائه طرحها و برنامه‌هایی در خصوص جنگ روانی برای کاربرد در مراکز نظامی.

### سازمان دهی پژوهش:

پژوهش حاضر از یک مقدمه و ۴ فصل تشکیل شده است.

فصل اول بررسی مفاهیم نظری پژوهش است که به تعریف مفهوم جنگ روانی،

روشهای جنگ روانی، تاریخچه جنگ روانی می‌پردازد.

فصل دوم به بررسی شیوه‌های جنگ روانی که امام علی (علیه السلام) برای تأثیر گذاری بر

مخاطبان خود استفاده کرده‌اند، پرداخته است.

فصل سوم: شیوه‌های جنگ روانی معاویه را بررسی می‌کند.

فصل چهارم: شامل دو بخش است؛ بخش اول آن به تقابل امام علی (علیه السلام) با جنگهای

روانی معاویه و بخش دوم آن به عوامل تأثیرگذار بر پیروزی امام علی (علیه السلام) در جنگهای

روانی خویش علیه مخاطبانش پرداخته است.

در پایان نیز به نتیجه‌گیری از مباحث خواهیم پرداخت.

## معرفی منابع و مآخذ

در این جا منابع دسته اولی که در پژوهش حاضر از آنها استفاده حداکثری شده است، معرفی می گردد.

### وقعة الصفین:

این اثر نوشته نصرین مزاحم منقری در گذشته به سال ۲۱۲ هـ می باشد. او مورخی شیعی مذهب بوده است. این تألیف یکی از معتبرترین منابع تاریخی است که درباره رویداد صفین می باشد، به شیوه خبری و روایی نوشته شده و سند هر روایت نیز مذکور است. این کتاب دارای ۸ بخش می باشد که با ورود امام علی (علیه السلام) به کوفه و خطبه ایشان در آنجا آغاز و با بازگشت ایشان از صفین به کوفه خاتمه می یابد. کتاب پیکار صفین از مهمترین منابعی است که می توان مصادیق جنگ روانی را از میان نامه های تبادل شده بین امام علی (علیه السلام) و معاویه و دیگر وقایع ذکر شده در آن یافت. این کتاب توسط آقای پرویز اتابکی با عنوان پیکار صفین ترجمه شده و کلیه اسانید راویان و تمام اشعار و رجزها بر همان سیاق متن ترجمه شده است.

### الغارات:

این کتاب تألیف ابراهیم ثقفی [ابو اسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی] از علما و راویان و مصنفان عالیقدر شیعه بوده است. نقل شده که ثقفی در اوایل زندگی اش، مذهبش زیدی بوده و سپس به مذهب امامیه اثنی عشر گرویده است. سال ولادتش مشخص نیست و در سال ۲۸۳ هـ در گذشته است. مقصود او از تألیف کتاب الغارات؛ بیان حملات وحشیانه غارتها، کشت و کشتارها در ولایات و شهرهای تحت فرمان امام علی (علیه السلام) توسط معاویه و عمالش می باشد. این کتاب توسط آقای عبدالمحمد آیتی ترجمه شده است.



با مطالعه این کتاب می‌توان نمونه‌هایی از مصادیق جنگهای روانی را که معاویه علیه امام علی (علیه السلام) به کار برده است، یافت.

### الجمال:

نبرد جمل بوسیله ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید از علمای معروف و برجسته شیعه در قرن چهارم و ابتدای قرن ۵ هجری، تألیف شده است. تولدش در یازدهم ذی‌قعدة ۳۳۶ هـ ق می‌باشد و در سال ۴۱۳ هـ ق در بغداد در گذشته است. آثار او حدود دویست کتاب و رساله است.

شیخ مفید در مقدمه کتابش، اختلاف آراء فرقه‌های مسلمان را در مورد جنگ جمل بیان کرده، رأی معتزله و حشویه و اشاعره را بررسی می‌کند و پاسخ می‌دهد و سپس جنگ جمل را بیان می‌کند.

این کتاب بوسیله آقای محمود مهدوی دامغانی به فارسی ترجمه شده است. کتاب نبرد جمل را می‌توان یکی از مهمترین منابعی دانست که با مطالعه دقیق آن و با اشراف دقیق به شیوه‌های جنگ روانی، می‌توان جنگ روانی که امام علی (علیه السلام) برای مخاطبان خود اعمال کرده را یافت.

### الامامة و السياسة:

این کتاب منسوب است به ابو محمد عبدالله بن مسلم قتیبه دنیوری از مولفان بزرگ مذهب اهل سنت در قرن سوم هجری. وی در سال ۲۱۳ هـ ق در کوفه متولد شد و در سال ۲۷۶ هـ ق در گذشت. ایشان علاوه بر این کتاب، تألیفات دیگری نیز داشته است.

کتاب الامامة توسط آقای ناصر طباطبائی به فارسی ترجمه شده است. مباحث این کتاب، از برگزیده شدن ابوبکر به خلافت شروع شده و همینطور روی کار آمدن عمرو عثمان و چگونگی شورش علیه وی و سپس بیعت مردم با علی (علیه السلام) و جنگهای جمل، صفین و نهروان و روی کار آمدن معاویه و بیعت با یزید و پس حکومت مروانیان و خاندان عباسی تا

اواخر حکومت هارون الرشید پرداخته است. روش ابن قتیبه در این کتاب به صورت موضوعی است.

### الفتوح:

کتاب الفتوح بوسیله ابومحمداحمدبن اعثم کوفی متوفی ۳۱۴هـ.ق، تألیف شده است. این کتاب با ماجرای سقیفه و خلافت ابوبکر و جنگهای رده و توجه مسلمانان به حیره آغاز شده است. و بعد از آن، به خلافت عمرو فتوحات عصر او و سپس خلافت عثمان و ادامه فتوحات و تفصیل قیام بر ضد او و خلافت امام علی (علیه السلام) و جنگهای داخلی عصر امویان و فتوحات این دوره و انقراض امویان و تأسیس دولت عباسی تا عصر هارون الرشید، فصول بعدی کتاب می باشد.

این کتاب بوسیله محمدبن احمدبن مستوفی هروی ترجمه شده است. ترجمه این کتاب مصادف با دوره‌ای بوده است که در ممالک اسلامی مشرق به ویژه در خراسان و ماوراء النهر، علم و ادبیات نیز رونق داشته است.

شیوه ترجمه در پاره‌ای از تمثیلات و هنگام بیان وقایع و روایات و شرح حالها، در عین سادگی و روانی، بدور از لغات پیچید و آراسته به صنعت سجع است. مترجم به شیوه معمول روزگار خود نثر را با نظم فارسی و عربی آراسته است.

فصل اول:

# مفاهیم نظری

- مفهوم جنگ روانی
- روشهای جنگ روانی
- تاریخچه جنگ روانی
- اهداف جنگ روانی

### مفهوم جنگ روانی:

جنگ یکی از پدیده‌های اجتماعی گریزناپذیر در زندگی بشر است و با وجود این که پدیده‌ای ناخوشایند است اما گاه به دلایلی ظهور و بروز آن اجتناب‌ناپذیر است. این جنگ است که برخورد تمدن‌ها را به وجود آورده است و آنها را نیز از بین می‌برد.

در تاریخ زندگانی بشر، جنگ‌های فراوانی یافت می‌شود که به وسیله ابزار و وسایل نظامی، پیروزی‌هایی را علیه دشمن به دست آورده است و لیکن نتوانسته است روحیه آنان را خدشه‌دار کند و اراده آنان را مطابق میل خود تغییر دهد. به همین جهت این پیروزی‌ها، مقطعی بوده‌اند و نتوانسته‌اند مدت زیادی دوام بیاورند. لذا سیاستمداران و دانشمندان علوم نظامی به دنبال ارائه راهکاری مفید در کنار جنگ فیزیکی بوده‌اند و در کنار جنگ فیزیکی، جنگ روانی به راه انداخته‌اند تا بتوانند بر عقل و نیروی بشر و اراده آنان غلبه کنند. جنگ روانی به قدمت تاریخ بشر است اما در دوران معاصر روش‌ها و ابزارهایش پیشرفت کرده است.

اولین استراتژیست نظامی که به اهمیت جنگ روانی پی برد سن تزو است که در قرن ششم قبل از میلاد در چین می‌زیست. او اعتقاد داشت: «به جای درگیری تنها با نفوذ بر اراده دشمن می‌توان از وقوع نبرد جلوگیری کرد و در عین حال به هدف خود رسید.»<sup>۱</sup>

اندیشه و عقیده از قدرتمندترین سلاح‌ها در جنگ‌ها به شمار می‌روند که بدون آنها، هیچ تصمیم مناسبی نمی‌توان گرفت. در جنگ‌ها، کنترل بر اذهان و اندیشه نیروهای خودی و

1 - سن تزو، **هنر جنگ**، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات قلم، ۱۳۵۹، ص ۱۴.

نیروهای متخاصم از مهم‌ترین پایه‌ها و عناصر پیروزی است.<sup>۱</sup>

میان صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل نظامی در باره اصطلاح جنگ روانی و درباره حوزه فعالیت‌های مربوط به جنگ روانی و مسائل مربوط به آن، اتفاق نظر واحدی وجود ندارد. از این جهت نمی‌توان در تعریف جنگ روانی تعریف دقیق و روشنی ارائه داد.

عده‌ای بر این عقیده هستند که جنگ روانی فقط در زمانی که بین دو گروه متخاصم درگیری بوجود بیاید اتفاق افتاده است و عده‌ای دیگر چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ کلیه فعالیت‌هایی که به منظور تأثیر بر رفتار و نگرش گروه‌های مقابل به منظور دستیابی به اهداف انجام می‌گیرد، جنگ روانی نامیده‌اند.<sup>۲</sup>

در تعاریف اولیه، جنگ روانی فقط به منظور تأثیرگذاری بر رفتار دشمن انجام می‌شد. همان گونه که کلاوزویتس آنرا را ابزاری برای تغییر اراده دشمن می‌داند او جنگ روانی را این گونه تعریف می‌کند:

*«اعمال زور به دشمن به منظور تغییر رفتار او مطابق میل و اراده ما»<sup>۳</sup>*

اما امروزه دیگر به این تعاریف محدود نمی‌شود. ارتش آمریکا در فرهنگ جدیدی که منتشر کرد تعریف متفاوتی از جنگ روانی ارائه داد:

*«جنگ روانی، استفاده برنامه‌ریزی شده دولت از اقدامات و تبلیغات در زمان جنگ یا غیر جنگ را گویند که به منظور تأثیرگذاری بر نظرها، احساسات، موضع‌گیریها و رفتار گروه‌های دوست و دشمن یا بی‌طرف صورت می‌گیرد به گونه‌ای که به تحقق سیاست‌های دولت و اهداف آن*

- 1 - محمود یزدان فام «فرآیند اثرگذاری عملیات روانی»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال اول، شماره اول، ص ۲۱.
- 2 - *مدیریت تبلیغات جنگ (مجموعه مقالات)*، ناشر: معاونت روابط عمومی و انتشارات حوزه نمایندگی ولی فقیه در دافوس سپاه، ۱۳۸۰، چ اول، ص ۱۴.
- 3 - الکساندر اسکناسی «نقش عملیات روانی در ماموریت‌های نظامی» *مجموعه مقالات همایش تبلیغات و جنگ روانی*، ترجمه حسین حسینی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۲، چ اول، ص ۱۷۸.

### کمک می‌کند.<sup>۱</sup>

توفیق در جنگ روانی قبل از هر چیز وابسته به خصلت جنگ مفروض است مثلاً کشوری که جنگ از طرف او عادلانه و شرافتمندانه است، می‌تواند عدالت و حقانیت خود را به دشمن با دلایل کافی ثابت کند و ایمان آنها را به عدالت و حقانیت عمل دولیشان که آنها را به جنگ ظالمانه و غیرعادلانه کشانده است متزلزل سازد.<sup>۲</sup>

عنصر جنگ روانی از مسأله زمان جنگ فراتر است و در هنگام صلح هم باید به آن توجه داشت.<sup>۳</sup>

صلاح نصر جنگ روانی را این گونه بیان می‌کند:

«جنگ روانی استفاده برنامه‌ریزی شده از تبلیغات و فعالیتهای ارتباطی توسط یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌هاست که به منظور تأثیرگذاری بر نظرها، احساسات، موضع‌گیریها و رفتار گروههای دوست، دشمن یا بی‌طرف صورت می‌گیرد به گونه‌ای که به تحقق سیاستهای دولت و اهداف آنها کمک می‌کند.»<sup>۴</sup>

جان کالینز، نظریه‌پرداز جنگ روانی در دانشگاه ملی جنگ آمریکا جنگ روانی را این گونه تعریف می‌کند:

«جنگ روانی عبارت است از استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در خصوصیات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی می‌شود.»<sup>۵</sup>

1 - منصور ابراهیمی خوسفی، *جنگ نرم (۴)*، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶، چ اول، ص ۲-۳۱.  
en.wikipedi.org

2 - علی آقابخشی، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۳، چ اول، ص ۵۵۵

3 - <http://www.rahpouyan.com>

4 - صلاح نصر، *جنگ روانی*، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۸۳.

5 - جان ام. کالینز، *استراتژی بزرگ*، ترجمه کورش بایندر، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، چ اول، ص ۱۱۳.

## دیدگاه‌های مختلف درباره جنگ روانی:

سه دیدگاه معروف درباره جنگ روانی وجود دارد:

- ۱- یک گروه جنگ را طیف گسترده و وسیعی از اقدامات سیاسی، نظامی و اقدامات شبه نظامی می‌دانند و معتقدند هدف جنگ روانی در همه ایام، چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح، حمایت از فعالیت‌های سیاسی و نظامی دولتها است.<sup>۱</sup>
- ۲- گروه دوم جنگ روانی را پدیده‌ای می‌داند که تمام افراد یک کشور را در بر می‌گیرد و فعالیت‌هایی نظیر جاسوسی، براندازی و آدم‌کشی را نیز شامل می‌شود.<sup>۲</sup>
- ۳- نگرش سوم؛ مجموع اقدامات به منظور اثرگذاری و نفوذ بر عقاید و رفتار دولتها در جهت مطلوب که با ابزار و وسایلی غیر از ابزارهای نظامی، سیاسی انجام می‌شود. طرفداران این نگرش معتقدند تبلیغات جزئی اساسی از جنگ روانی است.<sup>۳</sup>

## جنگ روانی و عملیات روانی:

جنگ روانی زیرمجموعه عملیات روانی قرار می‌گیرد که عبارت است از جنگ‌های روانی و دیگر فعالیت‌های روانی و اعمال سیاسی و نظامی، اقتصادی، ایدئولوژیکی که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات، حالات و رفتار گروه‌های مورد هدف (دوست، دشمن، بی‌طرف) به منظور نیل به هدف‌های ملی، طرح‌ریزی و اجرا می‌گردد.<sup>۴</sup>

1 - حسین متفکر، **جنگ روانی**، قم، انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۳، چ اول، ص ۳۲.

2 - همان‌جا؛ عبدالله عمیدی، «نقش رسانه‌های بسیج در مقابله با دستکاری در افکار عمومی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دهم، ش ۳۷، ص ۱۱۷؛ ویلیام داقرتی، «جنگ روانی»، مجموعه مقالات تبلیغات و جنگ روانی، ترجمه حسین حسینی، ص ۱.

3 - همان‌جا.

4 - علیرضا فرشچی، «جنگ اطلاعات و عملیات روانی»، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۳.

## روشهای جنگ روانی:

جنگهای روانی روشهای فراوانی دارد که متخصصان جنگهای روانی با استفاده مناسب و به موقع یکی از این روشها و یا با ترکیبی از این حالات، قادر خواهند شد احساسات و تمایلات و رفتار مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار داده و رفتار آنان را تغییر داده و از این حالت برای دستیابی به اهداف مورد نظر بهره‌برداری کنند.

مهم‌ترین روشهای جنگهای روانی عبارتند از:

فرب، شایعه، تشجیع، تحریک، ارعاب، تطمیع، روشنگری، القاء غیر مستقیم، اقناع، تبلیغات، بحران‌سازی و ایجاد اغتشاش

### ۱- فرب: (خدعه)

یکی از روشهای تأثیرگذار بر مخاطبان، دادن اطلاعات دروغ و یا تصویر نادرست از وقایع است که اغلب با ارائه قسمتهایی از واقعیت این امر تحقق می‌پذیرد. دست‌اندرکاران جنگهای روانی، با استفاده به موقع از جو عاطفی حاکم بر مخاطبان، آنها را به مطالب خاصی که مد نظر خودشان است جلب می‌کنند. البته باید به این نکته توجه داشت که این اطلاعات نادرست، از یک جهت باید قانع‌کننده باشد و از طرف دیگر باید به گونه‌ای در خفی ارائه شود که مخاطبان قادر به تشخیص حقایق نشود.<sup>۱</sup>

### ۲- شایعه:

شایعه دو مفهوم لغوی و اصطلاحی دارد.

### مفهوم لغوی:

در لغت شایعه از شیع شاع به معنی رواج یافتن و منتشر شدن است.<sup>۲</sup>

1 - محمد شیرازی، *جنگ روانی و تبلیغات*، ناشر دبیرخانه نخستین همایش علمی بررسی نقش تبلیغات در جنگ، ۱۳۷۶، ج اول، ۵-۳۴؛ حسین متفکر، پیشین، ص ۱۲۷.

2 - ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه.ق، ج اول، ج ۷، ص ۲۶۰.



**مفهوم اصطلاحی:**

شایعه خبری است که فاش می‌شود و دهان به دهان نقل می‌شود بدون اینکه صحت و سقم آن مشخص شود. شایعه انتقال اخبار غیر موثق است.<sup>۱</sup>

شایعه یک پدیده مخرب و خطرناک است که بر پایه یک جنجال بی‌اساس به وجود می‌آید. این پدیده در مواقع بحران، تشدید می‌شود به طوری که روحیه مردم را تضعیف کرده و دچار یأس و ناامیدی می‌شوند.

شایعه نقش مؤثری در جنگهای روانی دارد؛ زیرا بدون آنکه برچسب منفی تبلیغات بخورد، شنونده آن را می‌پذیرد.<sup>۲</sup> از مهم‌ترین حربه‌های دشمن در جنگ روانی، شایعه‌پراکنی است. شایعه وقتی رواج می‌یابد که حوادث دخیل در آن اهمیت خاصی در زندگی افراد داشته باشد یا این که خبرهای مربوط به آن مبهم باشد.<sup>۳</sup> به منظور واقعی جلوه دادن شایعه یا جذب بیشتر مخاطب، معمولاً قسمتی از واقعیت را در آن دخیل می‌کنند.

بر خلاف آنکه شایعات، پشتیبانی نمی‌شوند و لیکن باز هم گسترش می‌یابند؛ زیرا مردمی که آن را می‌شنوند و تکرار می‌کند، در واقع آن را رواج می‌دهند.<sup>۴</sup>

وقتی افرادی شایعه را تکرار می‌کنند در حقیقت این خبر، بعضی از نیازهای آنها را برآورده می‌کند.

گاهی پیش می‌آید که هدف اصلی در شایعه نه تحریف حقیقت، بلکه انتشار یک خبر دروغ و جعلی است.<sup>۵</sup>

1 - حسین متفکر، پیشین، ص ۸۵؛ احمدرضا رادان، «شایعه روشی تأثیرگذار در عملیات روانی»، فصلنامه عملیات روانی،

سال ۵، ش ۱۷، ص ۷؛ رابرت ناپ، «شایعه» مجموعه مقالات تبلیغات و جنگ روانی، ترجمه حسین حسینی، ص ۳۵.

2 - رابرت ناپ، پیشین، ص ۵۰.

3 - صلاح نصر، پیشین، ص ۲۹۵؛ گردون آلپورت و لئو پستمن، روان‌شناسی شایعه، ترجمه ساعد بستانی، ص ۴۵.

4 - رابرت ناپ، پیشین، ص ۳۶.

5 - گردون آلپورت و لئو پستمن، ص ۴۵؛ عبدالمجید صادقی، اصول مخاطب‌شناسی تبلیغی، قم، انتشارات زمزم هدایت،

۱۳۸۴، چ دوم، ص ۱۱۳.

در شایعه مطالب دروغ و تخیلی دیگر بخشها را آن قدر تحت الشعاع قرار می‌دهند که واقعیات را نمی‌توان از آنها جدا کرد.<sup>۱</sup>

#### انواع شایعه:

شایعات در اشکال مختلف و بر اساس معیارهای گوناگون تقسیم می‌شوند و این تقسیم‌بندی کمک زیادی برای پی بردن به ماهیت آنها می‌کند. شایعات از نظر زمانی، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- شایعات خزنده ۲- شایعات آتشین ۳- شایعات غواص

#### ۱-۲- شایعات خزنده:

این شایعات به آرامی و کندی پخش می‌شوند. و به طور مخفیانه نقل شده تا همه آگاه شوند. در این شایعات، می‌توان شایعات غیب‌گویانه و خصمانه را جای داد.<sup>۲</sup>

#### ۲-۲- شایعات آتشین (خسونت‌بار):

این شایعات همچون آتشی که چوب یا خرمن گندمی را می‌سوزاند، به سرعت منتشر شده و در مدت کوتاهی جامعه را در بر می‌گیرد. این شایعات بیشتر در زمانهای جنگ و بحرانها به وجود می‌آیند. این گروه شایعات به احساسات پرجوش انسانها مانند ترس و خشم تکیه می‌کنند.<sup>۳</sup>

#### ۳-۲- شایعات غواص (فرو شونده):

این شایعات پس از به وجود آمدن، مدتی دهان به دهان انتقال می‌یابند سپس مدتی مخفی شده و به اصطلاح زیر آب می‌روند تا وقتی که زمان بیرون آمدن آنها مهیا شود هنگامی که شرایط مناسب برای گسترش و ظهور آنها فراهم شود سر برآورده بین مردم رواج می‌یابند

1 - همانجا، همانجا.

2 - احمدرضا رادان، پیشین، ص ۱۵؛ صلاح نصر، پیشین، ص ۳۱۴؛ رفیق السکری، *درآمدی بر افکار عمومی، تبلیغ و آوازه‌گری*، ترجمه حسین کرمی، انتشارات همراه، ۱۳۷۰، ج اول، ص ۷۳.

3 - همانجا؛ همانجا؛ همانجا.

این نوع شایعات مدت زیادی در ذهن برخی از افراد باقی می‌مانند و سالهای بعد، پس از فراهم شدن شرایط، دوباره ظهور می‌یابند.<sup>۱</sup>

### شایعه در گذر تاریخ:

بشر در زندگی اجتماعی خود، نمی‌تواند جامعه‌ای را تصور کند که خالی از شایعه باشد. این پدیده از آغاز خلقت تا به حال در جوامع انسانی ظهور و بروز داشته و این پدیده اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است.<sup>۲</sup> در جنگهای پیش‌آمده بین کشورها سیاستمداران با ایجاد جنگ روانی و انتشار شایعه می‌کوشیدند تا جبهه مقابل را از ادامه جنگ مأیوس و ناامید کنند. ویرجیل شاعر رومی سده اول قبل از میلاد، در مورد شایعه این گونه می‌نویسد:

*«ای شایعه، هیچ شیطان دیگری از تو سریع‌تر و تندتر نیست، تو با هر حرکتی که به جلو می‌روی و پیشرفت می‌کنی قدرت ویران‌کننده و تخریبی بیشتری به دست می‌آوری.»<sup>۳</sup>*

تأمل در متون سیاسی، نظامی و ادبی قدیم نشان می‌دهد که از دیرباز اصطلاح شایعه در محاورات مردم و در نوشته‌های اندیشمندان به کار رفته است. جنگ جهانی دوم به ویژه پس از حمله ژاپن به بندر پرل هارپر، فرصتی طلایی برای دو روان‌شناس به نامهای آلپورت و پستمن ایجاد کرد تا به مطالعه و تحلیل شایعه بپردازند. از نظر این دو، عوامل زیادی موجب شکل‌گیری این پدیده می‌شود؛ عواملی نظیر ترس، رفع ابهام که در شکل‌گیری آن دخیل هستند.<sup>۴</sup>

در تاریخ موارد زیادی از شایعه بوده است؛ یکی از موارد آن، واقعه به آتش کشیده شدن شهر روم در سال ۹۶ میلادی است. آن زمان، میان مردم این شایعه رواج یافت که نرون

1 - همان، ص ۱۶؛ همانجا؛ همان، ص ۷۴.

2 - صلاح نصر، پیشین، ص ۲۹۷؛ محمد شیرازی، پیشین، ص ۱۸۲.

3 - محمد شیرازی، پیشین، ص ۱۸۳.

4 - عبدالوهاب کحیل، پیشین، ص ۸۰.

امپراتور، عامل این کار است ولی نرون ضد شایعه‌ای انتشار داد و مسیحیان را در بین مردم به عنوان عامل آتش‌سوزی معرفی کرد. بر اساس شواهد و اسناد موجود، ماجرا از این قرار بود که مردم سختی کشیده و پریشان روم که از امپراتور، یعنی نرون دل خوشی نداشتند داستان آتش‌سوزی را این گونه پذیرفتند و پخش کردند که حتی اگر قبول کنیم نرون شهر را به آتش نکشیده حداقل از زیبایی‌های شعله‌های سرکش آن لذت برده و به افتخار آن شعله‌ها، قصیده‌ای نیز سروده است. به دنبال آن نرون هم برای دفاع از خود، دست به ابتکار جالبی زد و با ایجاد یک ضد شایعه، آتش زدن شهر را به مسیحیان که در آن زمان از خود او هم نزد مردم منفورتر بودند نسبت داد.<sup>۱</sup>

### ۳- تشجیع:

در معنای لغوی آن آمده است شَجَّعَ شَجْعَ، بالضم: اَشْتَدَّ عِنْدَ الْبَأْسِ.<sup>۲</sup> یعنی محکم ایستادن در مقابل سختی‌ها.

متخصصان جنگ روانی، در این روش برای حرکت به سوی هدف مطلوب شور و شوق را در مخاطبان برمی‌انگیزند و در همین راستا احساسات و عواطف آنان را تقویت می‌کنند. روحیه تلاش و حرکت بی‌وقفه به سوی هدف در مخاطبان را با حس دفاع از دین، وطن، نژاد و قوم و یا تقویت حس تنفر از دشمن متجاوز، مبارزه با ظلم، پرورش می‌دهند.<sup>۳</sup>

در جنگهای روانی، سیاستمداران با استفاده از عاطفه و احساس مخاطبان خود، آنها را به سوی هدف مورد نظر خود هدایت می‌کنند.

### ۴- تحریک:

در این روش برای تأثیرگذاری بر روی حالات و رفتار مخاطبان، اقدامهایی صورت

1 - ادوارد گیبون، *انحطاط و سقوط امپراتوری روم*، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، چ سوم، ص ۲۳۳.

2 - ابن منظور، پیشین، ص ۳۶.

3 - محمد شیرازی، پیشین، ص ۳۷.

می‌پذیرد. در این شیوه، متخصصان جنگ‌های روانی با دادن پیامها و اطلاعات، به تحریک احساس مخاطبان می‌پردازند و آنها را به سوی اهداف مورد نظر خود سوق می‌دهند.<sup>۱</sup> از جمله مفاهیمی که در این روش مورد توجه قرار می‌گیرند حس همدردی، تنفر، خشم و غضب می‌باشد.

#### ۵- ارباب:

در فرهنگ لغت رعب به معنای فزع و خوف آمده است. یعنی ترس.<sup>۲</sup> از روشهای تأثیرگذار و پرفایده بر روی احساسات و رفتار دشمن، استفاده از حربه ارباب و تهدید و ایجاد وحشت به جهت تضعیف روحیه و اراده آنان است. در این شیوه، مجریان جنگ‌های روانی، ضمن تهدید و ایجاد رعب میان مخاطبان خود، به آنها می‌گویند که خطرات و صدمات احتمالی و حتی قطعی فراوان در مسیر راه آنها وجود دارد. سیاستمداران و متخصصان جنگ‌های روانی با طرح آینده‌ای تاریک و توأم با سختیها و مشکلات فراوان، سعی می‌کنند که به دشمنان بقبولانند که آنها امکانات لازم را برای دستیابی به اهداف خود ندارند.<sup>۳</sup>

#### ۶- تطمیع:

در فرهنگ لغت تطمیع از ماده طمع به معنای حرص علییه و رجاه می‌باشد یعنی چیزی یا کسی که برای به دست آوردن آن حرص می‌ورزند و امید دارند تا آن را بدست بیاورند.<sup>۴</sup> از تطمیع، محرکی نیرومند است و در بسیاری مواقع، پاداش می‌تواند مخاطبان را به دگرگونی علایق و مقاصد خویش تشویق و آنان را تطمیع کند.<sup>۵</sup>

متخصصان جنگ‌های روانی، تلاش می‌کنند تا با در نظر گرفتن پاداش برای مخاطبان

1 - همان، ص ۴۷.

2 - ابن منظور، پیشین، ج ۵، ص ۲۴۰.

3 - محمد شیرازی، پیشین، ص ۴۲.

4 - ابن منظور، پیشین، ج ۸، ص ۲۰۱.

5 - محمد شیرازی، پیشین، ص ۳۸.

خود، آنها را به سوی اهداف خود متمایل کنند.

#### ۷- روشنگری:

ارائه حقایق و آشنا کردن مخاطبان با اهدافی که باید مد نظر داشته باشند، از وظایف اصلی کارشناسان جنگهای روانی است. یعنی درک نامتوازن مخاطبان از حقیقت یکسان شود.

روشنگری دو ویژگی برجسته دارد:

اول: برای این که مخاطبان در مقابل شایعات و اکاذیب مقاوم شوند، موقعیتی را فراهم می‌کند تا مخاطبان از حقایق آگاه شوند.

دوم: برای رسیدن به اهداف مورد نظر، تلاشی دو برابر از خود نشان می‌دهند.<sup>۱</sup>

#### ۸- القاء غیر مستقیم:

وقتی مخاطبان نسبت به دریافت پیام و اطلاعات مقاومت نشان می‌دهند به طور معمول، روش القاء غیر مستقیم اعمال می‌شود. متخصصان جنگ روانی بدون این که موضع خود را آشکار کنند منظور خود را به مخاطبان خویش انتقال می‌دهند.<sup>۲</sup> آنان منظور خود را در قالب موضوعاتی که به ظاهر ارتباطی ندارد بیان می‌کنند.

مفاهیم مد نظر در روش القاء غیر مستقیم از طریق موسیقی، نمایش، سخنرانی و فیلم و امثال این‌ها، مورد استفاده قرار می‌گیرد به طوری که ذهن مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

#### ۹- اقناع:

از شیوه‌های بسیار مهم برای تأثیر و نفوذ در افکار و احساسات و رفتار طرف مقابل شیوه اقناع است. اقناع معمولاً در مقابل روشهای مبتنی بر اعمال قدرت مطرح است و به خاطر تغییر در رفتار آدم به تسلیم عقل و فکر مخاطبین تأکید دارد. در این روش برهان و دلیل و روشهای عقلانی به کار گرفته می‌شود. مفهوم اقناع در جنگ روانی عبارت است از توسل به

1 - همان، ص ۳۹.

2 - همان، ص ۴۴.

تعقل و احساس به خاطر حصول نوعی رضایت روانی در فرد مورد نظر.<sup>۱</sup> این شیوه به خاطر تأکید بر روش عقلانی پیام مورد نظر، زودتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. و تأثیری عمیق‌تر و پایدارتر در ذهن مخاطب می‌گذارد.

#### ۱۰- تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف:

از دیگر شیوه‌های رایج برای ایجاد جنگ روانی تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف است. در این روش با پخش شایعه و مطالب اغراق‌آمیز، تحریف مطالب، دسیسه کردن و دیگر ترفندها موجب ایجاد تفرقه در بین مردم می‌گردد. بنابراین ضرب المثل «تفرقه بینداز و حکومت کن» از شگردهای مهم در جنگ روانی است. اگر کشوری بخواهد بر ملتی نفوذ داشته باشد، بین آحاد مردم آن ملت تفرقه ایجاد می‌کند.<sup>۲</sup>

هدف از به کارگیری این روش، تضعیف اتحاد و به هم پیوستگی بین مردم است.<sup>۳</sup>

#### ۱۱- تبلیغات:

در یکی از تعاریف پذیرفته شده برای جنگ روانی، تبلیغات یکی از اجزاء جنگ روانی به شمار رفته است. تبلیغات قدرتی فراتر از سلاح جنگی دارد.<sup>۴</sup> برای تبلیغات با توجه به کارکردهای مختلف آن، تعاریف متعددی شده است. تبلیغات با شیوه‌های مختلف، پیام را با هدف‌گذاری‌های خاص خود به مخاطب می‌رساند. هارولد لاسول در تعریف تبلیغات می‌گوید:

**«تبلیغات بیان افکار و اعمالی است که آگاهانه توسط افراد یا گروهها به**

1 - اتو لربینگر، *ارتباطات اقناعی*، ترجمه علی رستمی، تهران، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی، چ اول، ۱۳۷۶، ص ۷.

2 - حسین متفکر، پیشین، ص ۱۲۵.

3 - محمد مینو حجاب، *جنگ روانی*، ترجمه سعید یارمند، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی، ۱۳۸۰، چ دوم، ص ۱۴۰.

4 - عبدالمجید صادقی، پیشین، ص ۱۵.

منظور تأثیر بر افکار و اعمال دیگر افراد یا گروهها برای دست‌یابی به اهداف که از پیش تعیین شده و از طریق به کارگیری ماهرانه جنبه‌های روانی انجام گیرد.<sup>۱</sup>

تبلیغات معادل کلمه «Propaganda» در زبان انگلیسی است. صلاح نصر در کتاب جنگ روانی، بهترین تعریف از تبلیغات را این گونه آورده است: «تبلیغات، کاربرد هدفدار هر یک از وسایل ارتباطی است که با هدف تأثیر بر افکار و احساسات گروهی مخالف و معین، یا گروهی بی‌طرف، یا گروهی خارجی و دوست و با نیت استراتژیک یا تاکتیکی معین انجام می‌گیرد.»<sup>۲</sup>

آنچه به طور اجمالی می‌توان بیان کرد این است که تبلیغات از زاویه جنگ روانی تعریف خاص خود را دارد و آن را این گونه می‌توان تعریف کرد:

تبلیغات یعنی به کارگیری نمادهایی چون کلمات، علائم، پرچم‌ها، تصاویر، آثار تاریخی و موزیک، برای تأثیرگذاری بر افکار و اعمال دیگران.

### تاریخچه جنگ روانی:

انسان در طول تاریخ برای غلبه بر دشمن و تحمیل اراده خود بر او، از وسایلی که روحیه را کاهش می‌دهد در روش‌های گوناگون استفاده کرده است. در همه اعصار گذشته انسان با استفاده از ابزار و روشهای مختلف تلاش کرده است تا دشمن خویش را مقهور کرده و بر آنان غلبه کند؛ یهودیان با ایجاد سروصدا و روشن کردن مشعل‌های فراوان و دمیدن در کرناها، ترس و وحشت در دل دشمن ایجاد می‌کردند.<sup>۳</sup>

بر اساس اطلاعاتی که در منابع تاریخی آمده، جنگ روانی از گذشته بسیار دور مورد استفاده قرار گرفته است و استفاده از آن در جنگ و صلح و سیاست را به تازگی کشف

1 - ابراهیمی خوسفی، پیشین، ص ۴۲.

2 - صلاح نصر، پیشین، ص ۴۲۶.

3 - همان، ص ۶.



نکرده‌اند بلکه کمتر زمانی از تاریخ حیات سیاسی و نظامی بشر را می‌توان یافت که این عنصر را نداشته باشد.<sup>۱</sup> اصطلاح جنگ روانی در روزهای اول جنگ جهانی دوم شناخته شد. اولین نویسنده آمریکایی که این عنوان را به طور رسمی برای کتاب خود انتخاب کرد، پل لاینبرگر<sup>۲</sup> آمریکایی بود.<sup>۳</sup> پل لاین برگر سابقه استفاده از جنگ روانی را به جنگ گیدئون با مادها نسبت می‌دهد. در این جنگ گیدئون بر خلاف رسوم نظامی زمان خود که هر دسته صد نفره یک مشعل داشتند، به هر یک از سپاهیان مشعلی داد و این توهم را در ذهن دشمن ایجاد کرد که تعداد نفرات ارتش صد برابر میزان واقعی است در نتیجه بدون هیچ درگیری و زد و خوردی توانست به پیروزی دست بیابد.<sup>۴</sup>

اولین کسی که در مسائل نظامی، اصطلاح جنگ روانی را به کار برد؛ فولر<sup>۵</sup> تحلیل‌گر مسائل نظامی انگلیس بود که در سال ۱۹۲۰ از این عنوان استفاده کرد.<sup>۶</sup> این اصطلاح در سال ۱۹۴۰ برای اولین بار وارد ادبیات آمریکا شد و اولین بار در پیوست فرهنگ بین الملل وبستر به کار رفت.

جنگ‌های روانی که در اعصار گذشته اتفاق افتاده است را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:<sup>۷</sup>

۱- جنگ روانی در عصر باستان ۲- جنگ روانی در عصر اسلامی ۳- جنگ روانی در

عصر حاضر

1 - منصور ابراهیمی، پیشین، ص ۴۹.

2 - Paul Linberger.

3 - صلاح نصر، پیشین، ص ۸۱.

4 - منصور ابراهیمی، پیشین، ص ۴۹.

5 - Fuller.

6 - محمد مینوحجاب، پیشین، ص ۱۴.

7 - حسین متفکر، پیشین، ص ۱۸.

### جنگ روانی در دوران باستان:

از جمله جنگ‌های روانی که در این دوران اتفاق افتاده است جنگ تحوتمس سوم برای فتح شهر یافا است. روش این جنگ از نوع نیرنگ و غافل‌گیری است. در این جنگ، فتح شهر مزبور برای او دشوار بود و بدین وسیله به حيله و نیرنگ متوسل شد. وقتی او با لشکریان خود به شهر یافا حمله کرد و فتح آن را مشکل دید، سعی و تلاش کرد تا حاکم شهر یافا را فریب دهد، پس وانمود کرد که از کارهای فرعون ناراضی است و قصد دارد به او خیانت کند و می‌خواهد به دشمنش بپیوندد، به همین خاطر با حاکم شهر شروع به مکاتبه کرد تا آن که حيله‌اش مؤثر افتاد و حاکم یافا برای ملاقات او از شهر خارج شد. وقتی هر دو طرف به دوستی هم اعتماد کردند، فرمانده مصری از قدرت فرعون تعریف کرد به طوری که باعث وحشت و ترس حاکم شد و در آخر، مدعی شد که عصای سحرآمیز را که با زمین زدن آن، خداوند به وی هر چه بخواهد عطا می‌کند، در اختیار دارد. حاکم یافا از فرمانده مصری خواست که عصای فرعون را به او نشان بدهد؛ فرمانده مصری این درخواست را پذیرفت ولی شرط کرد که باید با حاکم خلوت کند. وقتی هر دو تنها شدند، حاکم را با ضربت به زمین انداخت و بیهوش کرد. آنگاه ۲۰۰ نفر از سربازان مصری را مأمور کرد تا در کیسه‌هایی پنهان شوند و آنها را همراه خود به سمت شهر، حمل کرد در حالیکه مهترباشی حاکم، در جلوی کاروان حرکت می‌کرد و به ظاهر، حامل یک محموله از طرف حاکم برای همسرش بود. فرمانده مصری دستور داده بود تا گروه دیگری از سربازان مصری اطراف کیسه‌ها قرار گیرند، وقتی وارد شهر شدند کیسه‌ها را باز کرده تا سربازان از داخل آنها بیرون آیند. به محض اینکه دروازه‌های شهر باز شد، دستور فرمانده مصری اجراء گردید و سربازان مصری از درون کیسه‌ها خارج شده، برجهای شهر را اشغال کردند و در همان حال ارتش مصر از خارج شهر، حمله خود را آغاز نموده و با این حيله زیرکانه یافا فتح شد.<sup>۱</sup>

در مصر باستان کاهنان مصری تصویری از فرعون می‌کشیدند یا مجسمه‌هایی از فرعون

1 - صلاح نصر، پیشین، ص ۴۸؛ رفیق السکری، پیشین، ص ۵۶؛ محمد مینوحجاب، پیشین، ص ۳۶.

می ساختند که چهره فرعون را ترسناک و باراده نشان می داد، مردم مصر با دیدن این تصاویر احساس ترس و وحشت می کردند.

### جنگ روانی در عصر اسلامی:

به دو گروه جنگ روانی در صدر اسلام و جنگ روانی بعد از صدر اسلام تقسیم می شود که در ذیل به نمونه‌هایی از آنها اشاره می شود:

#### الف - جنگ روانی در صدر اسلام:

پیامبر اکرم (ﷺ) در جنگ احزاب، برای ایجاد تفرقه و اختلاف بین سپاه دشمن از روش فریب استفاده کردند و مسئولیت این کار را به نعیم بن مسعود غطفانی واگذار کرده و از او خواستند بین احزاب قریش، بنی غطفان و بنی قریظه که برای حمله به مدینه هم پیمان شده بودند با استفاده از خدعه، تفرقه ایجاد کند.

نعیم بن مسعود، نزد بنی قریظه یکی احزاب هم پیمان با قریش رفت و به آنها گفت قریش و غطفان، مانند آنها در این سرزمین ساکن نیستند و اگر در جنگ شکست بخورند آنها را تنها گذاشته و از این جا می روند، بنابراین تا وقتی از آنها گروگان نگرفته، اقدام به جنگ با محمد (ﷺ) نکنند. نعیم بن مسعود، پس از آن نزد قریش رفت و به آنها اطلاع داد که یهودیان از کار خود پشیمان شده و برای جبران شکستن پیمان خود با حضرت محمد (ﷺ)، به حضرت محمد گفته‌اند که آنها گروهی از بزرگان قریش و غطفان را به عنوان گروگان تسلیم حضرت محمد (ﷺ) خواهند کرد تا آنها را گردن بزند. نعیم بن مسعود سپس نزد قبیله خود غطفان رفته و آنچه به قریش گفته بود به آنها نیز گفت.

تدبیر نعیم بی اندازه در تفرقه میان دشمن مؤثر واقع شد. و وقتی سرشناسان قریش و عطفان نزد بنی قریظه رفتند تا زمان جنگ را اعلام کنند بنی قریظه به آنها گفتند که تا چند تن از بزرگان خود را گروگان ندهند اقدام به جنگ نخواهند کرد لذا قریش نیز صحت خبر نعیم را تصدیق کرده و از دادن گروگان ممانعت کردند. یهودیان نیز با شنیدن خبر ممانعت قریش از دادن گروگان به آنها، خبر نعیم را تصدیق کرده و با خود اندیشیدند که آنها می خواهند جنگ

را شروع کنند و اگر موفق نشدند، آنها را تنها گذاشته و به بلاد خود می‌روند. لذا به قریش و غطفان پیام دادند اگر به آنها افرادی به عنوان گروگان ندهند اقدام به جنگ نخواهند کرد.<sup>۱</sup>

پیامبر اسلام در حدیثی می‌فرماید: نصرت بالرعب. ایشان برای تبیین و تشریح اهمیت ایجاد ترس و وحشت در دل‌های کافران به آیاتی از قرآن کریم استناد می‌کند:

«سَأَلْتِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ»<sup>۲</sup>؛

**همانا من ترس در دل کافران می‌افکنم تا گردنهایشان را بزیند و همه انگشتان و دست‌آویزهایشان را قطع کنید.**

هم‌چنین پیامبر (ﷺ) به هنگام محاصره مکه علیه مشرکان از روش ارباب بهره برد. ایشان دستور دادند که ۱۰ هزار آتش در صحراهای اطراف مکه موسوم به مر الظهران بیفروزند. روشنایی آتش ترسی در دل کافران ایجاد کرد؛ به طوری که ابوسفیان و حکیم بن حزام و بدیل بن ورقاء خزاعی که در شب فتح مکه به اردوگاه مسلمین نزدیک شده بودند دریافتند مکه دیگر توانایی مقاومت در مقابل این سپاه عظیم را ندارد. به همین دلیل ابوسفیان بر آن شد به سیاست پرهیز از جنگ پای فشرد و با تسلیم خویش به پیامبر (ﷺ) مانع کشتار مکیان گردد.<sup>۳</sup>

از دیگر موارد جنگ روانی، به کارگیری روش شایعه بوسیله کفار علیه مسلمانان در جنگ احد بود. پخش خبر شهادت پیامبر اکرم (ﷺ) تأثیر منفی و خردکننده‌ای در روحیه و اراده جنگی نیروهای اسلامی داشت. این شایعه ضربه روحی شدیدی را بر مسلمین وارد کرد به طوری که پیوند و تجمع مسلمین را از اطراف رسول خدا گسست. وقتی که مسلمانان بانگ کشته شدن پیامبر را شنیدند به اطراف فرار می‌کردند در حالی که از کنار پیامبر می‌گذشتند و به آن حضرت توجهی نداشتند. پیامبر آنان را فرا می‌خواند، اما آنها بدون اعتنا تا منطقه مهراس

1 - محمد بن عمر واقدی، مغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، انتشارات موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق، چ سوم، ج دوم، ص ۶ - ۴۸۱.

2 - قرآن کریم، انفال، ۱۲.

3 - محمد بن عمر واقدی، پیشین، ص ۸۱۴.

گریختند.<sup>۱</sup>

### ب - جنگ روانی دوران بعد از صدر اسلام:

#### جنگ روانی طارق بن زیاد:

نمونه‌ای دیگر از جنگ روانی را می‌توان در زمان حمله طارق بن زیاد به اسپانیا یافت. او که فرمانده لشکر سپاه اسلام در حمله به اسپانیا بود با استفاده از نیروی اراده و تشجیع سپاهیان خود، توانست سرنوشت ملت خود را حفظ کند. زمانی که او در کوهپایه‌های اندلس اردو زده بود؛ دریافت سپاه دشمن ۱۰۰ هزار نفر است در حالی که سپاه او ۱۲ هزار نفر است. او در این زمان دستور داد کشتی‌های ناوگانی که سپاه او را از شمال آفریقا به اندلس آورده بودند را آتش بزنند آنگاه در بین آنها به ایراد سخن پرداخت و گفت: «ای سپاهیان، دشمن روبروی شماست و دریا پشت سر شما. به خدا قسم، چاره‌ای ندارید جز آنکه یا بمیرید یا پیروز شوید». این جنگ روانی، نمونه‌ای از نیروی اراده و تأثیر روحیه در کسب پیروزی در جنگ است.<sup>۲</sup>

#### جنگ روانی مغولها

مغولها از اقوامی بودند که با فنون و روشهای جنگ آشنایی کامل داشتند. آنها جاسوسانی را برای کسب اطلاعات و پخش شایعه‌ها و بزرگ‌نمایی بعضی واقعیات به داخل سرزمین مورد نظر خود می‌فرستادند. این سربازان تعداد سربازان سپاه مغول را بیشتر از آنچه که بود به اطلاع مردم می‌رساندند و سپاه مغول را وحشی‌تر و خشن‌تر از آنچه که بودند برای مردم سرزمینی که می‌خواستند به آن حمله کنند، توصیف می‌کردند. هلاکوخان از برجسته‌ترین افراد در تاریخ است که از روش جنگ روانی استفاده کرده است به طوری که او قبل از این که جنگی علیه بغداد را شروع کند آنجا را فتح کرده بود. او

1 - همان، ص ۴۰-۲۳۶.

2 - صلاح نصر، پیشین، ص ۵۴؛ رفیق سکری، پیشین، ص ۵۷.

با تعداد کمی از سربازان سپاهش فتح بغداد را شروع کرد. این سربازان با اشاعه شایعاتی مانند این که تعداد سپاهیان هلاکو خیلی زیاد است، قساوت قلب و خونریزی جزء ذات آنها است و...؛ با این ذهنیاتی که از سپاه مغول برای مردم بغداد ساختند آنها تصور کردند با ارتش خونریزی روبرو هستند که به هیچ وجه نمی‌توانند آنها را مغلوب کنند. زمانی که هلاکوخان در سال ۶۵۶ هـ وارد بغداد شد سربازان سپاهش در خانه‌ها را می‌زدند و از ساکنین خانه‌ها می‌خواستند که شمشیرهای خود را تحویل دهند و اگر کسی از این کار خودداری می‌کرد او و افراد خانواده‌اش را از دم تیغ می‌گذراندند.<sup>۱</sup>

### جنگ روانی در عصر حاضر:

جنگ روانی در جنگ‌های دوران حاضر کاربرد زیادی دارد. برای نمونه در سال ۱۹۱۸م متفقین پیش از حمله گسترده آلمان، جنگ روانی گسترده‌ای را در سه مرحله آغاز کردند که در یکی از مراحل آن، سربازان آلمانی را تشویق می‌کردند که یا اسلحه‌های خود را کنار گذاشته و تسلیم شوند، یا اسلحه‌ها را به سوی فرماندهان خود گرفته و یک دولت انقلابی در آلمان برپا کنند.<sup>۲</sup>

از دیگر موارد استفاده جنگ روانی در قرن بیستم، کاربرد شیوه تشجیع بوسیله استالین بود. استالین، یکی از بزرگترین دیکتاتورهای قرن بیستم، فهمیده بود که سلاح‌های نظامی متعارف به تنهایی برای مبارزه با ارتش آلمان کافی نیست. هم‌چنین با آغاز حمله آلمان در سال ۱۹۴۱ استالین احساس کرد که جداسازی ایدئولوژیک و شعارهای کمونیستی بی‌ثمر است و تأثیر روانی و احساسی لازم برای تجهیز مردم روسیه برای جنگ علیه ارتش آلمان را ندارد. بنابراین استالین در تغییر موضوع سیاسی شگفت‌آوری، رژیم کمونیستی خود را با نام روسیه مقدس (روسیه مادر) که میراث تاریخی و سمبل‌گرایی است معرفی کرد. دو بخش سازمانی مهم روسیه با ریشه‌های عمیق تاریخی، یعنی کلیسا و ارتش از طریق تبلیغات استالین که پیش

1 - محمد مینوحجاب، پیشین، ص ۴۲.

2 - محمد شیرازی، پیشین، ص ۱۰.

از این در تاریخ روسیه سابقه نداشت، اهمیت یافتند. موفقیت تاریخی ارتش روسیه، بزرگ جلوه داده شد و مقامات کلیسا و طبقات اجتماعی به استانداردهای پیش از انقلاب بازگشتند. حتی روزنامه رسمی پراودا از شعار مارکسیستی خود، یعنی «کارگران جهان، اتحاد» دست کشید و شعار ناسیونالیستی مرگ بر مهاجمان آلمان را جایگزین کرد.<sup>۱</sup>

در جنگ خلیج فارس، نیروهای آمریکایی، اوراق تبلیغاتی را بر روی سربازان عراقی مستقر در کویت ریختند که در آن سربازان عراقی را تشویق به تسلیم کرده بودند و به آنها درباره حمله‌های وحشتناک آینده هشدار داده بودند.<sup>۲</sup>

---

1 - منصور ابراهیمی، پیشین، ص ۵-۵۴.

2 - محمد شیرازی، پیشین، ص ۱۳.

فصل دوم:

# جنگ‌های روانی

امام علی (علیه السلام)



## شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی امام علی(ع) برای تأثیر گذاری بر مخاطبان

امام علی(ع)، حکومت جامعه اسلامی را در سال ۳۵ هجری به عهده گرفته و در این مسیر با چالشها و مشکلات فراوانی روبرو گردیدند. در این دوره علاوه بر این که افرادی چون طلحه و زبیر در صفت مخالفان حضرت قرار گرفتند، شورش‌هایی چون معاویه نیز علم مخالفت برافراشتند. حضرت علی(ع)، در دوره پنج ساله حکومت خویش درگیر جنگ با این گروه‌ها بودند. علاوه بر این، گروه دیگری به نام خوارج نیز به وجود آمدند که حضرت با آنها نیز مقابله کردند. جنگ جمل با پیروزی حضرت به پایان رسید، در جنگ با معاویه و سپاه او نیز چیزی به پیروزی سپاه امام علی(ع) نمانده بود که مسأله حکمیت به وجود آمد و جنگ به پیروزی نهایی نرسید، و در جنگ با خوارج نیز، امام علی(ع) آنها را سرکوب کرده و به پیروزی رسیدند. در طی دوران حکومت امام علی(ع) شاهد تلاشهایی از سوی امام علی(ع) بودیم که امروزه می‌توان آنرا در قالب جنگ روانی بیان نمود. شیوه‌هایی که امام علی(ع) برای مخاطبان خود به کار می‌بستند عبارتند از تشجیع، تحریک، القاء غیر مستقیم، روشنگری، اقناع، ارباب، تبلیغات. این بخش در دو قسمت شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی امام علی(ع) برای نیروهای خودی و نیروهای دشمن، بررسی خواهد شد:

### الف - شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی امام علی(ع) برای نیروهای خودی

#### ۱- شیوه تشجیع:

تشجیع و ترغیب یکی از شیوه‌های جنگ روانی است که امام جهت ترغیب و تشویق یاران خود بیشترین استفاده را برده‌اند. همان طور که در تعریف آن نیز آمده است تشجیع یعنی برانگیختن شور و شوق تلاش و حرکت به سوی هدف. امام علی(ع) در طی سه جنگی

که در دوران خلافت ایشان رخ داد برای تحریک حس شجاعت و دلاوری یاران خود و حتی در ایامی غیر از جنگ، خطبه‌ها و سخنرانی‌های متعددی برای پرورش روحیه تلاش و حرکت به سوی هدف را برای سپاه خود ایراد کرده‌اند.

امام در خطبه‌ای خطاب به یاران خود فرمودند:

«نباید در جنگ، گریزی را که بازگشتن در پی آن است و شکستی را که پس از آن حمله است ناگوار شمارید، حق شمشیر را آن چنانکه باید، ادا کنید، دشمن را چنان تیغ بزنید که بر خاک افتد و خویشتن را چنان برانگیزید تا طعن نیزه را در پهلوی دشمن جای دهید و سخت شمشیر را برانید و بانگ فریاد را در خویشتن خاموش سازید که خاموشی و آرامش، ترس را بهتر از دل درو می‌کند.»<sup>۱</sup>

هم‌چنین در اثنای جنگ صفین برای تشجیع یاران خود فرمودند:

«همانا خداوند شما را به تجارتی ره نموده است که از عذاب نجات یابید و با ایمان به خدا و پیامبر او و جهاد در راه وی به خیر و سعادت نائل شوید و پاداش آن را آموزش گناهان و جایگاههای پاکیزه‌ای در باغهای بهشت و خرسندی خدا بزرگ قرار داده است پس صفوف خود را چون سدی آهنین بیارایید، زره‌پوشان را پیش گمارید، سپرداران را در پشت قرار دهید و دندانها را بر هم بفشارید که این سرها را از بر باد رفتن به دم شمشیر بیشتر محفوظ می‌دارد و دلها را استوارتر می‌کند و آرامش بیشتر می‌بخشد و صداها را پایین آورید که این شکست را دور میراند. در اطراف نیزه‌ها و نیزه‌داران گرد آید که این برای پراکندن سنانها بهتر است.»<sup>۲</sup>

1 - همان، نامه ۱۶.

2 - همان، خ ۱۲۴؛ محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، ج ۶، ج اول، ص ۸۰-۳۷۹؛ نصر بن مزاحم منقری، *پیکار صفین*، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ج دوم، ص ۲-۳۲۱.

هم‌چنین در ترغیب یاران خود به جهاد می‌فرمایند:

«بندهای جامه‌ها را محکم ببندید و زیادی زاید پهلوها را تا گرده در هم

پیچید.»<sup>۱</sup>

امام علی(ع) در جای دیگر برای ترغیب یاران خود بر افضل بودن جهاد و مبانی

عقلی و شرعی جنگ در راه خدا تأکید کرده و می‌فرمایند:

«جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی خواص

دوستان خود گشوده است و آن لباس تقوی و پرهیزکاری است.»<sup>۲</sup>

امام علی(ع) با دستوراتی که در میادین جنگ به سپاهیان خود می‌دادند آنها را

ترغیب به جنگ می‌کردند، چنانکه در جنگ جمل به فرزندش محمد بن حنفیه فرمان حمل

پرچم و جلو بردن آن را دادند.<sup>۳</sup>

و به طور مکرر، یارانش را به حمله بر جملیان فرمان می‌داد که با این سخنان آنها را

ترغیب به جهاد می‌کردند.<sup>۴</sup>

در جنگ جمل وقتی که پرچم را به دست فرزندش محمد حنفیه داد او را با این سخنان

ترغیب کردند:

«اگر کوهها از جای کنده شوند، تو بر جای خود استوار باش، دندانها را

به هم بفشار، کاسه سر به خدا بسپار (سر عاریت به خدا بده) پای خود را

1 - فیض الاسلام، پیشین، خ ۲۱۱.

2 - همان، خ ۲۷.

3 - ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات ترجمه و نشر کتاب، چ دوم، ج دوم، ص ۳۶۶؛ احمد بن داود دینوری، *إخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، انتشارات دار احیاء الکتب العربیه، قاهره، ۱۹۶۰، چ اول، ص ۱۴۷؛ خلیفه ابن خیاط، *تاریخ خلیفه ابن خیاط*، تحقیق اکرم ضیاء العمری، انتشارات مجمع علمی عراق، ۱۳۸۶هـ.ق، چ اول، ج اول، ص ۱۶۴.

4 - محمد بن محمد بن نعمان، *نبرد جمل*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، چ اول، ص ۲۰۴؛ عزالدین ابوحامد عبدالحمید بن هبة الله محمد المدائنی المعتزلی، ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵هـ.ق، چ دوم، ص ۲۴۳.

هم چون میخ بر زمین کوب، به آخرین صف دشمن چشم بیانداز و به پیشاپیش نظری افکن و بدان که پیروزی از جانب خدای سبحان است.<sup>۱</sup>

از دیگر موارد تشجیع قبل از جنگ صفین بود زمانی که هنوز جنگ آغاز نشده بود امام علی (علیه السلام) خطاب به یاران خود فرمودند:

«شما آگاه‌ترین مردم به حلال و حرام خدا هستید و بدانید که محروم واقعی کسی است که گمراهی را بر رهیابی ترجیح داده است. من در میان شما یک تن را نمی‌شناسم که دست از من بکشد و بگوید دیگری جز من شایستگی دارد؛ پس دفاع همان گونه که شتر از آبشخور خود دفاع می‌کند؛ طبیعی است هر که از آبشخور خود دفاع نکند نابود می‌شود، من شما را به سخت‌کوشی و سخت‌گیری در جهاد در راه خدا، فرمان می‌دهم.»<sup>۲</sup>

بعد از این که عمرو بن عاص، در قبال دریافت استانداری مصر، شرط همکاری با معاویه را پذیرفت و به او پیوست؛ امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ای دیگر یاران خود را ترغیب به جهاد با سپاه معاویه کرد و این گونه فرمودند:

«عمرو با معاویه بیعت نکرد تا این که شرط کرد ثمن و بهایی در مقابل آن به او بدهد پس دست فروشنده برکت نیابد و عهد و پیمان خریدار (معاویه) سب رسوائی او گردد. پس (اکنون که عمرو به معاویه پیوست) برای جنگ آماده شوید و لوازم آن را فراهم کنید که آتش کارزار افروخته و روشنائی آن بلند شد، و شکیبایی را شعار خود قرار دهید (در جنگ پایداری کنید و صدمات آن را متحمل شوید) که مهمترین راه رسیدن به فتح و پیروزی و غلبه بر دشمن، شکیبایی است.»<sup>۳</sup>

هم‌چنین حضرت در جنگ صفین برای اصحاب خود فرمودند:

1 - فیض الاسلام، پیشین، خ ۱۱؛ هاشم رسولی محلاتی، زندگانی امیرالمؤمنین، قم، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۱-۴۱۰.

2 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۱۵۹.

3 - فیض الاسلام، پیشین، خ ۲۶.

«ای گروه مسلمانان! خوف و ترس را شعار خود بنمائید، و وقار و آرامی را رویه خویش قرار دهید و دندانهایتان را بر هم بفشارید؛ زیرا این طرز رفتار، شمشیرها را از سرها دور کننده‌تر است.»<sup>۱</sup>

امام هنگام عزیمت به نخیله در بین مردم شروع به سخنرانی کردند و گفتند:

«آگاه باشید که اینک من طلایه‌داران خود را گسیل داشته و به ایشان دستور داده‌ام که پیوسته در این کرانه پیش روند تا فرمان بعدی من به ایشان برسد و قاطعانه تصمیم گرفته‌ام این آب را به سوی گروه کوچکی از شما که در نواحی فرادست دجله وطن دارند قطع کنم و اگر خدا بخواهد، ساکنان آن منطقه را همراه شما به پیکار با دشمنان خدا برانگیزیم.»<sup>۲</sup>

امام با جملات بلیغ و پرمغز خود یاران خود را به جنگ تشویق می‌کردند آن چنان که در روز جنگ صفین در تشویق یاران خود به پیکار فرمودند:

«بندگان خدا، خداوند عزوجل را پرهیزگار باشید و دیدگان را (از حرام) فرو پوشید (و بانگ نکنید) و صداها را فرود آورید و از سخن گفتن بکاهید و خویشتن را به زد و خورد و تکاپو و هم‌وردی و درگیری تن به تن و زدن و کوفته شدن به آهن عادت دهید و گام استوار دارید ﴿وَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾.» و در ادامه فرمودند: «بارالها! صبر و تحمل را به دلشان الهام فرما و پیروزی را نصیبشان گردان و اجرشان را بزرگ دار.»<sup>۳</sup>

امام علی(علیه‌السلام) در روزی که شب آن به لیلۃ الهریر معروف شد، خطاب به سپاهیان

خود فرمودند:

«ای مسلمانان! ترس از خدا را جوشن و لباس زیرین خود قرار دهید و

1 - همان، خ ۶۵؛ مسعودی، پیشین، ص ۳۸۰.

2 - همان، خ ۵۸، نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۱۸۴.

3 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۸۰-۲۷۹؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده،

انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳، ج ۴، ص ۲۵۲۳.

جامه آرامش و وقار بپوشید و دندانها را بهم فشارید که این کار، کاسه سر شما را از شمشیر دشمن، بهتر نگهداری می‌کند و زره را با دیگر ابزار و آلات جنگ مجهز سازید و تیغ را پیش از بر کشیدن، در نیام بجنابانید و دشمن را با گوشه چشم بنگرید و از چپ و راست نیزه بزنید، بدانید که زیر نظر خداوند و در کنار پسرعموی رسول او قرار دارید.<sup>۱</sup>

## ۲- تحریک:

از دیگر شیوه‌هایی که امام علی(علیه السلام) آنرا به کار می‌بست شیوه تحریک بود. در این شیوه بیشتر جنبه غلبه بر دشمن با تکیه بر خشم و غضب مطرح است. در تفکیک تشجیع و تحریک باید گفت هر دو به نوعی جنبه دفاعی دارند اما در تحریک، حس غضب و تنفر و دفاع از تجاوز دشمن غلبه دارد.

در تشجیع حسن دفاع از وطن با تکیه بر پیشروی به سوی دشمن مطرح است. تفاوت دیگر آنکه تحریک بیشتر با مسائل روحی و روانی سروکار دارد و جنبه معنوی و روحانی دارد اما تشجیع بیشتر جنبه جسمانی دارد و جسم را به حرکت و تکاپو وا می‌دارد و این جسم است که محکمتر و باصلابت‌تر برای جنگ با دشمن حرکت می‌کند و عمدتاً حالت‌های خاص جسم در منطقه جنگ را شکل می‌دهد.

امام علی(علیه السلام) قبل از جنگ جمل، مردم را به جنگ با اصحاب جمل تحریک کرده و آنان را به پیوستن به سپاه خویش فرا خواندند. ایشان فرمودند:

«ای بندگان خدا بپاخیزید برای جنگ با این مردمان با سینه‌های گشاده در جنگیدن با آنان؛ زیرا بیعت مرا شکسته و فرماندار من ابن حنیف را پس از ضرب و جرح از بصره بیرون رانده و متصدیان بیت المال را کشتند. بپاخیزید برای ایشان و در برابرشان سخت باشید و دیدارش کنید.»<sup>۲</sup>

از دیگر موارد تحریک امام علی(علیه السلام) برای سپاه خویش، زمانی بود که خبر قتل و

1 - طبری، پیشین، ص ۲۵۳۰.

2 - محمد بن محمد بن نعمان، پیشین، ص ۲۰۰.

غارت سفیان بن غامدی شنیده شد. امام علی(ع) در مسجد کوفه طی خطبه‌ای برای مردم فرمودند:

«برادر بگری شما در انبار مورد حمله واقع شده است. او که مردی با عزت بود و از چیزی باک نداشت، خدا را بر دنیا ترجیح داد، پس جمع شوید و به سوی او بشتابید تا با آنان برخورد کنید. اگر پیروز شوید تا ابد آنان را از عراق بیرون رانده‌اید.»<sup>۱</sup>

هنگامیکه امام علی(ع) قصد عزیمت به صفین داشتند در یکی از خطبه‌های خویش در مسجد کوفه فرمودند:

«به خواست خدا، آهنگ هجوم بر کسی داریم که خود خویشتن را خوار و زبون ساخته و آنچه را از آن او نیست و حق دست‌یابی بدان را ندارد به جنگ ربوده است. هجوم به معاویه و سپاه او، آن گروه گردن‌کش شورشی که ابلیس زمامشان را می‌کشد و به برق شمشیر کشی خود (بر ضد حق) چشمشان را خیره ساخته و به خصیصه گمراه کردن خویش، فرییشان داده است.»<sup>۲</sup>

هم‌چنین امام علی(ع) در خطبه‌ای دیگر آنگاه که قصد رفتن به سوی صفین را داشتند فرمودند:

«پیش به سوی دشمنان سنتها و قرآن، پیش به سوی بازمانده احزاب، قاتلان مهاجر و انصار.»<sup>۳</sup>

هنگامی که لشکر معاویه در جنگ صفین شریعه فرات را تصرف کردند، حضرت برای سپاهیان خود سخنرانی کرده و فرمودند:

«لشکر معاویه کارزار با شما را طالبند. پس شما یا بر ذلت و خواری اقرار

1 - ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، چ اول، ص ۱۷۹.

2 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ۹-۱۵۸.

3 - همان، ص ۱۳۳.

کرده شجاعت و شرافت را از دست بدهید (اظهار عجز و ناتوانی کرده از تشنگی بیچاره شده خود را به دشمن تسلیم نمائید) یا آنکه شمشیرهایتان را از خونها سیراب کنید تا از آب سیراب شوید پس مرگ در زندگانی شما است اگر مغلوب شوید و زندگانی در مرگ شما است آنگاه که غالب آئید.»<sup>۱</sup>

### ۳- روشنگری:

همان گونه که در تعریف روشنگری بیان شد روشنگری یعنی آشکار نمودن حقیقت. امام علی (علیه السلام) نیز در سیره جنگ روانی خود در موارد متعدد از این شیوه استفاده کرده‌اند و این شیوه را برای آشنا کردن مخاطبان خویش از شرایط زمانه و تحلیل درست آن به کار می‌گرفتند. امام علی (علیه السلام) چه در زمان جنگ و چه در هنگامه صلح، از وظیفه خویش غافل نمانده و یاران و مخاطبان خود را راهنمایی‌های لازم را می‌نمودند. از جمله سخنان امام علی (علیه السلام) که سعی در آشکار نمودن حقیقت و کنار زدن پرده مه‌آلود فضای آن زمان داشتند، خطبه‌ای است که درباره بنی‌امیه ایراد نمودند:

«سوگند به خدا بنی‌امیه همواره ستم می‌کنند تا این که هیچ حرام خدا را رها نکنند مگر آنکه آن را به جور می‌کشند و تا این که باقی نماند، خانه از گل ساخته شده‌ای و نه خیمه از پشت بافته بر پا گردیده‌ای مگر آنکه ظلم و ستم ایشان در آن داخل شده و افساد و تباهکاریشان آن را فرا گرفته و بدی رفتارشان اهل آن را پراکنده می‌سازد.»<sup>۲</sup>

از دیگر موارد روشنگری امام علی (علیه السلام) زمانی بود که ایشان مطلع شدند طلحه و زبیر و عایشه به سوی بصره به حرکت درآمده‌اند. پس طی خطبه‌ای برای یاران خویش فرمودند:

«ای مردم! عایشه به سمت بصره حرکت کرده و به همراه او طلحه و زبیر نیز هستند که هر یک از آن دو حکومت را برای خود و نه دیگری

1 - فیض الاسلام، پیشین، خ ۵۱.

2 - همان، خ ۹۷.



می‌خواهد، طلحه پسرعموی عایشه است و زبیر شوهر خواهر او است، به خدا قسم اگر به آنچه می‌خواهند دست یابند که هرگز به آن نمی‌رسند هر یک از آن دو گردن دیگری را می‌زند و درگیری شدیدی با هم خواهند داشت. به خدا قسم زن سوار آن شتر سرخ، هیچ گردنه‌ای را نمی‌پیماید مگر این که در معصیت خدا و مورد خشم اوست تا آنکه خود و همراهان خود را به هلاکت بیا فکند.<sup>۱</sup>

در جنگ جمل، وقتی امام علی(علیه السلام) مشاهده نمودند که اصحاب جمل فقط قصد جنگ دارند درباره آنان فرمودند:

«آگاه باشید شیطان حزب و گروه خود را (برای گمراه کردن) جمع و سواره و پیاده لشکرش را (برای فتنه و فساد در دین) گرد آورده است و لکن بصیرت من (در امر دنیا و دین) از من جدا نمی‌شود (هیچ گونه غفلت و فراموشی به من رو نمی‌دهد تا در حزب شیطان و کسان او داخل گردم زیرا) حق را بر خود (به لباس جهل و نادانی) نپوشیده‌ام، و نه آن بر من (به لباس باطل) پوشیده شده است و سوگند بخدا از برای آنان (دشمنان دین و کسانی که دست از حق کشیده به شیطان پیوسته‌اند) حوضی را پر کنم که خود آب آن را بکشم (میدان جنگی تهیه نموده آنها را نابود سازم) بطوری که هر که در آن حوض پا نهاد بیرون نمی‌آید.»<sup>۲</sup>

از دیگر موارد روشنگری امام علی(علیه السلام)؛ هنگامی بود که ایشان در ذی‌قار برای نبرد با اهل جمل اردو زده بودند. آن حضرت به میان سپاهیان خویش رفته و ضمن خطبه‌ای فرمودند:

«خدا محمد(ﷺ) را برانگیخت و از عرب کسی کتابی نخوانده بود و دعوی پیامبری نکرده بود. محمد(ﷺ) مردم را به راهی که بایست کشاند و در جایی که باید نشانند و به رستگاری رساند تا آنکه کارشان استوار و جمعیتشان پایدار گردد. به خدا که من در آن صف

1 - ابن ابی‌الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۳۳.

2 - فیض الاسلام، پیشین، خ ۱۰.

پیکار بودم تا سپاه دشمن درمانده و یکباره روی بگرداند. نه ناتوان بودم و نه ترسان، امروز هم همان هستم و آنان همان. باطل را می‌شکافم تا حق از کنار آن به درآید. مرا با قریش چه کار؟ به خدا آنروز که کافر بودند با آنان جنگیدم و اکنون که فریب خورده‌اند آماده کارزارم من دیروز، هم‌اورد آنان بودم و امروز هم، پای پس نمی‌گذارم. به خدا قریش از ما کینه نکشید جز برای آنکه خدا ما را بر آنان برگزید. آنان را در زمره خود درآوردیم پس چنان بودند که شاعر گفته است:

«به خدا سوگند، بامدادان پیوسته شیر بی آمیغ نوشیدی و سرشیر و خرمای  
بی‌هسته خوردی ما این مقام را به تو دادیم و تو بلند مرتبه نبودی ما  
گرداگرد تو اسبان کوتاه مو و نیزه‌ها را فراهم کردیم.»<sup>۱</sup>

هم‌چنین امام علی(علیه السلام) در ادامه شیوه روشنگری خویش، در تبیین این حقیقت که معاویه و یارانش و بنی‌امیه بر حق نیستند سخنانی متعدد فرمودند. امام علی(علیه السلام) قسم می‌خورد که دشمن در زمان حیات رسول خدا(صلی الله علیه و آله) با قلب خود ایمان نیاورده و مسلمان نشده است؛ بلکه از ترس مرگ (کشته شدن به وسیله مسلمانان در فتح مکه)، اسلام خود را اظهار کردند در حالی که کفر خود را مخفی کردند تا وقتی که فردی مثل خود را ببینند، کفر خود را آشکار می‌کنند به طوری که در باره اسلام معاویه و عمرو عاص فرمودند:

«سوگند به پروردگاری که دانه را بشکافت و روان را بیافرید، آنان اسلام  
نیاورده‌اند بلکه از ترس به مسلمانی تظاهر می‌کنند و در دل کفر، پنهان  
داشته‌اند و آن هنگام که یاران نامسلمانی ببینند کفر خود را آشکار  
سازند.»<sup>۲</sup>

در ابتدای جنگ صفین، آن حضرت به یاران خود دستور دادند تا دست از نبرد برداشته و همه به صف ایستادند و حضرت(علیه السلام) فرمودند:

«ای مردم! این جا، جایی است که هر کس شک و تردیدی در حقانیت

1 - همان، خ ۳۳.

2 - همان، نامه ۱۶.

نبرد به خود راه دهد در حقانیت روز قیامت تردید کرده و هر که در آن  
درماند به روز قیامت درمانده است.<sup>۱</sup>

سپس امام علی(ع) در ادامه بیانات خود شعری فرمودند:

«گزنده‌ای به شما در رسید که نیش نشان می‌دهد و با وجود بی‌حسی و  
ناشایستگی خود بر حکمرانی، مردم را مقهور کرده است.»<sup>۲</sup>

آن حضرت در اثناى جنگ صفین ضمن خطبه‌ای بعد از حمد و ثنای خداوند فرمودند:

«گواهی می‌دهم که محمد(ص) بنده و فرستاده اوست و او را رحمتی بر  
آفریدگان خویش قرار داد، سخت کوش در پیکار در راه خدا، رفتن او از  
این سرای خاکی برای تمام مردم زمین بزرگترین مصیبت بود. آنگاه کتاب  
خدا را در میان شما بر جای گذاشت که شما را به فرمانبرداری از خدا امر  
می‌دهد و از نافرمانی او باز می‌دارد. اینک شما با دشمنان‌تان رویاروی  
شده‌اید و می‌دانید فرمانده آن کیست، منافقی است منافق‌زاده که ایشان را  
به دوزخ می‌خواند (از این سوی) پسر عم پیامبرتان در میان شماست که  
شما را به بهشت و به فرمانبرداری پروردگارتان می‌خواند و خود به روش  
پیامبرتان(ص) عمل می‌کند. معاویه آزاده شده و فرزند آزاده شده است. به  
خدا سوگند که شما به یقین بر حقیقت و آنان بی‌گمان بر باطلند.»<sup>۳</sup>

از دیگر موارد روشنگری امام علی(ع) در جنگ صفین، خطبه‌ای بود که برای یاران

خود فرمودند:

«و ستایش از آن خداوند، خدایی که جز او خداوندی نیست، که دیری  
است تا تبه‌کاران مرا دشمن می‌دارند، باری این واقعه سخت عظیم است،  
تبه‌کارانی که از ما ناخرسند بودند و از اسلام و اهل آن می‌هراسیدند،  
اینک دست به نیرنگ زده و پاره‌ای افراد این امت را فریفته و فتنه‌انگیزی

1 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۲۱۸.

2 - همان جا.

3 - همان، ص ۹-۴۲۸.

را خوشایند دلهایشان ساخته و خاطرشان را به تهمت و بهتانی خوش کرده و متمایل نموده (اشاره به قتل عثمان) و آنان را به جنگ بر ضد ما گماشته‌اند و برای خاموش ساختن پرتو الهی می‌کوشند:

«خداوند نور خود را، هرچند کافران خوش ندارند، به تمامی پرتوافشان خواهد داشت.»<sup>۱</sup>

بارالها! آنان حق را مردود شمرده‌اند، پس جمعشان را از هم بگسل و اختلاف کلمه در میانشان پدید آر و ایشان را به وسیله خطاهایشان هلاک کن. زیرا هر که دوستدار تو باشد، خوار نگردد و هر که با تو دشمنی ورزد روی عزت نبیند.»<sup>۲</sup>

بعد از واقعه حکمیت و ظهور خوارج که شعار لا حکم الا الله را سر لوحه خود قرار داده و معتقد بودند که دواری جز خدا نباید باشد حضرت در باره این گروه فرمودند:

« این گروه نه چنانند که به حق باز گشته باشند و آنرا ایفا کنند و نه آن گونه‌اند که به کلمه وحدت آفرین، پاسخ مثبت دهند و به جنبش در آیند، تا آنکه لشکرهای انبوه، از پس طلایه داران بر آنان تازند و با دسته‌هایی روبرو شوند که پیایی در رسند و سپاه پس از سپاه به سرزمینشان حمله کنند و زمینها و چراگاههای ایشان را به زیر سم بکوبند.»<sup>۳</sup>

در شیوه روشنگری، روش امام علی (علیه السلام) فقط محدود به سخنرانی نبود، بلکه در نامه‌هایی که به کارگزاران خود می‌نوشتند آنها را نیز از حقیقت، آگاه می‌نمودند. به طور مثال به مخنف بن سلیم کارگزار خود در اصفهان و همدان نامه نوشته و فرمودند:

«سلام بر تو، من خدا را نزد تو سپاس می‌گویم که خدایی جز او نیست. اما بعد، همانا جهاد با کسی که از حق سر برتافته و از خدا برگشته، و غنودن در خواب کوردلی و گمراهی را اختیار کرده، بر آگاه‌دلان واجب

1 - قرآن کریم، صف/ ۸.

2 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۵۳۵.

3 - همان، ص ۷۲۱.

است. ما اینک همت بر آن گماشته‌ایم که بر سر آن گروه بتازیم که در میان  
بندگان خدا بر خلاف آنچه خداوند وحی نموده رفتار کردند و حدود الهی  
را تعطیل و فساد را در زمین آشکار کردند.»<sup>۱</sup>

همان گونه که در متن نامه مشاهده می‌شود امام علی(ع) به کارگزار خود امر نمودند که جهاد با کسی که از حق برگشته یعنی بنی‌امیه واجب است.

#### ۴- القاء غیر مستقیم:

امام علی(ع) عنایت و توجه ویژه‌ای به شیوه القاء غیر مستقیم و تداعی معانی داشتند و از این شیوه جهت ترغیب و تحریض هرچه بیشتر یاران خود استفاده می‌نمودند. با اقداماتی نظیر توسل و تمسک به آیات قرآن، دعا، حضور نظامی با هیبت و هیئت پیامبر(ص)، استفاده از پرچمهای جنگ صدر اسلام و ذکر خاطراتی از صحنه‌های جنگ صدر اسلام، بر روحیه و افکار مخاطبان خود تأثیرات بسیار خوبی می‌گذاشتند.

در جنگها، امام علی(ع) سپاهیان خود را به یاد رسول خدا(ص) انداخته و به آنها خاطر نشان می‌ساختند این جهادی که آنها انجام می‌دهند ادامه راه پیامبر(ص) است. همچنین به آنها گوشزد می‌کردند که او پسر عمو، داماد و وصی رسول خداوند است. آن حضرت در جنگ جمل، پسرش محمد بن حنفیه را طلبیدند، پرچم رسول خدا(ص) را به او داده و فرمودند:

«پسرکم این رأیتی است که هیچ گاه با شکست برنگشته است و هرگز برنخواهد گشت.»<sup>۲</sup> و هم‌چنین فرمودند تا شهباء قاطر رسول خدا(ص) را نیز آورده، بر آن سوار شدند و پیشاپیش صفوف سپاه خود در حالی که برای جنگ آماده بود، ایستادند.

در جنگ جمل زمانی که دو لشکر در مقابل یکدیگر ایستادند و مبارزان روبه‌روی یکدیگر قرار گرفتند، امام علی(ع) در میان دو صف سپاه ایستادند در حالی که پیراهن حضرت رسول(ص) را پوشیده، ردای آن حضرت را بر دوش انداخته، دستاری سیاه بر سر

1 - همان، ص ۱۴۶.

2 - محمد بن محمد بن نعمان، نبرد جمل، ص ۲۰۴.

بسته، بر استر رسول خدا ﷺ نشستند و با صدای بلند گفتند: زبیر بن عوام کجاست تا نزد من بیاید؟ گروهی گفتند: یا امیرالمؤمنین! زبیر سلاح پوشیده و تو سلاح جنگی با خود نیاورده‌ای. امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: «باکی نیست او را خوانید»<sup>۱</sup> زبیر آمد. عایشه فریاد زد، بیچاره اسماء بیوه شد، به او گفتند: ناراحت نباش علی کسی را این گونه نمی‌کشد، بدون سلاح آمده و با او صحبتی دارد.

در طی جنگ جمل، فردی از اصحاب امام ﷺ، به نام حضین بن منذر می‌گوید:

«علی ﷺ پرچم را به من سپرد و سپس گفت: ای حضین به نام خدا پیش رو، بدان که هرگز پرچمی چنین بر سر تو در اهتزاز نبوده است، زیرا این همان پرچم پیامبر ﷺ است.»<sup>۲</sup>

و عمامه سیاه‌رنگ رسول خدا ﷺ را بر سر بسته و فرمودند:

«ای مردم! هر کس نفس خود را به خدا بفروشد، سود کرده است، فردا نتیجه امروز است، به دشمن شما نیز همچون شما جراحاتی وارد شده است داوطلب یاری دادن دین خدا شوید.»<sup>۳</sup>

پس از سخن حضرت علی ﷺ ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر از سپاهیان که شمشیرها را بر دوش گرفته بودند، فریاد موافقت برآوردند و حضرت علی ﷺ در پیشاپیش سپاه بر مرکب رسول خدا ﷺ سوار شدند و در این حالت، تفوق و برتری سپاه امام علی ﷺ بر سپاه دشمن کاملاً مشهود بود.

نصر بن مزاحم منقری می‌گوید:

چون علی ﷺ رهسپار میدان نبرد می‌شد، هنگام سوار شدن نام خدا را بر زبان می‌آورد و سپس می‌گفت: «سپاس خدای را به سبب نعمتهایی که

1 - ابومحمد احمد بن علی ابن اعثم کوفی، الفتوح، ترجمه احمد مستوفی هروی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۲۶؛ مسعودی، ج ۲، ص ۳۶۲-۳.

2 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۴۰۸.

3 - ابن ابی الحدید معتزلی، پیشین، ج ۸، ص ۵۸.

به ما داده و فضل بزرگی که بر ما نهاده است، پاک و منزّه است خدایی که او این (مرکب) را مسخر ما گردانید. سپس رو به قبله می‌نهاد و دستهایش را برمی‌آورد و می‌گفت: بارالها! این گامها به سوی تو نهاده شده و پیکرها برای تو رنجه گشته و دلها برای تو گشوده شده و دستها به درگاه تو برآمده و دیده‌ها متوجه توست.»<sup>۱</sup>

از نحوه ورود امام علی (علیه السلام) به صحنه نبرد با قالب دعا و نیایش و پوشیدن لباس رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، می‌توان این مسأله را برداشت کرد که آن حضرت قصد داشتند تا حد امکان بر روی روحیه و احساسات یاران خود، تأثیر قابل توجهی داشته باشند. همچنان که قبلاً نیز ذکر شد امام علی (علیه السلام) در سخنان خود از آیات قرآنی و دعا برای ترغیب و تشویق سپاهیان خود بهره می‌گرفتند. ایشان وقتی قصد عزیمت به نخیله را داشتند هنگام سوار شدن بر اسب فرمودند:

«بسم الله الرحمن الرحيم، سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين و اننا الى ربنا لمنقلبون»<sup>۲</sup>؛

«پاک و منزّه است خدایی که این را مسخر ما گردانید و گرنه ما هرگز قادر بر آن نبودیم و بازگشت ما البته به سوی پروردگاران خواهد بود.»

حضرت در ادامه سخنان خود فرمودند:

«بارالها! من از رنج سفر و افسردگی بازگشت و سرگردانی پس از یقین و واپس‌نگری به خانواده و مال و فرزند به تو پناه می‌برم. بارالها! تو همراه در سفر و جانشین هر مسافر، برای خانواده او هستی و جز تو کسی آنان را سامان ندهد و گرد نیاورد، زیرا آن که در وطن مانده، همراه و یآوری

1 - نصر بن مزاحم منقري، پیشین، ص ۱۴-۳۱۳.

2 - همان، ص ۱۸۵، زخرف آیات ۱۴-۱۳.

ندارد و آن که به سفر رفته به جای نمانده است.<sup>۱</sup>

حضرت علی (علیه السلام) هنگام بازگشت از صفین به کوفه نیز این سخن را ایراد نمودند.<sup>۲</sup>  
امام علی (علیه السلام) روزی که شبش هریر نام گرفت هنگام که سوار شدن بر اسب،  
فرمودند:<sup>۳</sup>

«رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ»<sup>۴</sup>

«پروردگارا! تو در نزاع میان ما و امت ما به حق داوری کن که تو  
بهترین داورانی»

هم چنین فرمودند:

«بارالها! ما از فقدان پیامبر و کمی شماره یاران خویش و فزونی شمار  
دشمنانمان و پراکندگی آرمانهایمان و سختی این روزگار و ظهور فتنه‌ها به  
تو شکایت آوریم با پیروزی بخشیدن فوری ما بر آنان و نصرتی که  
سلطنت و حکومت حق را چیده و آشکار سازی به ما مدد فرمای.»<sup>۵</sup>

ب: شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی امام علی (علیه السلام) علیه نیروهای دشمن:

#### ۱- اقناع:

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) با همه گروه‌های مخالف خود به گفتگو می‌پرداختند، برای آنها  
دلیل و بینه آورده و دلایل آنها را نیز با کمال تواضع می‌شنیدند. همچنان که در تعریف اقناع  
آمده است اقناع یعنی توسل به تعقل و احساس برای رسیدن به رضایت روانی در شخص  
مقابل. وقتی امام علی (علیه السلام) نماینده خود ابن عباس را برای مذاکره با خوارج فرستادند به وی  
فرمودند:

1 - همانجا.

2 - همان، ص ۷۳۱.

3 - همان، ص ۳۱۴.

4 - اعراف، ۸۹.

5 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۳۱۵.



«با قرآن با آنان مخاصمه نکن؛ زیرا که قرآن معانی مختلف را می‌پذیرد و ابعاد مختلف دارد. با آنان با سنت احتجاج کن که راه گریزی از آن ندارند.»<sup>۱</sup>

امام علی(ع) در مذاکرات خود از تهدید دوری کرده، در گفتگوهای خویش احترام دشمن را حفظ و برای اقناع طرف مقابل با دلیل احتجاج می‌کردند.<sup>۲</sup>

امام علی(ع) تا جایی که امکان داشت تلاش می‌کردند تا از طریق گفتگو و مذاکره، که منطق نظامی آن حضرت بود از قتل و کشتار جلوگیری نمایند. امام علی(ع) برای هدایت طلحه و زبیر بارها با آنان گفت و گو کرده و زمانی که آنها علیه امام علی(ع) خروج کردند، امام علی(ع) به روش اقناع خود ادامه داده با فرستادن سفیران خویش از آنان خواستند که دست از هواهای نفسانی برداشته و به پیمان نخستین خود برگردند.<sup>۳</sup>

گفتگوی عبدالله بن عباس با طلحه و زبیر و عایشه از شیوه‌های اقناعی است که امام علی(ع) جهت اقناع سرکردگان سپاه جمل، وی را به سوی آنها فرستادند. امام علی(ع) عبدالله بن عباس را فراخواند و فرمودند: «پیش آنان رو و عهد و بیعت مرا که بر گردن ایشان است بازگو کن.» در این جا، به گفتگوی عبدالله با طلحه و عایشه بسنده می‌کنیم:

ابن عباس از طلحه شروع کرد و به او بیعت را یادآوری کرد، اما طلحه گفت که بیعت او با علی(ع) به اجبار بوده زیرا در حالی بیعت کرد که شمشیر بالای سرش بوده و تعداد زیادی از مردم بیعت کرده بودند، او دیگر توانائی مخالفت نداشته است و اکنون نیز برای خونخواهی عثمان و تحویل گرفتن قاتلان عثمان آمده است.

ابن عباس پس از شنیدن سخنان طلحه، به او گفت که خود شاهد بیعت او با حضرت

1 - فیض الاسلام، پیشین، نامه ۷۷.

2 - محمد بستانی، *استراتژی نظامی امام علی(ع)*، ترجمه حسن علی اکبری، تهران، انتشارات سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، ۱۳۷۸، چ اول، ص ۱۳۴.

3 - طبری، پیشین، ص ۲۳۲۸؛ علی اکبر رشاد، *دانشنامه امام علی*، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰، چ اول، ج ۶، ص ۲۳۹.

علی(علیه السلام) بوده که با اختیار و میل خود این امر را انجام داده است. حتی امام علی(علیه السلام) نیز به طلحه گفته بودند اگر دوست دارد بیعت کند. ابن عباس به طلحه متذکر شد در محاصره خانه عثمان او نیز شریک بوده و عثمان را از نوشیدن آب بازداشته است، هنگامیکه مصریان رفتار او که صحابه پیامبر است را با عثمان دیدند به خانه عثمان ریخته، او را به قتل رساندند و مردم با کسی بیعت کردند که سابقه قرابت او با رسول خدا غیر قابل انکار است.<sup>۱</sup>

امام علی(علیه السلام) سپس ابن عباس را به سوی عایشه فرستادند و به وی فرمودند:

«نزد عایشه برو و به او بگو چرا از خانه رسول خدا(ﷺ) بیرون آمدی؟  
 نشاید زنان را که در این گونه امور دخالت کنند و به تو دستور داده نشده  
 است که در این کارها دخالت نکنی و از خانه‌ای که پیامبر فرمان داده  
 است در آن مقیم باشی بیرون آمدی و اکنون خود را به بصره رساندی و  
 مسلمانان را کشتی و کارگزاران مرا بیرون کردی و بیت المال را گشودی و  
 ریختن خون صالحان را مباح کردی. اکنون از خدا بترس و کمی رعایت  
 کن و خودت می‌دانی که تو از همه مردم بر عثمان سخت‌گیرتر بودی و  
 آنچه اتفاق افتاد نتیجه کار تو بود.»<sup>۲</sup>

ابن عباس نزد عایشه رفته و پیام امیرالمؤمنین را داد. اما عایشه گفت: ای ابن عباس پسرعمویت می‌پندارد که سرزمینها را در اختیار دارد، به خدا سوگند بیشتر از آن در دست ماست. مگر فداکاری طلحه را در جنگ احد فراموش کرده‌ای؟ ابن عباس گفت: به خدا سوگند ما کسی را سراغ نداریم و نمی‌شناسیم که بیشتر از علی(علیه السلام) فداکاری کرده باشد و از خداوند در مورد ریختن خون مسلمانان بترسد. عایشه گفت: چه خونریزی جز اینکه علی خود و همراهانش را به کشتن خواهد داد. ابن عباس گفت: به خدا سوگند همراه علی گروهی هستند که در کمال بصیرتند و جانهای خود را در راه او فدا می‌کنند. عایشه در جواب ابن

1 - محمد بن محمد بن نعمان، پیشین، ص ۹-۱۸۸.

2 - همان، ص ۱۹۰.

عباس گفت: خداوند ما را بسنده و بهترین کارگزار است.<sup>۱</sup>

#### ۱-۱- گفتگوی امام با زبیر:

در روز جنگ جمل، امام علی(علیه السلام) به میدان نبرد آمده و زبیر را صدا کرد و چند بار فرمود: ای اباعبدالله! زبیر از لشکر خود بیرون آمد و حضرت علی(علیه السلام) و زبیر به گونه‌ای به یکدیگر نزدیک شدند که گردن اسبهایشان در کنار هم قرار گرفت. حضرت به او فرمودند: تو را صدا کردم تا سخنی که پیامبر(صلی الله علیه و آله) به من و تو فرمودند به یادت بیاورم. آیا به یاد داری آن روزی که تو مرا در آغوش گرفته بودی و پیامبر گفت: آیا او را دوست داری و تو گفتی: چرا دوستش نداشته باشم که پسردایی من و چون برادرم است و پیامبر گفتند: همانا به زودی تو با او جنگ خواهی کرد در حالی که نسبت به او ظالم و ستمگر هستی. زبیر با یادآوری این سخن، پیامبر، استرجاع کرد و گفت: بله چیزی را به یاد من آوردی که روزگار باعث شده بود به فراموشی بسپارم.<sup>۲</sup>

هم چنین در روز جنگ جمل، حضرت علی(علیه السلام) قرآنی به دست گرفت و بین یاران خود فرمودند:

«چه کسی این قرآن را می‌گیرد و این قوم را (قوم جمل) به آنچه که در آن هست دعوت می‌کند تا کشته شود؟ در این میان جوانی از مردم کوفه که لباس سفیدی پوشیده بود گفت: من، اما حضرت روی از او برگرداند و به طور مجدد جمله خود را تکرار کرد تا این که سه بار گفت و هر سه بار

1 - همانجا.

2 - ابن اعمش کوفی، پیشین، ص ۴۲۶؛ احمد بن داود دینوری، ص ۱۴۷؛ احمد بن یحیی بلاذری، *انساب الاشراف*، تحقیق محمود الفردوس العظیم، دمشق، انتشارات دار الیقظة العربیة، ۱۹۳۹م، ج دوم، ص ۱۸۰؛ ابن ابی‌الحدید معتزلی، پیشین، ج ۱، ص ۴-۲۳۳؛ ضامن بن علی الحسینی المدني، *وقعة الجمل*، تحقیق سید تحسین آل شیبیب الموسوی، بی‌جا، ص ۱-۱۳۰؛ ابن عماد شهاب الدین عکری حنبلی، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت، انتشارات دار ابن کثیر، ۱۴۰۶هـ، ج اول، ج اول، ص ۲۰۷؛ محمد شری، *امیرالمؤمنین اسوه وحدت*، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹، ج سوم، ص ۴۳۹.

آن جوان به ندای امام لبیک گفت. حضرت قرآن را به او داد تا به دعوت این قوم پردازد.<sup>۱</sup>

## ۲-۱- اقناع قاریان توسط امام(علیه السلام) در جنگ صفین

در جنگ صفین گروهی از قاریان عراقی و شامی در گوشه‌ای اردو زده و به هیچ یک از دو سپاه ملحق نشده بودند اما در رفت و آمد بین دو سپاه برای دریافت حقیقت بودند. وقتی وارد لشکر معاویه شدند از او پرسیدند چه می‌خواهی که با حضرت علی(علیه السلام) وارد جنگ شده‌ای؟ معاویه در جواب آنها گفت قصاص خون عثمان را می‌خواهم و این که علی، عثمان را کشته و به قاتلان عثمان پناه داده است، اگر قتل عثمان را قبول ندارد باید قاتلان عثمان را که در سپاه او هستند به ما تحویل دهد، هم‌چنین چرا بدون مشورت با ما برای خود بیعت گرفته و در بیعت خود مهاجران و انصاری که در این جا حضور دارند را شرکت نداد.<sup>۲</sup>

قاریان پس از شنیدن سخنان معاویه به نزد حضرت علی رفته و سخنان معاویه را نزد حضرت علی بازگو کردند و امام این گونه پاسخ دادند:

ادعای معاویه دروغ است و من عثمان را نکشته‌ام، این که قاتلان عثمان را باید تحویل او بدهم تا قصاص شوند، قصاصی بر آنان نیست چون کسانی که عثمان را کشتند؛ قرآن را بر او تفسیر کرده و اختلاف آراء و نظر پیش آمد و در حالی او را کشتند که حکومت داشت و بر ضربه‌ای که بر او زدند قصاصی نیست، هم‌چنین مردم پیرو مهاجران و انصار هستند که امین مسلمانان هستند و آنان با من بیعت کردند و این که چرا مهاجر و انصاری که در این جا حضور دارند را در امر بیعت شرکت ندادهم؛ این حق اصحاب بدر است که در امر بیعت شرکت کنند نه همه اصحاب و همه اصحاب بدر نیز با من بیعت نموده‌اند.<sup>۳</sup>

از دیگر مواردی که امام علی(علیه السلام) از شیوه اقناعی بهره گرفتند، هنگامی بود که سپاه

1 - محمد بن محمد بن نعمان، پیشین، ص ۴-۲۰۳؛ ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۴۲۹؛ طبری، پیشین، ص ۲۴۳۸.

2 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۹-۲۵۷.

3 - همانجا.

شام قرآن‌ها را بر نیزه کرده و مردم را به حکم قرآن دعوت کردند. امام علی (علیه السلام) با اشراف به این مساله که سپاه شام از قرآن چیزی نمی‌دانند و برای فریب سپاه آن حضرت دست به این عمل زده‌اند، رو به سپاهیان خود فرمودند:

*«ای بندگان خدا، من از هر کس دیگری به پاسخگویی بدین دعوت و پذیرفتن حکم قرآن شایسته‌ترم، ولی معاویه و عمرو عاص نه اهل دینند و نه مرد قرآن. من بهتر از شما ایشان را می‌شناسم. چه از خردی با آنان همدم بوده‌ام و در کلانسالی با آنها هم‌نشین بوده‌ام و می‌دانم که ایشان بدترین کودکان بودند و اینک بدترین مردانند. این شعار که سر داده‌اند سخن حقی است که از آن اراده باطل دارند، به خدا سوگند آنها قرآن را از سر شناخت و معرفت و به قصد عمل کردن بدان بر نیاورده‌اند بلکه قرآن را دستاویز خدعه و نیرنگ ساخته و به آهنگ خوار داشتن و فرو گذاشتن آن برافراشته‌اند. ساعتی بازوان و کاسه سرهایتان را به من عاریه دهید، که حق به نقطه حساس خود رسیده و چیزی نمانده که ستمکاران درهم شکسته شوند.»<sup>۱</sup>*

هم‌چنین در واقعه حکمیت وقتی که نوبت به انتخاب داور شد قاریان عراق، ابوموسی اشعری (عبدالله بن قیس) را انتخاب کردند. امام با رأی ایشان مخالفت کرده و فرمودند که به داوری ابوموسی راضی نبوده و او را برای این کار مهم صلاح نمی‌دانند. اما اشعث و گروهی از قاریان جز به او رضایت نمی‌دادند. امام علی (علیه السلام) در جواب آنها فرمودند:

*«معاویه برای این کار کسی را که بیش از عمرو عاص به رأی و نظرش اطمینان داشته باشد، ندارد. و او را خواهد گماشت و هیچ یک از قریشیان را به شایستگی عمرو بن عاص نمی‌داند پس شما هم عبدالله بن عباس را در برابر او برگزینید چه هیچ‌گرهی نیست که عمرو ببندد و عبدالله از گشودنش درماند و هیچ‌گرهی نیست که او بگشاید و این از بستنش فرو*

ماند، و هیچ امری نیست که او استوار دارد و این در هم نشکند و هیچ کاری نیست که او در هم شکند و این استوارش دارد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱- اقناع خوارج:

امام علی(ع) برای این که سپاه خوارج را از جنگ باز دارد و از قتل و کشتار جلوگیری شود به اقناع آنها پرداختند. آن حضرت بارها با خوارج گفت و گو کرده و همه تلاش خود را بر این گذاشتند تا آنها را هدایت کنند.

زمانی عبدالله بن عباس و براء بن عازب را که سخنورانی برجسته بودند، فرستادند و زمانی خود با آنان سخن می‌گفتند.<sup>۲</sup>

بعد از این که خوارج، عبدالله بن خباب بن ارت و همراهانش را به قتل رساندند امام علی(ع)، ابن عباس را به سوی آنان فرستاد تا به آنها بگوید چه ایرادی از امام علی(ع) گرفته‌اند؟ امام علی(ع) که در میان آنها حق و عدالت را اجراء کرده و حق آنها را ضایع نکرده است.

خوارج به عبدالله بن عباس گفتند خصلتهائی بر حضرت علی(ع) عیب گرفته‌اند که همه آنها هلاک کننده است؛ حضرت علی(ع) روزی که به معاویه نامه نوشت نام خود را از امارت مؤمنان محو کرد و مردان را در دین خدا داور قرار داد در حالیکه خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الْحَكَمَ إِلَّا لِلَّهِ»، هم‌چنین با مردم جنگ کرده و آنها را کشت در حالیکه اسیر و غنیمت نگرفت، چگونه جنگ و کشتن آنها جایز است اما غنیمت گرفتن اموال آنها جایز نیست.<sup>۴</sup>

1 - همان، ص ۶۸۹.

2 - احمد بن داود دینوری، پیشین، ص ۹-۲۰۷؛ شهاب الدین عکری حنبلی، پیشین، ص ۲۲۵.

3 - انعام، ۶.

4 - احمد بن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۴؛ علی بن حسن بن هبّالله الشافعی معروف به ابن عساکر، ترجمه الامام علی بن ابی طالب من تاریخ مدینه دمشق، به تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، انتشارات موسسه محمودی، ۱۴۱۰هـ.ق، ج سوم، ص ۱۹۲؛ یوسف بن

ابن عباس نتوانست خوارج را قانع کند. البته نقلهای متفاوتی است؛ روایتی می‌گوید آنها عبدالله بن عباس را نپذیرفته و گفتند: باید حضرت علی(ع) خودش بیاید و امام علی(ع) نزد خوارج رفته و به اقناع آنها پرداختند، نقلی نیز قبول دارد که ابن عباس با خوارج احتجاج کرده و توانست آنها را قانع کند و با احتجاج ابن عباس تعداد زیادی از خوارج برگشتند.

#### اقناع خوارج توسط امام علی(ع):

بر اساس روایاتی، امام علی(ع) شخصاً با خوارج گفتگو کرده تا آنها را اقناع نمایند. اما آنان، همان سخنان خود با ابن عباس را تکرار کردند و امام علی(ع) نیز سوال اول خوارج را با استناد به صلح حدیبیه پاسخ دادند؛ زیرا پیامبر نیز بنا به خواسته مشرکان مکه لقب رسول خداوند را با دست خویش از نامه حذف کرده و خود را محمد بن عبدالله معرفی نمودند.

سوال دوم را این گونه پاسخ دادند که خداوند در قرآن در تعیین ارزش شکار خرگوشی که قیمت آن ربع درهم است مردان را حاکم قرار داده می‌فرماید: «یحکم به ذوا عدل منکم»<sup>۱</sup>، پس به طریق اولی داوری در امر دین افضل است.

و درباره سوال آخر نیز گفتند این که جنگ کردند اما اسیر و غنیمت نگرفتند به این علت بوده که با عایشه جنگ کردند که خداوند فرموده‌اند: «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم»<sup>۲</sup>؛ پس اسیر گرفتن او که مادر شماست جایز نیست.<sup>۳</sup>

پس در آن روز تعداد زیادی از خوارج از رأی خود برگشته و به سپاه امام علی(ع)

حسام الدین قزاوغلی ابن جوزی، *تذکره الخواص من الامة بذکر خصائص الائمة*، تحقیق حسین تقی‌زاده، انتشارات مجمع العالمی لأهل بیت، ۱۴۲۶هـ. ق، ص ۴۳۱؛ جلال الدین سیوطی، *تاریخ خلفاء*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۰، ج اول، ص ۱۷۴؛ محمدحسین الله شقیطی، *ارمغان من [ترجمه کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابیطالب]*، ترجمه غلامرضا نمائی طبسی، انتشارات طوس، ص ۲۰۸.

1 - مانده، آیه ۹۵.

2 - احزاب، آیه ۶.

3 - همان، ص ۷-۹۶؛ همان، ص ۳-۱۹۲؛ همان، ص ۲-۴۳۱.

پیوستند.<sup>۱</sup>

امام علی(ع) در سخنان خود با خوارج، با تشریح ماجرای حکمیت و خطای خوارج در این مساله، از آنها خواست که از تفرقه دوری کنند.

## ۲- ارباب و تهدید:

امام علی(ع) بعضی مواقع اقدام به تهدید می‌کردند و بهره‌گیری از آن، زمانی بود که غیر از تهدید راه دیگری وجود نداشت؛ مثل تهدیدی که حضرت برای مردم بصره به کار بردند. بعد از پیروزی امام علی(ع) بر مردم بصره و بخشش آنها، معاویه، عبدالله حصرمی را فرستاد تا اهل بصره را به شورش در خونخواهی عثمان فرا خوانده و یکپارچگی آنها را بر هم زده و تفرقه ایجاد کند. این کار آشفته‌گی و ناآرامی زیادی به پاداشت به طوری که بعضی از مردم بصره فریب خوردند. امام علی(ع) در نامه‌ای تهدید آمیز به آنها نوشتند:

«از این پیش، بیشتر شما ای مردم، ستیزه جوئی کردید تا سزاوار کیفر شدید و من گنهکار شما را بخشیدم، و شمشیر را از گریزانهای شما برداشتم و بیعت از شما گرفتم. اگر به بیعت بیائید و فرمانم پایدار باشید، من در میان شما به کتاب خدا و راه درست عمل کنم، و اگر هوسهای هلاکت بار و نابخردان ستمکار شما را به مبارزه با من بکشاند و قصد مخالفت مرا دارید؟ من هم اکنون اسبان تیزرو خود را نزدیک آوردم و شتران خود را بار زدم و به خدا سوگند اگر مرا ناچار کنید تا به سوی شما سفر کنم چنان ضربت به شما بزنم، که روز جنگ جمل نزد آن نباشد مگر بازی کودکانه‌ای».<sup>۲</sup>

1 - احمدبن داود دینوری، پیشین، ص ۲۱۰؛ ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۴، ص ۹۹، ابن عمادشهاب الدین عکری حنبلی،

پیشین، ص ۲۲۵.

2 - ثقفی، پیشین، ص ۱۵۱-۲.



## ۳- تبلیغات:

همان گونه که در تعریف تبلیغات بیان شد تبلیغات یعنی به کارگیری نسبتاً آگاهانه و عمدی نمادهایی چون کلمات، علائم، پرچمها، تصاویر و آثار تاریخی و... برای تأثیر بر افکار و اعمال دیگران، توأم با احترام به باورها و ارزش‌ها و رفتارهایی است که آنان را بحث برانگیز و جدلی می‌شمارند. امام علی(علیه السلام) نیز برای تأثیرگذاری بر افکار و اعمال مخاطبان خود علی‌الخصوص سپاه معاویه از شعر که یکی از نمادهای تبلیغات است استفاده شایانی کردند. آنجا که در اثنای جنگ صفین نامه‌ای به معاویه نوشته و فرمودند:

«اما بعد، اینک تو تلخی جنگ را چشیدی و به دیگران نیز چشاندی، من اکنون همان پیشنهادی را که مخارق به بنی‌فالح کرد به تو می‌کنم: ای پیک سوار چون بر بنی‌فالح در قرارگاهشان بگذری به ایشان بازگویی: به سوی ما بشتابید تا چنان نشوید که گویی به سرزمینی درافتاده‌اید که گرد نیستی از آن برخاسته است. قبیله سلیم بن منصور، مردمانی شده‌اند که در تیره سنگلاخ سوخته‌ای در نشسته‌اند و سرزمینشان شغالزاری ویران شده است.»<sup>۱</sup>

هم‌چنین حضرت در یکی از نامه‌های خویش به معاویه فرمودند:

«اما بعد، حکایت تو و دیدگاهت چنان است که اوس بن حجر گفته است: بیچاره موجود ناتوان در مانده‌ای که روزی جنگ را به قصد بهره‌ای برانگیزد ولی از آن چیزی برنچیند. آیا آن جنگ افروز تهدید کننده نمی‌داند که من به راستی به جنگ چنان چالاکم که مایه خرسندی حریفم نباشد، قرارگاه من برای جویندگان آشکار و معلوم است هرچند در گردنه‌ای مرتفع یا دژی دشوار راه باشم.»<sup>۲</sup>

1 - نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۵۲۷.

2 - همان، ص ۹-۵۲۸.

از دیگر شیوه‌های تبلیغاتی امام علی (علیه السلام) در جنگها، شعارهای الله اکبر، یا احد یا محمد بود که سر می‌دادند.<sup>۱</sup> از دیگر تبلیغات حضرت در جنگ صفین بستن پارچه سفید بر و کتف بود.

برافراشتن پرچم از محورهای عمده تبلیغات جنگ‌های قدیمی بود که نشانه آمادگی لشکر و قدرت تهاجمی آنها به شمار می‌رفت. از این رو حضرت توصیه می‌کردند که پرچم جنگ را همیشه برافراشته نگه دارید و دور آن را خالی نگذاشته و آن را به دست افراد شجاع و دلیر بسپارید.<sup>۲</sup>

1 - نصر بن مزاحم منقري، پیشین، ص ۳۱۴- ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۵، ص ۱۷۶.

2 - فیض الاسلام، پیشین، خ ۱۲۴.

فصل سوم:

# جنگهای روانی معاویه

علیه امام علی (علیه السلام)

## شیوه‌ها و راهکارهای جنگ روانی معاویه

معاویه در طول حکومت خود به طور گسترده‌ای از جنگ روانی علیه امام علی (علیه السلام) استفاده کرده؛ در این فصل بر آنیم تا جنگ‌های روانی که معاویه علیه آن حضرت به کار برده بود به تفصیل بیان گردد.

### ۱- فریب و اغواء

یکی از روشهایی که معاویه مکرر از آن استفاده کرد، فریب است. می‌توان گفت عدم پایبندی معاویه به اسلام راستین و اخلاق و ارزشهای انسانی دلیل عمده در استفاده از این روش است. ممکن است گفته شود پیامبر (ص) خود فرموده‌اند: الحرب خدعة، اما پیامبر (ص) آنرا در شرایطی بیان نمودند که جبهه مقابل ایشان جبهه کفر بوده ولیکن جبهه مقابل معاویه، یکی از صحابه رسول خدا (ص) و نخستین مسلمان بود.

در جنگ صفین آن‌هنگام که معاویه مشاهده کرد جنگ به نفع سپاه امام به پیش می‌رود به رایزنی با عمرو بن عاص پرداخت و عمرو بن عاص به او گفت قرآن‌ها را بر نیزه کن و آنها را به آنچه در قرآن است دعوت کن و هم‌چنین به ترک جنگ، در این صورت است که می‌توانی آنها را پراکنده و ناتوان بسازی.<sup>۱</sup>

پس قرآن‌ها را برداشته و آنان را به حکم قرآن دعوت کردند، در این هنگام امام علی (علیه السلام) فرمودند: «این فریبی است که می‌خواهند با به‌کار بردن آن از جنگ رهایی یابند»<sup>۲</sup>

1- ابوحنیفه احمد بن داود دینوری، پیشین، ص ۱۸۸؛ ابن قتیبه دینوری، الامامه والسیاسة، ترجمه ناصر طباطبائی، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰، ص ۱۴۶؛ محمد بن جریر طبری، پیشین، ج ۶، ص ۲۵۶۲؛ شهاب الدین احمد نویری، نهائیه الارب فی فنون الادب، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۴، ج اول، ص ۵، ج ۵، ص ۱۹۷؛ ابن عماد شهاب الدین عکری حنبلی، پیشین، ص ۲۱۵.

2- احمد بن داود دینوری، همان، ص ۱۹۰؛ رسول جعفریان، تاریخ سیاسی اسلام، قم، انتشارات دلیل، ۱۳۸۰، ج اول، ص ۳۰۲.

از دیگر موارد فریب معاویه علیه امام علی (علیه السلام)، قبل از حرکت به سوی صفین بود. او به فکر حيله‌ای افتاده و به عمرو بن عاص گفت تا نامه‌ای به مردم مدینه بنویسند و ماجرای قتل عثمان را یادآوری کرده تا به این وسیله به هدف خود برسند و یا این که مردم مدینه از دشمنی با آنها دست بردارند.<sup>۱</sup>

معاویه در نامه‌ای به مردم مدینه نوشت:

«اما بعد، هرچه از ما پوشیده باشد این حقیقت از ما پوشیده نیست که

عثمان را علی کشته است و دلیل آن جایگاه قاتلان او نزد علی است»<sup>۲</sup>

معاویه در ادامه نامه نوشته بود:

ما خون او را می‌طلبیم تا وقتی که آن قاتلان را به ما تحویل دهد و ما آنها را بر اساس کتاب بکشیم اگر آنها را به ما تحویل داد با علی کاری نداریم و خلافت را میان مسلمانان به شورا می‌گذاریم ما هرگز خواهان خلافت نیستیم پس ما را در این کار یاری کنید و شما نیز به پاخیزید اگر دستهای ما و شما در یک چیز متحد شود، علی مرعوب می‌گردد.<sup>۳</sup>

معاویه برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود می‌دانست از چه چیزی بهره برد؛ او با بیان این جمله که هرگز خواهان رسیدن به خلافت نیست و اگر چنانچه به دنبال خونخواهی عثمان بوده به خاطر مظلومیت عثمان است نه چیز دیگر، قصد فریب مردم را داشت. این شیوه معاویه مؤثر واقع نشد و مردم مدینه به نامه معاویه پاسخ رد دادند. عبدا... بن عمر به نمایندگی از مردم به معاویه نوشت:

«به جان خودم سوگند که شما دو نفر (مقصود از دو نفر معاویه و عمرو عاص می‌باشد) در پیدا کردن محل یاری خود، به خطا رفته‌اید و آنرا در مکانی دور می‌جوید، نامه شما جز شکی بر شک نیفزود، و شما کجا و

1- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۹۴.

2- همانجا.

3- ابن قتیبه دینوری، پیشین، ص ۳۰-۱۲۹، ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۹؛ جعفریان، پیشین، ص ۲۸۴.

**مشورت کجا! شما کجا و خلافت کجا! و توای معاویه، تو از طلقاء هستی  
و توای عمرو، شخصی متهم هستی، از این کار دست بردارید برای شما  
در میان ما دوست و یابوری نیست.**<sup>۱</sup>

هم چنین معاویه، وقتی شنید عیبدا... بن عمر فرزند کوچکتر عمر که هرمان و دخترش را به قتل رسانده و از بیم قصاص امام علی (ع) به شام گریخته است<sup>۲</sup> او را به حضور طلبید تا از حضورش علیه حضرت بهره‌برداری کند.

معاویه از او خواست تا به منبر رفته، به حضرت علی (ع) دشنام داده و شهادت بدهد امام علی (ع) قاتل عثمان است. معاویه آگاه بود که فرزند خلیفه دوم در میان مردم جایگاه خاصی داشته و اگر او این مسأله را عنوان کند مردم قبول می‌کنند. اما عیبدا... حاضر نشد تا به امام علی (ع) دشنام بدهد ولی قول داد قتل عثمان را به حضرت نسبت دهد؛ اما عیبدا... بن عمر در سخنرانی خود چیزی در این باره نگفت و معاویه به او پیام داد که تو یا ترسیده‌ای و یا به ما خیانت کرده‌ای. عیبدا... در جوابش گفت دوست نداشتم بر ضد مردی که عثمان را نکشته شهادت بدهم.<sup>۳</sup>

از دیگر کسانی که معاویه از این روش بر ضد امام بهره برد، ابو مسلم خولانی بود. او که از زاهدان و عابدان عصرش بود در آستانه جنگ صفین با گروهی از قاریان شام، نزد معاویه آمده و به او گفت: تو چرا با علی جنگ می‌کنی در حالی که تو از نظر مصاحبت با پیامبر و هجرت و قرابت و سبقت در اسلام همانند او نیستی؟ معاویه در جواب ابو مسلم از همان روش قبلی‌اش استفاده کرده و گفت: من با علی نمی‌جنگم در حالیکه همانند او مدعی مصاحبت و هجرت و قرابت و سابقه در اسلام باشم؛ ولی آیا شما نمی‌دانید که عثمان مظلومانه

1- همانجا - سید هاشم رسولی محلاتی، پیشین، ص ۷۰-۷۶.

2- مسعودی، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۹.

3- ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۲-۴۸۰؛ علی اکبر رشاد، پیشین، ج ۹، ص ۱۸۹.

کشته شد؟<sup>۱</sup>

معاویه در ادامه گفت اگر حضرت علی، قاتلان عثمان را در اختیار او بگذارد با او جنگی ندارد؛ آنها فریب سخنان معاویه را خورده و به او گفتند برای حضرت علی (علیه السلام) نامه‌ای بنویسد تا یکی از آنها آنرا ببرد. نامه معاویه را ابومسلم خولانی برد.

وقتی ابومسلم به نزد امام علی (علیه السلام) رسید گفت که او مسولیت کاری را بر عهده گرفته که به خدا سوگند دوست ندارند که برای غیر او باشد به این شرط که حق را اجرا کند، عثمان مظلومانه کشته شده پس باید قاتلان او را به آنها تحویل بدهد.<sup>۲</sup>

ابومسلم خولانی با این که از عابدان و زاهدان زمانه خویش بود اما فریب سخنان معاویه را خورده و از امام علی (علیه السلام) خواست تا قاتلان عثمان را که از نظر او نیز مظلومانه کشته شده تحویل دهد؛ اما حضرت به او گفتند:

**«من زیر و روی این کار را بررسی کردم و دیدم شایسته نیست که من آنها را به تو و یا غیر تحویل بدهم.»<sup>۳</sup>**

از دیگر اقدامات معاویه در ایجاد جنگ روانی؛ رفتار او با قیس بن سعد عامل امام علی (علیه السلام) در مصر بود. پدر قیس پرچمدار انصار در جنگ‌های زمان پیامبر (ص) بوده<sup>۴</sup> و روز فتح مکه، پیامبر پرچم سپاه اسلام را به وی دادند.<sup>۵</sup> وقتی امام علی (علیه السلام)، قیس را والی مصر

1- احمد بن داود دینوری، پیشین، ص ۱۶۲- شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷هـ.ق، ج اول، ص ۵۴۰.

2- همان، ص ۳- ۶۲؛ بلاذری، پیشین، ج دوم، ص ۴- ۱۹۳؛ ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۱۵، ص ۵- ۷۳؛ علی اکبر رشاد، پیشین، ص ۸- ۱۸۷.

3- احمد بن داود دینوری، پیشین، ص ۱۶۶؛ بلاذری، پیشین، ص ۱۹۶؛ ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۱۵ ص ۷۶.

4- عزالدین بن الاثیر ابی الحسن علی بن محمد الجزری، **اسد الغابه فی معرفة الصحابه**، تحقیق: محمد ابراهیم البنا، انتشارات داراحیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۳۵۶.

5- همان، ج ۲، ص ۳۵۷؛ ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر القرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد معوض، بیروت، انتشارات دار الکتب العلمیه، ج ۲، ص ۱۶۳.

کرد او توانست با حسن تدبیر خویش بر اوضاع مصر تسلط یابد.

معاویه در اقدامی فریبکارانه نامه‌ای به قیس نوشته و از وی خواست تا به او بپیوندد و در خونخواهی عثمان شرکت کند.<sup>۱</sup> نامه‌هایی بین این دو نفر رد و بدل شد و سرانجام قیس در نامه شدید اللحنی به معاویه نوشت:

«اما بعد، مایه شگفتی است که تو در من طمع کردی و مرا فریب می‌دهی!  
آیا می‌خواهی از اطاعت کسی که شایسته‌ترین مردم به خلافت و گویاترین  
آنان به حق و هدایت یافته‌ترین آنان در راه و نزدیک‌ترین آنان به رسول  
خداست، بیرون شوم و به اطاعت تو درآیم! اطاعت کسی که دورترین  
مردم از خلافت و زورگوترین و گمراه‌ترین آنان دورترین مردم از پیامبر  
خدا و پسر گمراهان و طاغوتی از طاغوت‌های شیطان است.»<sup>۲</sup>

وقتی معاویه از فریب دادن او نا امید شد، به این فکر افتاد تا بین او و امام علی (علیه السلام) اختلاف ایجاد کند. بنابراین به مردم شام گفت:

«به قیس دشنام ندهید، او تابع ما است و مخفیانه به من نامه می‌نویسد»<sup>۳</sup>

معاویه از زبان قیس بن سعد نامه‌هایی جعل کرد مبنی بر این که قیس به او نوشته است و او خواهان خون عثمان و همکاری با معاویه است.

معاویه در برخورد با قیس بن سعد از سه روش جنگ روانی استفاده کرد؛ ابتدا قصد داشت با طرح خونخواهی عثمان او را فریب بدهد و در کار خود از شایعه و تفرقه‌افکنی نیز بهره برد و قصد داشت تا با استفاده از این دو روش، رابطه بین امام علی (علیه السلام) و قیس را متزلزل کند.

با توجه به عزل قیس بن سعد از امارت مصر توسط امام علی (علیه السلام)، بر برخی این

1- ثقفی، پیشین، ص ۷۶- ابی بکر احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد او مدینه السلام، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، ج ۱، ص ۱۷۷.

2- همان، ص ۷۷؛ طبری، پیشین، ص ۷ - ۲۴۸۶.

3- همانجا؛ همان، ص ۲۴۸۷.



شبهه ایجاد می‌شود که جنگ روانی معاویه در تصمیم امام علی (علیه السلام) مؤثر بوده است در صورتی که آن حضرت به سبب استفاده از عنصر مؤثرتر و محکم‌تر از قیس، محمد بن ابی بکر را به جای وی گمارد.<sup>۱</sup>

فریب دیگر معاویه که به هنگام قتل عمار بن یاسر صحابی بزرگ پیامبر اکرم (ص) به کار گرفته شد.

عمار بن یاسر در تمام جنگ‌های پیامبر حضور داشته و در جنگ حمل و صفین نیز با امام علی (علیه السلام) بود. وی در اثنای جنگ صفین به سپاه معاویه گفت: ما شما را بر سر تنزیل و فرود آمدن قرآن زدیم و امروز نیز بر سر تاویل آن می‌زنیم. چنانکه در کتاب نصر بن مزاحم نیز آمده است:

نحن ضربناکم علی تنزیله فالیوم نصرکم علی تأویله<sup>۲</sup>

پیامبر اکرم (ص) به عمار بن یاسر فرموده بودند که وی به دست قومی ستمکار کشته می‌شود<sup>۳</sup> و هنگامیکه عمار بن یاسر در جنگ صفین به دست سپاه معاویه کشته شد، بسیاری از سپاهیان معاویه که حدیث معروف را شنیده بودند دچار شک شده، گفتند ما گروه ستمکار هستیم که عمار را کشته‌ایم و برخی از آنها اندیشه پیوستن به سپاه امام علی (علیه السلام) را داشتند. معاویه برای این که مردم این حدیث را از یاد برده و وی را قاتل عمار نپندارند، آنها را فریفت و گفت: «به راستی عمار را کسی کشت که او را به جنگ کشاند».<sup>۴</sup>

ذوالکلاع از فرماندهان سپاه معاویه نیز این حدیث را از عمر و بن عاص شنیده بود<sup>۵</sup> و

1- علی اکبر رشاد، پیشین، ص ۹۰-۱۸۹.

2- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۴۶۸.

3- ابو عبدالله محمد بن سعد بصری، *طبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰هـ.ق، ج اول، ص ۳، ۱۹۰؛ احمد بن داود دینوری، پیشین، ص ۱۴۷.

4- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۴۷۰.

5- همان، ص ۴۶۹.

به عمرو بن عاص به جهت رفتار نامناسب با عمار بن یاسر اعتراض کرد، به همین جهت هنگامیکه کشته شد عمرو بن عاص به معاویه گفت:

«نمی‌دانم از کشته شدن کدامیک از دو شادمان‌تر باشم، به خدا، اگر ذوالکلاع زنده می‌ماند و تنها عمار کشته می‌شد (ذوالکلاع) تمام قوم خود را متمایل به علی می‌کرد و سپاه را بر ما می‌شوراند و تباہ می‌کرد.»<sup>۱</sup>

یکی دیگر از فریبهای معاویه، فریب شرحبیل بن سمط بود. معاویه با رای زنی عمرو بن عاص برای شکست دادن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که به کوفه آمده و آماده جنگ با معاویه بود؛ شرحبیل بن سمط کندی را که بین مردم شام چهره‌ای مقبول داشت به عنوان سفیر انتخاب کرد.

شرحبیل فرد موجهی بود و همه شامیان به حرفهای او اعتماد کامل داشتند، به همین جهت معاویه او را انتخاب کرد تا در میان مردم، حضرت علی (علیه السلام) را قاتل عثمان معرفی کند. عمرو بن عاص به معاویه گفت:

«بهترین فرد عراق (جریر بن عبدالمطلب) از سوی بهترین مرد جهان به بیعت طلبی نزد تو آمده است، اگر تو مردم شام را مستقیماً به رد این بیعت فراخوانی، کاری سخت مخاطره‌آمیز است اما شرحبیل بن سمط کندی سرور بزرگ مردم شام است و او را با جریر که به سفیری نزد تو آمده دشمنی‌هاست، پس کسی به دنبال او بفرست و معتمدان را خود نزدش بگمار تا در میان مردم پراکنده کنند که علی عثمان را کشته است»<sup>۲</sup>

معاویه با این توصیه عمرو بن عاص، به شرحبیل نامه‌ای نوشته و او را دعوت کرد تا از حمص نزد او به شام بیاید. شرحبیل هنگام ورودش به شام از سوی مردم به خوبی استقبال شد. و وقتی نزد معاویه رسید، معاویه بعد از حمد خداوند به سخن پرداخته و گفت:

«ای شرحبیل، جریر بن عبدالمطلب... ما را به بیعت سپردن به علی می‌خواند، اگر

1- همانجا؛ یوسف بن حسام الدین ابن جوزی، پیشین، ص ۴۱۸.

2- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۷۰؛ احمد بن داود دینوری، پیشین، ص ۱۵۹.

علی عثمان بن عفان را نکشته بود، بهترین مردم می‌بود، من در انتظار رسیدن تو تاکنون لب ننگشوده‌ام، من خود را یکی از شهروندان شام می‌دانم هرچه آنان پسندند - بیسندم و هرچه را نپسندند من نیز نپسندم»<sup>۱</sup>

شرحیبل فریب سخنان و نیرنگهای معاویه را خورد؛ زیرا هنگامیکه از نزد معاویه بیرون آمد، گروهی که از قبل فراهم آمده بودند با او دیدار کرده و به او گفتند که علی، عثمان را کشته است.<sup>۲</sup> از جمله آن افراد؛ بسر بن ارطاة، یزید بن اسد جد خالد بن عبد القری، ابوالاعور اسلمی و حابس بن سعد طائی بودند.<sup>۳</sup>

شرحیبل نزد معاویه برگشته و گفت که وی عامل امیرالمؤمنین عثمان و پسر عموی او هست، اگر این آمادگی را دارد که با علی و قاتلان عثمان بجنگد تا انتقام خود را بگیرند، او را حاکم خود می‌دانند و گرنه او را عزل کرده و کسی دیگری را برای حکومت انتخاب می‌کنند تا همراه با او جهاد کرده و انتقام خون عثمان را بگیرند.<sup>۴</sup>

شرحیبل برای مردم شام و دیگر شهرها به خطبه ایستاده و حضرت را قاتل عثمان معرفی کرده و آنها را به جنگ علیه حضرت برمی‌انگیخت چنانکه همه مردم قبول کردند حضرت علی (علیه السلام) قاتل عثمان است و فریب سخنان شرحیبل را خورده و با معاویه بیعت کردند.<sup>۵</sup> او هم چنین با جریر بن عبدالمطلب، فرستاده حضرت علی (علیه السلام) به شام مذاکراتی کرد و حضرت را قاتل عثمان معرفی کرد.

یکی دیگر از فریبهای معاویه، زمانی بود که سپاه امام علی (علیه السلام) جایگاه استراتژیک شریعه فرات را برای استقرار در اختیار داشتند و معاویه قصد تصرف شریعه فرات را داشت و

1- همان، ص ۷۳.

2- ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۴۷۳.

3- احمد بن داود دینوری، پیشین، ص ۱۵۹.

4- ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۴۷۴.

5- احمد بن داود دینوری، پیشین، ص ۱۶۰؛ ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۷-۴۷۶.

برای تحقق این هدفش جمله‌ای بر تیری نوشته، آنرا به سوی لشکر حضرت علی (علیه السلام) پرتاب کرد مضمون آن چنین بود:

*«از بنده خیرخواه خدا، شما را آگاه می‌کنم که معاویه می‌خواهد بند فرات را بر شما بگشاید تا شما را غرق کند پس مراقب و هشیار باشید»<sup>۱</sup>*

این تیر به دست یکی از افراد سپاه امام علی (علیه السلام) افتاد و آنرا خواند، متن این نامه را همه شنیدند و با خود گفتند:

*«این پیام دهنده برادری نیک‌خواه است که طرحی را که معاویه در صدد اجرای آن است پیشاپیش به آگاهی ما رسانده است»<sup>۲</sup>*

معاویه در راستای تحقق هدفش و با اطلاع از این که تمام سپاه امام علی (علیه السلام) از این نامه مطلع شده‌اند فریب دیگری نیز به کار برد؛ ۲۰۰ تن کارگر را به کمرگاه رود فرات فرستاد که با بیل و کلنگ حفاری کنند تا سپاه امام علی (علیه السلام) نامه فرستاده شده را درست بیندارند امام علی (علیه السلام) در این لحظه فرمودند:

*«هشیار باشید، این چاره‌گری که معاویه به آن پرداخته، نه درست است و نه امکان تحقق برای او وجود دارد، او می‌خواهد شما را از جای خود براند، دل بدان مشغول مدارید»<sup>۳</sup>*

با این وجود سپاهیان امام علی (علیه السلام) فریب خورده و از سنگرگاههای خود عقب نشستند و سپاه معاویه آنجا را تصرف کردند. البته امام علی (علیه السلام) سپاهیان را برای تصرف مجدد آنها تشویق کردند، آنان نیز با یک یورش به جای اولیه خود برگشتند. معاویه در این جا از روش شایعه نیز بهره برد.

معاویه در ادامه روش فریب خود، برای تحریک سپاه خود از قضای الهی سخن گفته و

1- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۱ - ۲۶۰.

2- همان، ص ۲۶۱.

3- همانجا.

این که این قضای الهی است که سپاه او را به این مکان آورده و سپاه او را با سپاه عراق رویارو کرد. او برای تشجیع هر چه بیشتر یاران خود، برای مقابله با سپاه امام علی (علیه السلام) به آیه‌ای از قرآن متوسل شده و گفت: «اگر خدا می‌خواست شما با یکدیگر پیکار نمی‌کردید لیکن خدا آنچه خواهد کند»<sup>۱</sup>

او با استفاده از این آیه، از روش فریب استفاده کرد.

معاویه با این بیان که خدا خواست دو سپاه به مقابله با همدیگر برخیزند؛ سپاهیان خود را فریب داد تا برای جنگ با سپاه امام علی (علیه السلام) اظهار مخالفت نکنند. معاویه هم‌چنین به فریب سه نفر از چهره‌های سرشناس آن زمان که با امام علی (علیه السلام) بیعت نکرده بودند اقدام کرد، تا به عنوان خونخواهی عثمان و قاتل جلوه دادن امام علی (علیه السلام)، آنها را با خود همراه کند. این سه نفر سعد بن ابی وقاص، عبدا... بن عمرو محمد بن مسلمه بودند.

معاویه به سعد بن ابی وقاص نوشت:

«همانا سزاوارترین مردم به یاری عثمان اهل شوری از قریش‌اند، همانانکه حق او را پایدار ساختند و او را بر جز او برگزیدند و راستی که طلحه و زبیر او را یاری نمودند و آن دو در شوری شریک تو و در اسلام نظیر تو، ام المؤمنین هم برای این کار بی‌دریغ شتاب ورزید، اکنون تو هم آنچه را پسندیده‌اند، ناخوش مدار و آنچه را پذیرفته‌اند رد مکن ما کار خلافت را به اختیار شورای مسلمانان واگذار می‌کنیم»<sup>۲</sup>

اما سعد در جواب معاویه این‌گونه نوشت:

«اما بعد، همانا عمر در شوری وارد نکرد مگر کسی را که خلافت او روا باشد پس هیچ کدام از ما از دیگری سزاوارتر به آن نبود مگر به این که بر

1- قرآن کریم، ۵۳/۲.

2- ابن اعمش کوفی، پیشین، ص ۴ - ۴۸۳؛ نصرین مزاحم منقری، پیشین، ص ۱۰۸؛ یعقوبی، پیشین، ص ۸۷؛ ابن قتیبه دینوری، پیشین، ص ۱۳۱؛ هاشم رسولی محلاتی، پیشین، ص ۴۷۰.

او اتفاق کنیم جز آنکه علی هر چه در ما بود در او بود و آنچه در او بود در ما نبود، اما طلحه و زبیر، پس اگر در خانه خود مانده بودند برای آن دو بهتر بود»<sup>۱</sup>

معاویه نامه‌ای به عبدا... بن عمر نوشت و او را بهترین جانشین بعد از عثمان ذکر کرده بود و از عوامل مهمی که او را شایسته این امر می‌دانست، مخالفت عبدالله با حضرت علی (علیه السلام) بود و از وی خواست تا در گرفتن قصاص خلیفه مقتول (عثمان) او را یاری نماید. معاویه پا را از این فراتر گذاشته و عبدالله را فرمانروای همه امت می‌دانست و به او گفت اگر فرمانروایی را قبول نکند شورایی از مسلمانان خلیفه را تعیین می‌کنند.<sup>۲</sup>

عبدالله بن عمر نیز مانند سعد، درخواست معاویه را رد کرد و این گونه معاویه در فریب این افراد شکست خورد.

معاویه با دادن وعده خلافت به عبدالله بن عمر علاوه بر فریب، از روش تطمیع نیز بهره برده است.

فریب اشعث بن قیس و عبدا... بن عباس از فرماندهان و بزرگان سپاه امام علی (علیه السلام) از جمله کارهای معاویه است.

معاویه برادرش عتبه را که مردی سخنور و بلیغ بود به دیدار اشعث فرستاد تا او را متقاعد کند چون اگر بتواند او را راضی کند دیگران نیز راضی می‌شوند. عتبه نیز به دیدار اشعث رفت و به او گفت که اگر معاویه قصد دیدار کسی جز امام علی (علیه السلام) را داشته باشد، او است؛ زیرا او سرور و سالار مردم عراق بوده و رابطه دامادی و شغلی با عثمان داشته است و او را از شریک بودن در قتل عثمان مبری می‌داند.<sup>۳</sup>

اشعث هم سخنان عتبه را بی‌جواب نگذاشته و در جوابش گفت: تو گفتی که معاویه جز

1- ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۴۸۴؛ یعقوبی، پیشین، ص ۷-۸۶.

2- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۶-۱۰۵؛ ابن قتیبہ دینوری، پیشین، ص ۱۳۰.

3- همان، ص ۵۵۹.

با علی با کس دیگری دیدار نمی‌کند اما اگر او مرا دیدار کند این عملش برای من نه عظمت و بزرگواری می‌آورد و نه حقارت؛ و این که گفتم من سالار اهل عراق هستم همانا بدان بزرگ و رئیس همه، علی (علیه السلام) می‌باشد<sup>۱</sup> و این گونه این عمل معاویه هم نتیجه‌ای نداد.

معاویه برای جبران شکست، به عمرو بن عاص پیشنهاد داد با عبدا... بن عباس مذاکره کرده شاید بتواند او را فریب دهد و به او امر کرد تا نامه‌ای به عبدا... بنویسد.

عمرو بن عاص به عبدا... نوشت:

«اما بعد، به راستی وضعی که ما و شما دچار آن شده‌ایم نخستین فتنه و بلا نیست و اولین پیشنهاد صلح و سازش نباشد. تو پس از علی سرور و رئیس این گروهی، به آینده بنگر و گذشته را از یاد ببر. به خدا سوگند که این جنگ، زندگانی و شکیب برای ما و شما باقی نگذاشته است. بدانید که شام جز با نابودی عراق و عراق جز با نابودی شام به دست نیاید، و پس از نابودی قوای ما و نابودی قوای شما خیر و عافیتی برای هیچ یک از دو طرف، نخواهد بود. ما می‌گوییم کاش اصلاً جنگی رخ نمی‌داد. ما اگر بخواهیم فرماندهی بجویم که مردم سخنش را بشنوند و فرمانبرداری بیاوریم که سر به اطاعت سپرده و مستشاری امین نیز باشند همانا تو هستی»<sup>۲</sup>

و در زیر نامه، شعری نوشت:

دامنه فتنه به درازا کشید و پس از امید به خداوند، جز به مدارا و نرمش ابن عباس امید چاره‌ای نمی‌رود.

ای فرزند آن پدر که آب زمزم به حاجیان می‌نوشانید، بدین افتخار بزرگ بر دیگر مردم مباحثات کن.

هر کس دوشادوش هم طراز خود گام می‌زند و شیر شزره با شیران زورمند بیشه‌ها

1- همان، ص ۶۰ - ۵۵۹.

2- همان، ص ۵۶۲؛ ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۶۳۲.

همراهی می‌کند.<sup>۱</sup>

اما ابن عباس به عمرو عاص، جواب رد داد و معاویه ناچار شد تا خود به ابن عباس نامه بنویسد: منقروی در کتاب پیکار صفین آورده که معاویه به ابن عباس قبل از این که آتش جنگ بالا بگیرد نامه نوشته و ابن عباس به نرمی آن را پاسخ داده بود<sup>۲</sup> و این طمع معاویه را برانگیخته بود تا باز هم به ابن عباس نامه نوشته و او را بفریبد و وقتی بسیاری از شامیان کشته شدند معاویه به ابن عباس نوشت:

«اما بعد، شما ای گروه بنی هاشم در آزردن هیچ کس به اندازه آزردن یاران عثمان بن عفان شتاب ندارید و طلحه و زبیر را که به خونخواهی او برخاسته بودند، کشتید، اگر این همه برای جلوگیری از حکومت خاندان بنی امیه است، پیش از این نیز خاندان عدی و تیم عهده‌دار حکومت شدند و شما نه تنها با آنان به مقابله برخاستید بلکه سر به فرمان آنها سپردید و اظهار اطاعت کردید و رویدادهایی پیش آمد که آنها را به عیان دیده‌ای، و شد آنچه شد و این جنگها برخی از ما و پاره‌ای از شما را به کام خود کشیده است. ما آرزو داشتیم سیر وقایع جز این باشد که هست، شما امروز، در برخورد با ما بدان تندی که دیروز بودید نیستید و فردا نیز این تندی و خشونت امروزتان را نخواهید داشت اگر پس از عثمان مردم با تو بیعت کرده بودند ما تو را بیش از علی سزاوار (خلافت) می‌دانستیم و به سویت می‌شتافتیم.»<sup>۳</sup>

از این نامه معاویه دو برداشت می‌توان کرد: ایجاد هراس و ناامیدی و تضعیف روحیه در مخاطب خود؛ در جمله‌ای که گفته بود: «شما در برخورد با ما به تندی دیروز نیستید و فردا نیز این تندی امروز را نخواهید داشت.» با این جمله خواسته بگوید شما روز به روز توان و

1- همان، ص ۳- ۵۶۲؛ همانجا.

2- همان، ص ۵۶۶.

3- همان، ص ۷- ۵۶۶؛ ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۶۳۷.



نیرویتان مضمحل شده، نکته دوم: فریب عبد... بن عباس؛ با طرح این ادعا که «تو سزاوار خلافت بوده و اگر تو جای علی بودی حتماً با توییعت می‌کردیم» معاویه قصد داشت تا این فکر را به ذهن ابن عباس بیندازد که او شایستگی خلافت را داشته و پائین‌تر از علی (علیه السلام) نیست و او را علیه حضرت بشوراند.

اما ابن عباس از نامه معاویه خشمگین شده و در جوابش نوشت: این که یادآوری کردی ما در آزار دادن یاران عثمان شتاب داشته و از حکومت بنی امیه بیزاریم: به جان خودم سوگند که تو خود وقتی که عثمان به تو نیاز داشته و از تو یاری خواست او را تنها گذاشتی، تا این که او به قتل رسید؛ اما طلحه و زبیر، ابتدا آنها بر ضد (علی) برخاسته و عرصه را بر او تنگ کردند و بیعت او را شکسته و دست به شورش زدند، این که گفتی اگر مردم با من بیعت می‌کردند و من عهده‌دار حکومت می‌شدم و شما نیز از من اطاعت می‌کردید؛ باید گفت مردم با علی که خیلی از من بهتر است بیعت کردند ولی با این وجود هنوز همه از او اطاعت نمی‌کنند و بدون شک خلافت متعلق به کسی است که بر سر او مشورت شده باشد، ای معاویه! تو کجا و خلافت کجا! تو آزاد شده و پسر آزاد شده‌ای بیش نیستی.<sup>۱</sup>

معاویه با دادن وعده خلافت به عبدالله بن عباس از روش تطمیع نیز بهره برده است.

## ۲- تحریک و تشجیع

یکی دیگر از روشهای جنگ روانی که معاویه استفاده کرد تحریک و تشجیع بود. او این دو روش را برای تقویت روحیه سپاه خود به کاربرد. معاویه قبل از جنگ صفین به ایراد خطبه برای سپاه خود پرداخته و گفت: «سپاس خدایی را که در کمال نزدیکی و پایین برافراز است و در کمال برافرازی نزدیک و پایین.<sup>۲</sup>» او در ادامه سخنان خود گفت: ای گروه شامیان، خوب توجه کنید شما فردا با عراقیان روبرو خواهید شد پس بر یکی از این سه حال باشید: «یا گروهی باشید که در پیکار خویش با قومی که بر شما ستم رانده و از شهرهای خود به دیار

1- همان ص ۸-۵۶۷؛ همان، ص ۹-۶۳۸.

2- همان، ص ۴۰۱.

شما هجوم آورده و در سرایتان فرود آمده، پاداش الهی را می‌جوید.»<sup>۱</sup>

معاویه با ذکر این جمله «قومی که بر شما ستم رانده و از شهرهای خود به دیار شما هجوم آورده‌اند» قصد داشت تا تنفر و خشم یاران خود را علیه امام علی (علیه‌السلام) و سپاه او برانگیزد و یاران خود را تحریک کرده و بر شدت نیروی مقاومت شامیان علیه جبهه عراق بیافزاید.

معاویه در ادامه سخنان خود افزود:

**« یا گروهی باشید که به خونخواهی خلیفه خویش و داماد پیامبر خود (ص) برخاستند و یا گروهی باشید که از زنان و فرزندان خویش حمایت می‌کنید.»<sup>۲</sup>**

معاویه در جای دیگر نیز سپاه خود را تحریک کرد؛ وقتی که خبر استقرار لشکر امام علی (علیه‌السلام) در نخیله به او رسید، برای تحریک سپاه خود پیراهن خونین عثمان را بر منبر مسجد دمشق آویزان کرده و اطراف منبر، هفتاد پیرمرد را گماشت تا برای عثمان گریه کنند و در این اثنا معاویه برای مردم شام سخنرانی کرده و گفت: ای مردم شام، مرا درباره‌ی علی دروغگو می‌شمردید ولی الان بر شما روشن شده است که عثمان را کسی جز او نکشته و او فرمان قتلش را داده و سپس به قاتلان او پناه داده است و حالا همان قاتلان عثمان، یاران او هستند و با آنها قصد شهرهای شما را کرده است تا شما را متواری کند.<sup>۳</sup> او در ادامه سخنانش، خود را ولی دم عثمان معرفی کرده و خود را شایسته‌ترین کسی می‌داند که می‌تواند انتقام خون عثمان را بگیرد؛ و این که خداوند برای ولی مظلوم اختیاری قرار داده است. او به سپاه خود گفت:

**« خداوند به تحقیق پیکار با آن گروه گردنکش ستمگر را داده است تا امر**

1- همانجا

2- همانجا

3- همان، ص ۱۷۸

### خداوند تحقق پذیرد.<sup>۱</sup>

هنگامی که معاویه و عمرو بن عاص مشاهده کردند که گروهی از قاریان شام به سپاه امام علی (علیه السلام) پیوسته‌اند ترسی در دل‌هایشان پدید آمد، پس از روش تشجیع استفاده کرد. معاویه سپاه خود را فرا خوانده به ایراد سخنرانی پرداخته و گفت:

«ای مردم، جانها و کاسه سرهای خود را به ما عاریه دهید، احساس شکست و خواری نکنید چون امروز، روز فداکاری و روز ابراز حقیقت و پایداری است، همانا شما بر حق هستید و برهان و حجت به همراه دارید و با کسی پیکار می‌کنید که بیعت خود را شکست و آن خون حرام را ریخت.»<sup>۲</sup>

و در ادامه سخنان معاویه، عمرو عاص گفت:

«ای مردم اینک حق به نقطه عطف خود رسیده و حدیث ستمکار و ستم‌دیده در میان است»<sup>۳</sup>

### ۳- تطمیع :

تطمیع به معنای وعده پاداش دادن و به طمع انداختن است. افراد برای رسیدن به مقاصد خود، به مخاطبان خود وعده پاداش می‌دهند. معاویه هم از این روش برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرده است.

چنانکه در اثنای جنگ صفین نیز گفت: به خدا سوگند دوست دارد چندان ثروت و پول به معتمدان و یاران علی (علیه السلام) بدهد و بین آنها، چنان ثروت و پولی پخش کند که دنیای او بر آخرت علی (علیه السلام) بچربد.<sup>۴</sup> در بحبوحه جنگ صفین، هنگامی که درگیری بین دو سپاه

1- همانجا.

2- همان، ص ۳۰۲

3- همان، ص ۳۰۳

4- همان، ص ۵۹۶.

شدت یافت یکی از فرماندهان سپاه امام علی (علیه السلام) به نام خالد بن معمر با ۷ هزار نفر از سپاه خود پیمان بست تا در اثنای جنگ به پشت سر خود نگاه نکنند، این افراد به گونه‌ای دلیرانه جنگیدند تا که به سراپرده معاویه رسیدند. معاویه از ترس جان خود به یکی از پناهگاههای لشکر خود پناهنده شد و از همان جا به خالد بن معمر پیام داد که اگر جنگ را رها کند و این پیروزی را نا تمام رها کند فرمانروایی خراسان را به او واگذار می‌کند. خالد بن معمر با این وعده معاویه جنگ را نیمه رها کرد و معاویه هم بعد از پیروزی و بیعت با او، حکومت خراسان را به خالد واگذار کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴- ارباب و تهدید:

از دیگر شیوه‌های جنگ روانی که معاویه استفاده کرد ارباب و وحشت بود. معاویه بعد از اعلام مخالفت با رهبری و حکومت امام علی (علیه السلام) و بیعت نکردن با او، نامه‌ای را به قبیصه عبسی داده تا آنرا نزد امام علی (علیه السلام) ببرد. زمانی که حامل نامه نزد آن حضرت رسید و نامه را داد، امام علی (علیه السلام) هر چه در نامه نگریست چیزی مشاهده نکرد و فقط در آن نوشته بود از معاویه به علی بن ابی طالب<sup>۲</sup> وزیر آن مهر معاویه بود.

امام علی (علیه السلام) از او پرسیدند: از پشت سر چه خبر؟ قبیصه بعد از گرفتن امان از امام علی (علیه السلام) گفت: من گروهی را پشت سر گذاشته‌ام که جز به رهبری راضی نیستند. امام فرمود رهبری چه کسی؟ قبیصه جواب داد:

«کسی که جمعیت تو را به هم ریخته است، من ۶۰ هزار پیرمرد را پشت سر گذاشته‌ام که پیراهن عثمان را در برابر چشم خود روی منبر دمشق انداخته‌اند و گریه می‌کنند.»<sup>۳</sup>

هدف معاویه از فرستادن نامه سفید این بود که سخنی با امام علی (علیه السلام) نداشته و جز

1- همان، ص ۴۱۷

2- رسول جعفریان، پیشین، ص ۲۷۷

3- دینوری، پیشین، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ شیخ محمد شری، پیشین، ص ۴۳۹.

جنگ به چیز دیگری نمی‌اندیشد. هم‌چنین به سفیر خود گفته بود چه چیزی به امام علی (علیه‌السلام) بگوید و قصد داشت تا حضرت با شنیدن این جملات در دلش رعب و وحشت ایجاد شود.

معاویه در یکی دیگر از نامه‌هایی که به سوی امام علی (علیه‌السلام) فرستاد، ایشان را تهدید به جنگ کرد. او در نامه‌اش نوشته بود:

« تو بیعتی بر گردن ما نداری و تو را اطاعتی بر ما نیست و نزد ما مقبولیت نداری و برای تو و یارانت پیش ما جز شمشیر نیست سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست. قاتلان عثمان را هر کجا باشند، دنبال می‌کنم و آنها را می‌کشیم و یا روح ما به خدا ملحق می‌شود! »

#### ۵- بحران سازی و ایجاد اغتشاش و ناامنی:

یکی دیگر از کارهای معاویه، فرستادن گروه‌های عملیاتی برای تهاجم و ایجاد بحران و اغتشاش بود. بعد از واقعه حکمیت و حکم خلع حضرت علی (علیه‌السلام) از خلافت توسط حکمین، معاویه موقعیت ایجاد شده را بهترین زمان برای ارباب مردم عراق دانست. از این رو او گروه‌هایی از سپاهیان را به اطراف فرستاد تا در بین مردم فتنه و غوغا ایجاد کنند. این گروه‌ها به خاطر یورشهایی که انجام می‌دادند به گروه یورشگر معروف شدند. این گروه افرادی مسلح بودند که به مناطق تحت حکومت امام علی (علیه‌السلام) فرستاده می‌شدند و اموال مردم را غارت کرده، افراد را می‌کشتند و به شام برمی‌گشتند.

حمله ضحاک بن قیس فهری، فتنه‌حزرمی، حمله نعمان بن بشیر، حمله بسر بن ارطاة،

یورش سفیان غامدی.

## ۱-۵- یورش ضحاک :

اولین حمله به عراق بعد از واقعه حکمیت، حمله ضحاک بن قیس بود.<sup>۱</sup> ضحاک بن قیس فهری از فرماندهان نظامی معاویه بود که معاویه وی را به سوی کوفه فرستاده و به او گفت

« برو تا از ناحیه کوفه بگذری و هر چه می‌توانی پیشروی کن و از اعراب هر کس را که در اطاعت علی دیدی بر او هجوم و اگر هم در راه به سواران مسلح علی رسیدی به آنها حمله کن و بجنگ .<sup>۲</sup>»

ضحاک با سپاه فراوانی از افراد حرکت کرد و هر کس را که در راه می‌دید به قتل می‌رساند تا آنکه به روستایی در مسیر راه مکه به نام ثعلبیه<sup>۳</sup> رسید، حجاج را غارت کرده و کالای آنان را گرفت و به دنبال آن با عمرو بن عمیس بن مسعود ذهلی که عازم حج بود برخورد کرده و در قطقطنه نزدیک کوفه او و یارانش را به قتل رساند.

امام علی در برخورد با این واقعه گفتند:

« اهل کوفه به سوی بنده صالح، عمرو بن عمیس و سپاهیانان که ضربه خورده‌اند بروید، بیرون بروید و با دشمنان بجنگید و از حریمتان دفاع کنید، اگر اهل آن هستید.»<sup>۴</sup>

وقتی امام سستی و ضعف یاران خود را دید خطاب به آنان فرمودند:

«به خدا قسم دوست داشتم که به جای هر هشت نفر شما، یک نفر از آنان را داشتم . وای به حال شما، با من می‌آئید و سپس فرار می‌کنید، شما را چه شده است؟ به خدا قسم در نیت خود از ملاقات پروردگار ناخشنود نیستم در صورتی که به لقای او نائل آیم شادمانی بزرگی برای

1- ابراهیم بن محمد بن سعید ثقفی، پیشین، ص ۱۵۷

2- همان، ص ۱۵۹

3- ابن اعمش کوفی، پیشین، ص ۷۰۷

4- ابراهیم ثقفی، پیشین، ص ۱۵۹، احمد بن یعقوب یعقوبی، پیشین، ص ۱۰۲

### من بود، و از مصاحبت و همراهی با شما نجات یافته‌ام.<sup>۱</sup>

امام، حجر بن عدی کندی را خواست و او با ۴ هزار نفر به دنبال ضحاک رفت و در تدمر بین او و ضحاک درگیری واقع شد و در این جنگ، از سپاه ضحاک ۱۹ نفر و از سپاه حجر دو نفر شهید شدند. شب که فرار رسید ضحاک از تاریکی شب استفاده کرد و به سوی شام فرار کرد.<sup>۲</sup>

### ۲-۵- فتنه حضرمی:

معاویه، عبدالله بن عمر و حضرمی<sup>۳</sup> را برای خونخواهی عثمان به بصره فرستاد و به او گفت: بیشتر مردم این سرزمین، در خونخواهی عثمان با ما هم عقیده هستند، تو بین مضریان برو، با آنها طرح دوستی بریز و مردم ربیع را بتراش زیرا آنها همه تریبه هستند. ابن حضرمی به بصره رفت. در این زمان عبدالله بن عباس که از طرف حضرت علی (علیه السلام) حاکم بصره بود، به کوفه نزد حضرت علی آمده بود و زیاد بن ابیه را به عنوان نماینده خود در بصره گمارده بود. عبدالله بن عمرو پیش بنی تمیم رفته و زمانی که طرفداران عثمان جمع شدند خطبه‌ای خواند، عثمان را مظلوم و علی را قاتل او معرفی کرده و از آنها برای خونخواهی کمک خواست. ضحاک بن عبدالله<sup>۴</sup> که از طرف عبدالله بن عباس رئیس شرطه بود گفت: «چه خواسته بدی، توهم مثل آنچه زبیر و طلحه از ما خواستند می‌خواهی؟ آنان، ما را که با علی بیعت کرده بودیم، از یکدیگر جدا کردند و به جان هم انداختند؟ الان ما با علی (علیه السلام) بیعت کرده‌ایم و او از گناه ما گذشته است آیا می‌خواهی ما به جان هم بیفتیم تا معاویه امیر شود؟ به خداوند یک روز حکومت علی از معاویه و خاندانش بهتر است.»<sup>۵</sup>

1- همانجا، همانجا.

2- همان، ص ۱۶۰ - همان، ص ۱۰۳

3- الغارات، نامش را عبدالله بن عامر ذکر کرده است و در تاریخ طبری و ابن اثیر عبدالله بن عمر و آمده است

4- الغارت، ضحاک بن عبدالله هلالی آورده اما در انساب الاشراف ضحاک بن قیس همدانی آمده است.

5- ابراهیم بن محمد ثقفی، پیشین، ص ۱۴۱-۲.

هم‌چنین عبدالله حضرمی، برای تحریض بیشتر مردم بصره نامه معاویه را که در آن وعده سالی دوبار عطا داده بود را برایشان خواند.<sup>۱</sup>

زیاد بن ابیه که تلاش‌های عبدالله بن حضرمی را غیر قابل کنترل می‌دانست برای حضرت علی (علیه السلام) گزارشی نوشت. آن حضرت برای دفع این شورش و بحران، اعین بن ضبیعه مجاشعی را که از قبیله تمیم بود به بصره فرستاد تا قوم خود را از اطراف ابن حضرمی پراکنده کرده و اگر مخالفتی کردند به اتفاق موافقان با آنان بجنگد. او به بصره رفت اما به طور ناجوانمردانه وی را به قتل رساندند. حضرت علی (علیه السلام)، سپس جاریه بن قدامه را که از قبیله بنی تمیم بود با پانصد نفر به بصره فرستاد، نیروهای اعزامی با عبدالله حضرمی درگیر شده و عبدالله حضرمی و یارانش را به قتل رساندند و به این صورت این بحران ایجاد شده با تدبیر امام خاموش گردید.<sup>۲</sup>

### ۳-۵- حمله نعمان بن بشیر:

معاویه برای ارباب اهل عراق، در این اندیشه بود تا فردی را به سواحل فرات بفرستد و نعمان بن بشیر را به همراه ۲ هزار نفر به آنجا اعزام کرد. معاویه به نعمان سفارش کرد که از شهرها بپرهیزد و فقط به پادگانها حمله کند.<sup>۳</sup>

نعمان بن بشیر به عین التمر حمله کرد. در این زمان مالک بن کعب ارجبی عامل حضرت علی بر آن منطقه بود و فقط صد نفر نیرو در آنجا داشت. سرانجام جنگ بین آنان درگرفت و هر چند غلبه با نعمان بود اما سپاه نعمان به هنگام شب گمان کردند که برای مالک نیروی کمک آمده و به همین جهت فرار کردند. مالک خبر حمله و حوادث آنرا برای امام نوشت: «ما بر دشمن حمله کرده و بر او سخت گرفتیم و خدا پیروزی را بر ما عطا کرد و

1- خلیفه ابن خیاط، پیشین، ص ۱۸۰

2- محمد بستانی، پیشین، ۲۳۸ - رسولی محلاتی، پیشین، ص ۶۸۲-۶۸۵

3- ثقفی، پیشین، ص ۱۷۱



دشمن را شکست داده و سپاه خود را عزت بخشید.»<sup>۱</sup>

#### ۴-۵- یورش سفیان غامدی:

معاویه، سفیان بن عوف غامدی را برای غارت شهر انبار به سوی آنجا روانه کرد. معاویه به او گفت که این قتل و تاراجها، مردم عراق را ترسانده و مخالفان را دلیر کرده و آنان که از این کشاکشها بیمناک هستند را به سوی ما فرامی‌خواند.<sup>۲</sup>

سفیان به شهر انبار هجوم برده و دست به غارت و چپاول زد. غارت اموال مردم در این حمله به حدی بود که حتی گوشواره و خلخال از گردن و دستان و پاهای زنان درآورده بودند، والی امام در این شهر حسان بن حسان بکری را به قتل رسانده بودند و بعد از این قتل و غارت پیروزمندانه به شام برگشتند.

امام وقتی این خبر را شنید، فرمودند:

«برادر بکری شما در انبار مورد حمله واقع شده است، او که مردی باعزت بود و از چیزی باک نداشت، خدا را بر دنیا ترجیح داد، پس جمع شوید و به سوی او بشتابید تا با دشمن برخورد کنید. اگر بر آنان پیروز شوید تا ابد آنان را از عراق بیرون کرده‌اید.»<sup>۳</sup>

#### ۵-۵- یورش بُسربن ارطاة:

معاویه، بُسربن ارطاة را که مردی سخت دل و خونریز بود، مأمور غارت منطقه یمن و حجاز کرد و او را با سه هزار نفر روانه آنجا کرده و به او گفت: به هر سرزمین که مردم آنجا از علی ابن ابی طالب اطاعت می‌کنند وارد بشو و به آنان دشنام بده تا بدانند که راه نجاتی ندارند و تو بر آنها مسلط هستی. پس آنها را به بیعت با من دعوت کن و هر کس که از بیعت با من

1- ثقفی، پیشین، ص ۱۷۳

2- ثقفی، پیشین، ص ۱۷۷

3- همان، ص ۱۷۹.

خودداری کرد او را بکش و شیعیان علی را هر کجا یافتی به قتل برسان.

بُسَربن اِرطاة با این دستور معاویه به هر کجا که وارد می‌شد دست به قتل و غارت می‌زد.

بُسَربن اِرطاة با ورود به شهر مدینه هرگونه قتل و غارتی انجام داد و از آنجا عازم مکه شد اما بیشتر مردم از ترس او از شهر گریخته بودند و پس از ورود به شهر، مردم را مجبور به بیعت با معاویه کرد. به دستور او بود که فرزندان عبید... بن عباس به قتل رسیدند. او در شهرهای نجران، أرحب و صنعاء نیز به قتل و غارت پرداخت.

پس از این قتل و غارت‌های بُسر، امام علی (علیه السلام) جاریه بن قدامة و وهب بن مسعود را با ۴ هزار نفر به یمن فرستاد و وقتی بُسر از حرکت آنها مطلع شد به شام گریخت و نزد معاویه رفت.<sup>۱</sup>

1- همان، ص ۳۶ - ۲۱۷؛ ابن اعثم کوفی، پیشین، ص ۳۰ - ۷۱۷.

فصل چهارم:

تقابل امام علی (علیه السلام)

با جنگهای روانی معاویه

## بخش اول:

### راهکارهای تدافعی و تهاجمی امام علی (علیه السلام)

معاویه علاوه بر ایجاد جنگ‌های روانی در صحنه نبرد، سعی داشت تا در نامه‌هایی که برای امام علی (علیه السلام) می‌فرستاد نیز جنگ روانی ایجاد کند. در این بخش سعی شده تا به مقوله تقابل امام علی (علیه السلام) با جنگ‌های روانی معاویه پرداخته شود. در تقابل امام علی (علیه السلام) با جنگ‌های روانی معاویه، بیشترین شیوه‌ای که ایشان استفاده کردند، روشنگری و اقناع است.

### الف: خنثی سازی اتهامات و دعاوی معاویه

#### ۱- موضوع شرکت در قتل عثمان:

معاویه مکرر از امام علی (علیه السلام) به عنوان قاتل عثمان یاد می‌کرد<sup>۱</sup> و یکی از مهمترین علل وقوع جنگ صفین همین امر بود. او از یک سو به امام تهمت و افترا زده و از سویی دیگر با ادعای دروغین خود، قصد فریب مردم را داشت.

او با علم کردن پیراهن عثمان در مسجد دمشق و با همراهی افرادی چون شر حبیل، قصد داشت تا مردم را فریب دهد؛ امام علی (علیه السلام) نیز سخنان کذب او را بی‌جواب نگذاشته و با توسل به منطق خود که همان آیات الهی و سنت نبوی بود به تقابل با جنگ روانی معاویه پرداخت.

1- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۵-۱۲۴ و ص ۱۷۸.

امام علی (علیه السلام) با ذکر آیه تطهیر:

« وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا<sup>۱</sup> »

به او یاد آور می‌شود که خاندان پیامبر از هر گناهی منزّه هستند و با یادآوری این مسأله به او اثبات می‌کند که اگر تو، مرا قاتل عثمان می‌پنداری، این آیه از قرآن، دلیل بر اثبات بی‌گناهی من است.<sup>۲</sup>

هم چنین زمانی که قاریان قرآن در جنگ صفین برای دریافت حقیقت، نزد معاویه رفتند او به قاریان گفت امام علی (علیه السلام) عثمان را کشته و در امر حکومت با مهاجر و انصاری که در اردوگاه او هستند مشورت نکرده است؟

امام علی با همان شیوه اقناعی خود در جواب معاویه فرمودند: او عثمان را نکشته بلکه آن گروهی او را کشتند که قرآن را بر او تفسیر کردند و اختلاف نظر به وجود آمد، او را در حالی کشتند که حکومت داشت و بر ضربتی که بر او زده‌اند قصاصی نیست. و این گونه امام علی (علیه السلام) با دلیل بر معاویه پیروز شد و در ادامه فرمودند: وای بر شما که نمی‌دانید این حق اصحاب بدر است که در بیعت شرکت کنند نه همه اصحاب.<sup>۳</sup>

امام علی (علیه السلام) آنچنان با منطقی محکم و استدلال‌ات روشن با آنها به گفتگو پرداخت که آنان تا سر حد اقناع پیش رفتند به حدی که معاویه ترسید و برای جلوگیری از آنکه قاریان با حضرت علی (علیه السلام) هم داستان شده و بر علیه او با حضرت بیعت کنند به فریب قاریان پرداخت.<sup>۴</sup>

1- احزاب، ۳۳.

2- ابو اسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی، پیشین، ص ۸-۶۷.

3- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۹-۲۵۷.

4- همان، ص ۲۶۱.

## ۲- موضوع نسب مشترک بین امام علی (علیه السلام) و معاویه:

معاویه در یکی از نامه‌های خود به نسب مشترک خود و امام علی (علیه السلام) به عبد مناف اشاره کرده و با بیان این نسبت، قصد داشت تا به مردم القاء کند که او از نظر اصل و نسب و مکانت با امام علی (علیه السلام) در یک جایگاه است.

او در نامه‌ای به امام علی (علیه السلام)، این چنین نوشت:

«نحن بنو عبد مناف لیس لبعضنا علی بعض فضل، الا فضل لا یستذل به عزیز

و لا یسترق به حر»<sup>۱</sup>

امام علی (علیه السلام) ادعای بی‌اساس او را این گونه پاسخ دادند: «بله همانا من و تو فرزندان پدری واحد هستیم و لکن امیه هم چون هاشم نیست، حرب هم چون عبدالمطلب نیست و ابوسفیان چون ابی‌طالب نیست و مهاجر چون آزاد شده نیست»<sup>۲</sup>

آن حضرت در ادامه به اخلاق و ایمان اجداد خود اشاره کرده و یکسان پنداشتن معاویه در نسب خود با امام علی (علیه السلام) را رد کرده و به او این گونه پاسخ دادند:

«از ما پیامبر خداست و از شما دروغ گو، از ما اسدالله است و از شما

اسدالا حلاف و از ما سید جوانان اهل بهشت است و از شما فرزندان

آتش و از شما حمال هیزم و از ما بهترین زنان عالم»<sup>۳</sup>

منظور از دروغ‌گو همان ابوسفیان و اسدالله حمزه عموی پیامبر و اسدالاحلاف عتبه بن ربیع است و جوانان اهل بهشت امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) هستند. کودکان آتش فرزندان عقبه ابن ابی معیط و بهترین زنان عالم حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و حمال هیزم ام جمیل دختر حرب بن امیه همسر ابولهب و عمه معاویه است.

امام علی (علیه السلام) در جای دیگر به معاویه یادآوری می‌نمایند:

1- محمدباقر محمودی، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، قم، انتشارات دارالکتاب، ۱۳۸۷ هـ.ق، چاپ اول، ج ۴، ص ۲۶۹.

2- ابن قتیبه دینوری، پیشین، ص ۱۴۸؛ ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۱۵، ص ۱۱۷؛ محمدباقر محمودی، همان، ص ۲۷۱.

3- ابن ابی الحدید، همان، ج ۱۵، ص ۱۸۲.

«همانا تو آزاد شده پسر آزاد شده هستی، برای تو هجرت، سابقه، فضیلت و منتقبتی نیست، پدر تو از احزابی هستند که با خدا و رسولش جنگیدند و خداوند بنده‌اش را پیروز گرداند و وعده‌اش را عمل کرد و احزاب را شکست داد».<sup>۱</sup>

امام علی (علیه السلام) با استناد به آیات قرآنی و روایات یکسان پنداشتن معاویه در نسب خود با امام علی (علیه السلام) را رد کرده و با این ادله محکم نه تنها برای معاویه فضلی نماند بلکه تمام فضائل برای خاندان نبوت اثبات شد.

### ۳- موضوع واگذار نکردن امر خلافت به شوری:

معاویه مکرر چه در امر قاریان قرآن و چه در نامه‌هایش، امام علی (علیه السلام) را متهم می‌کند که ایشان بدون مشورت با انصار و مهاجرین، خلافت را به دست گرفته‌اند. البته امام علی (علیه السلام) در قضیه قاریان قرآن به این ادعای معاویه، جواب متقن دادند و در این جا یکی دیگر از جوابهایی که امام علی به این اتهام دادند ذکر می‌شود.

امام علی (علیه السلام) در یکی از نامه‌های خویش به معاویه فرمودند: «هر پیامبری در حق خاندانش وصیتی است»<sup>۲</sup> و در حقیقت بیان می‌کنند که نبوت و امامت از نسل همان پیامبر است، پس خلافت و امامت پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، شایسته امام علی (علیه السلام) است نه معاویه و خاندان او.

امام علی (علیه السلام) هم چنین با ذکر آیه ۵۹ سوره نساء «از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید» ادعای خود را اثبات می‌کند.

### ۴- ادعای قتل عمار بدست امام علی (علیه السلام):

هنگامیکه عمار کشته شد این حدیث پیامبر که فرموده بودند: «ای عمار بدست گروهی

1- محمد باقر محمودی، پیشین، ص ۲۶۷.

2- ابو اسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی، پیشین، ص ۶۹.

ستمگر کشته خواهی شد» بین سپاه معاویه رواج یافت. معاویه برای این که مردم این حدیث را معیار قرار ندهند گفت: عمار را کسی کشت که او را به میدان جنگ آورد و با این حرف خود مردم را فریب داد؛ زیرا بیم آن را داشت که به امام علی (علیه السلام) گرایش پیدا کنند. هم چنین با این سخنش، سعی داشت تا امام علی (علیه السلام) را ستمگر و مصداق این حدیث جلوه دهد.

امام علی (علیه السلام) به معاویه این گونه پاسخ دادند:

«و تو را بر حذر می‌دارم که عملم و سابقه‌ام را در اسلام باطل کنی، به جانم سوگند اگر من بر تو ستمگر بودم بر تو واجب بود که مرا از آن بر حذر داری و لکن خداوند می‌فرماید: پس جنگ کنید با کسیکه ستم می‌کند تا این که به امر خداوند رجوع کند.»<sup>۱</sup>

و در ادامه فرمودند:

«پس به دو گروه نگاه کردیم؛ اما گروه ستمگر؛ پس یافتیم آن گروه ستمگر را که تو نیز در آن بودی؛ همانا بیعت من در مدینه بر تو واجب شد در حالیکه تو در شام بودی، همچنانکه بیعت عثمان در مدینه بر تو واجب شد در حالیکه تو امیر عمر در شام بودی.

و همچنانکه بیعت عمر بر برادرت یزید واجب شد در حالیکه امیر ابوبکر در شام بود.»<sup>۲</sup>

امام علی (علیه السلام)، معاویه و برادرش را مصداق ستمگری معرفی می‌کند. آن حضرت در ادامه گفتند: پس همانا تو را از کشتن ستمگران بدست خود می‌ترسانم همانا رسول خدا مرا به جنگ و قتل آنها سفارش کرد.<sup>۳</sup>

1- محمد باقر محمودی، پیشین، ص ۳-۲۶۲.

2- همانجا.

3- همان، ص ۲۶۳.



### ۵- ذکر جایگاه و فضایل زیاد معاویه برای خود و خاندانش:

معاویه در یکی از نامه‌هایی که به امام علی(ع) نوشت در آن فضائل زیادی را برای خود قائل شده و گفت: پدرم در جاهلیت سرور بوده و خودم در اسلام پادشاه شدم، من خویشاوند پیامبر، دایی مؤمنین و کاتب وحی بوده‌ام.<sup>۱</sup>

همان گونه که قبلاً نیز ذکر شد مقصود معاویه از این بیانات، فریب مردم بود اما امام علی(ع) با فرستادن شعری، نقشه‌های او را بر ملا کرد به طوری که وقتی معاویه، جواب نامه‌اش را دید دستور داد که آنرا مخفی کنند چون اگر مردم آنرا می‌دیدند، به امام علی(ع) روی می‌آوردند.

شعر ارسالی امام علی(ع) در جواب نامه معاویه:

محمد نبی(ص)، برادرم و حمزه سید الشهداء عمویم است

و جعفر، کسی که با ملائک شب و روز پرواز می‌کند بردارم است.

و دختر محمد(ص) مایه آرامش من و همسر من است گوشتش به خون و گوشت من در آمیخته است.

وقتی کودک بودم نماز می‌خواندم و وقتی در شکم مادرم بودم به پیامبر ایمان آوردم.

پیامبر خدا روز غدیر خم، ولایت من بر شما را واجب کرد.

من مردی هستم که او را در روز سختی جنگ و روز صلح انکار نکردم.

### ب: تهاجم روانی امام علی(ع) علیه دشمن:

#### ۱- ارباب دشمن:

معاویه در یکی از نامه‌های خود به امام علی(ع)، ایشان را از داشتن سپاهی فراوان ترسانده و ذکر کرده بود تو (امام) نباید به سپاهیان غره شوی زیرا من با سپاهیان با تو ملاقات می‌کنم که قبل از آن ندیده‌ای.<sup>۲</sup>

1- علی احمدی میانجی، مکاتیب الائمه (ع)، تحقیق مجتبی فرجی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۷۷.

2- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تحقیق محمد باقر محمودی، انتشارات موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶هـ.ق، ج دوم، ج ۳۳، ص ۲۸۹.

امام علی (علیه السلام) نیز با بهره‌گیری از روش ارباب و تهدید این گونه به معاویه جواب دادند:

«من قوم تو را روز جنگ بدر نابود کردم و عمو و دایی و جدت را کشتم  
و شمشیری که با آن آنها را کشتم، هنوز همراه من است».<sup>۱</sup>

## ۲. رجز خوانی

هنگامی که خبر رسیدن امام علی (علیه السلام) به ساباط مدائن رسید، عمرو عاص با فرستادن شعری، حضرت علی (علیه السلام) را تهدید به جنگ و یورش به کوفه کرد:

«ای علی مرا غافل و بی‌خبر میندار که گروه چابک سواران را بر کوفه  
خواهم تاخت همراه با طلایه دارانم».<sup>۲</sup>

امام علی (علیه السلام) تهدید عمروبن عاص را بی پاسخ نگذاشته، هم چنین برای معاویه نیز شعری فرستادند:

رجز امام علی (علیه السلام) برای عمرو عاص:

« هفتاد هزار سپاهی دژم پیشانی و خشمناک را بر سر آن نافرمان نافرمان  
زاده بتازانم، زره پوشانی که حلقه‌های درخشان زره را بر بسته و در کنار  
سواران به انبوه گردآمده‌اند که چون شیران بیشه‌زار، راه‌گریز را بر دشمن  
برنند».<sup>۳</sup>

رجز امام علی (علیه السلام) برای معاویه:

ای پسر حرب، از من غافل شده‌ای و پنداشتی که ما در برابر شما از  
پشتیبانی از حق، شانه خالی کرده‌ایم. حق، باطل را بزدايد، این طلایه

1- ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۳۴.

2- نصر بن مزاحم منقری، پیشین، ص ۱۹۰.

3- همانجا.

سواران است که از دور دست صحرا بر تو نمودار شده، با این طلایه  
داران رویارویی کن.<sup>۱</sup>

## بخش دوم:

## عوامل تأثیرگذار در پیروزی امام علی(علیه السلام)

## در جنگ‌های روانی خود علیه مخاطبان

## الف - جایگاه پیام دهنده (مخاطب)

از عوامل بسیار تأثیرگذار در جنگ روانی، شخصیت اعمال‌کننده جنگ روانی است. در جنگ روانی، مخاطب به طور ناخودآگاه قبل از این که تحت تأثیر محتوای پیام جنگ روانی قرار بگیرد تحت تأثیر عامل آن قرار می‌گیرد.

مخاطب جنگ روانی قبل از این که محتوی پیام را تحلیل کند در ذهن خود پیام مربوطه را با سوابق مثبت و یا منفی‌ای که از پیام دهنده جنگ روانی دارد، بررسی کرده و در نهایت، مقبولیت پیام تحت تأثیر مقبولیت پیام دهنده قرار می‌گیرد. لذا جایگاه ویژه امام علی(علیه السلام)، اولین و مهم‌ترین عامل در پذیرش سخنان ایشان است.

جایگاه امام علی(علیه السلام) به عنوان اولین فرد مسلمان، یار همیشگی پیامبر در جنگ‌های صدر اسلام و جایگاه برجسته امام علی(علیه السلام) نزد پیامبر، احادیث مکرری که از پیامبر درباره ایشان نقل شده، معرفی حضرت به عنوان جانشین پیامبر (ص)، رجحان و برتری امام علی(علیه السلام) نسبت به خلفای سه گانه قبلی در تمامی امور و اعترافات مکرر خلفا در اخذ راهنمایی از امام علی(علیه السلام) در تمام امور، از این جمله است.

بنابراین وقتی امام علی(علیه السلام) در جنگ روانی خویش برای تأثیرگذاری بر افکار، عقاید و رفتار مخاطبان از شیوه‌های جنگ روانی بهره می‌برد، مخاطبان قبل از هر چیزی تحت تأثیر شخصیت برجسته امام علی(علیه السلام) قرار گرفته و باعث تأثیرگذاری مضاعفی بر مخاطب

می‌شد.

### ب- اعتبار منبع پیام

امام علی (علیه السلام) در تمامی مراحل جنگ‌های روانی خویش، جهت اقناع مخاطب از آیات و روایات به کرات استفاده کرده‌اند.

در بحث اقناع زبیر، روایتی را از پیامبر نقل می‌کنند که تأثیر چشمگیری بر زبیر داشت. هم چنین در تقابل امام علی (علیه السلام) با جنگ‌های روانی معاویه، که برای فریب مردم از آیات قرآن به نفع خود بهره می‌برد، امام علی (علیه السلام) با ذکرشان نزول آیات، پاسخ او را می‌دادند.

### ج - صداقت و درستی در پیام

از جمله اصولی که امام علی (علیه السلام) به آن پای بند بودند، حقیقت بود. به کارگیری شیوه‌های جنگ روانی، برای امام علی (علیه السلام) هدف نبود، بلکه وسیله‌ای بود برای رسیدن به حقیقت و شناساندن حقیقت به مردم و هدایت آنها.

حقیقت طلبی امام علی (علیه السلام) در تمامی ابعاد زندگی ایشان مشهود است آنجا که امام علی (علیه السلام) به ابن عباس می‌فرماید:

«به خدا سوگند این کفش کهنه برای من از حکومت بر شما محبوبتر است

مگر این که بوسیله آن حقی را پا بر جا و یا از باطلی جلوگیری کنم».<sup>۱</sup>

رسالت کلی امام علی (علیه السلام)، از بین بردن نادرستیها، زدودن نفاق و دروغ و رسیدن به حقیقت بود که برای رسیدن به این اصول، باید صداقت را در پیش گرفت. لذا آن حضرت در جنگ‌های روانی خویش، بر صداقت اصرار داشته و خود را ملزم به اجرای آن می‌دانستند. امام علی (علیه السلام) فرموده‌اند:

«والله ما کتمت وشمه ولا کذبت کذبه».<sup>۲</sup>

1 - فیض الاسلام، خ ۳۳.

2 - همان، خ ۱۶.

به خدا سوگند، کلمه‌ای از حق را نپوشانده‌ام و هیچگاه دروغی نگفته‌ام.

امام علی (علیه السلام) با این کلام، فریب مخاطب را در سیره جنگ روانی خویش نفی می‌نماید.

حضرت با به کارگیری شیوه‌هایی مانند فریب، ارعاب، تهدید، می‌توانست معاویه، طلحه و زبیر را با خود همراه و یا آنها را نابود سازد؛ اما آنچه برای امام اهمیت داشت صداقت و پایبندی به آن بود. امام علی (علیه السلام) دروغ و عدم صداقت با مخاطب را در تقابل کامل با ایمان خویش دانسته و پایداری بر صداقت را حتی اگر به ظاهر به ضرر آدمی باشد مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید:

«الایمان أن تؤثر الصدق حتی یضرک»<sup>۱</sup>.

از نشانه‌های ایمان آن است که راست گویی و صداقت داشته باشی حتی اگر به ضرر تو باشد.

در سیره جنگ روانی امام علی (علیه السلام) صداقت و راستگویی، اصل بزرگی است که نه تنها موجب شکست و یا عدم موفقیت در برخی اوقات نمی‌شود بلکه صداقت عامل بزرگی در نفوذ و تأثیر بر مخاطب می‌باشد.

امام علی (علیه السلام) می‌توانست با دادن فرمانداری ولایتی به طلحه و زبیر از توطئه‌های ایشان و هم‌چنین از وقوع جنگ جمل جلوگیری کند اما التزام و تقید امام علی (علیه السلام) به مبانی اسلامی و اخلاقی، ایشان را در به کارگیری شیوه‌هایی چون تطمیع و اغواء مخاطب باز می‌داشت.

فریب مخاطب که نقطه مقابل صداقت و از شیوه‌های بسیار کارآمد در جنگ روانی است، در سیره جنگ روانی امام علی جایگاهی ندارد.

امام علی (علیه السلام) پس از جنگ صفین، ضمن خطبه‌ای در کوفه این چنین فرمودند:

«امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر و اکثریت مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می‌دانند و جاهلان، این‌گونه افراد را اهل تدبیر می‌خوانند. چه بسا شخصی تمام پیش آمده‌های آینده را می‌داند و راههای مکر و حيله را می‌شناسد ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست و با اینکه قدرت انجام آنرا دارد آنرا به روشنی رها می‌سازد و اما کسیکه از گناه پروا ندارد از فرصتها برای نیرنگ بازی استفاده می‌کند.»<sup>۱</sup>

### ز: دشمن شناسی

یکی از کارهای مهم در راستای جنگ روانی؛ شناساندن دقیق دشمن است. مردم باید بدانند که کجا فریب خورده و چگونه با دشمن برخورد کنند. پس از تحركات سیاسی احزاب منحرف، حضرت امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) ماهیت دشمن را افشا کرده و آنها را به مردم می‌شناساند. در باره ناکتین و اصحاب جمل، در یک سخنرانی فرمودند:

«آگاه باشید، شیطان حزب و طرفداران خود را بسیج کرده و سپاه خود را گردآورده است تا بار دیگر، ستم را به جای خود برگرداند و باطل را دوباره حاکم سازد.»<sup>۲</sup>

### ح: روحیه

از عوامل بسیار تأثیر گذار بر پیروزی، ارتقاء بخشیدن به روحیه و انگیزه سپاه است. امام علی(علیه السلام) با خطبه‌های بسیار بلیغ و شیوا و اعمال رفتارهای حماسی، یاران خویش را تشجیع می‌نمودند تا روحیه آنها را افزایش دهند. چنانکه ایشان در روز جنگ صفین فرمودند:

«دیدگان را فرو پوشیده و صداها را فرود آورید و از سخن گفتن بکاهید و

1 - خ ۴۱.

2 - فیض الاسلام، پیشین، خ ۱۰.

### گام استوار دارید.<sup>۱</sup>

آن حضرت برای افزایش روحیه و احساسات یاران خود، در تمام اوقات نام و یاد خداوند را ذکر می‌کردند، چنانکه وقتی قصد عزیمت به نخیله را داشتند هنگام سوار شدن بر اسب فرمودند:

«پاک و منزّه است خدایی که این را مسخر ما گردانید و گرنه ما هرگز قادر بر آن نبودیم و بازگشت ما به سوی پروردگاران خواهد بود.»<sup>۲</sup>

1 - نصرین مزاحم منقری، پیشین، ص ۸۰-۲۷۹.

2 - زخرف/۱۴-۱۳.



# نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، این سوال مطرح گردید که جنگ روانی در عصر امام علی (علیه السلام) تا چه میزان مورد توجه بوده و بهره‌گیری امام علی (علیه السلام) از جنگ روانی چه تأثیری بر موفقیت‌های ایشان در عرصه جنگ داشته است؟

برای پاسخ به سوال، این فرضیه مطرح گردید:

جنگ روانی در عصر امام علی (علیه السلام) علی‌الخصوص توسط معاویه کاربرد زیادی داشت ولیکن امام علی (علیه السلام) از شیوه‌های جنگ روانی تا آنجا که مطابق با ارزشهای اسلامی و اخلاقی بود برای تأثیرگذاری بر مخاطبان خویش بهره می‌بردند که بر پیروزیهای ایشان نقش داشته است.

با توجه به بررسیهایی که در این پژوهش انجام شد، دوران خلافت امام علی (علیه السلام) مملو است از جنگهای روانی، که هم امام علی (علیه السلام) و هم معاویه به کار می‌بردند البته با تفاوت‌های بسیار؛ از جمله این که در سیره جنگ روانی امام علی (علیه السلام)، شیوه‌های ایشان کاملاً مبتنی بر اصول اسلامی و اخلاقی است؛ شیوه‌هایی نظیر روشنگری، اقناع، تشجیع و القاء غیر مستقیم که بیشترین کاربرد را داشته‌اند و شیوه‌هایی نظیر دروغ، فریب، شایعه، تفرقه، ارعاب در سیره جنگ روانی امام علی (علیه السلام) جایگاهی نداشت.

امام علی (علیه السلام) با بهره‌گیری از این شیوه‌ها، توانستند جنگ روانی قابل ملاحظه‌ای را بر مخاطبان خود اعمال کرده، تأثیر و نفوذ لازم را بگذارند. آنچه‌آن که در طی نامه‌هایی که بین امام علی (علیه السلام) و معاویه تبادل شد؛ عمروبن عاص به معاویه هشدار داد تا این کار را ادامه ندهد، زیرا هم از نظر نسب و هم بلاغت هیچ کس به جایگاه امام علی (علیه السلام) نمی‌رسد.

پای‌بندی امام علی (علیه السلام) به ارزشهای اسلامی و اخلاقی، ایشان را در به کارگیری همه

شیوه‌های جنگ روانی بر حذر می‌داشت. اما همین محدودیت امام علی (علیه‌السلام) در استفاده از همه شیوه‌های جنگ روانی مانع از تأثیر گذاری بر مخاطبان خود نشد.

امام علی (علیه‌السلام) در اقناع زبیر، حدیث پیامبر (ص) را به او یادآوری کردند که باعث تأثیرگذاری بر زبیر و کناره‌گیری وی از جنگ شد.

اطرافیان امام علی (علیه‌السلام) به ایشان گفتند که برای جلوگیری از شورش احتمالی طلحه و زبیر، وعده فرمانداری ولایتی را به آنها بدهد اما صداقت امام علی (علیه‌السلام) مانع از فریب مخاطبش بود.

در واقع آنچه باعث نفوذ و تأثیر بیشتر جنگهای روانی امام علی (علیه‌السلام) بر مخاطبانش شد، جایگاه ویژه ایشان به عنوان پیام دهنده جنگ روانی، استناد ایشان به آیات و روایات جهت اقناع مخاطب و پای‌بندی به صداقت و درستی و دشمن شناسی ایشان می‌باشد.

در حالیکه معاویه برای روشهای جنگ روانی خویش، محدودیتی قائل نبود و بیشترین شیوه‌ای که او در جنگهای روانی خود از آن بهره برد، شیوه فریب بود.

معاویه تلاش داشت تا با طرح موضوع کشته شدن مظلومانه عثمان و قصاص قاتلان، خود را بر طریق حق و امام علی (علیه‌السلام) را بر طریق باطل معرفی کند تا بتواند مردم را فریب دهد. در این راستا او کوشید تا مردم مدینه، عبدالله بن عمر، ابومسلم خولانی، شرحبیل بن سمط و قیس بن سعد را با خود همراه سازد اما جز ابومسلم خولانی و شرحبیل بن سمط، هیچ کس فریب ادعای دروغین او را نخورد.

معاویه در مورد قیس بن سعد علاوه بر شیوه فریب کوشید تا از روش تفرقه افکنی نیز بهره ببرد، او با این اعمال قصد داشت تا رابطه بین قیس و امام علی (علیه‌السلام) را متزلزل کند.

در قتل عمار نیز برای انحراف سپاه خویش از حدیث پیامبر درباره قاتلان عمار، متوسل به روش فریب شد و گفت هر کس عمار را به جنگ آورده او را کشته است.

معاویه هم‌چنین به عبدالله بن عمر و عبدالله بن عباس وعده خلافت مسلمین را داد و قصد داشت با روش فریب و تطمیع، از آنها به نفع خود بهره‌برداری کند، اما پاسخ آنها منفی

بود. معاویه در ادامه جنگهای روانی خویش، به شیوه ایجاد بحران و اغتشاش متوسل شده و افرادی را به همراه عده‌ای از سپاهیان برای ایجاد بحران و فتنه و ناآرامی به قلمرو حکومت امام علی (علیه السلام) فرستاد تا ضمن ایجاد آشوب، اموال مردم را غارت کنند.

هر چند معاویه در اجرای جنگهای روانی خویش موفق بود و با ایجاد جنگهای روانی متعدد در جنگ صفین، زمینه‌ساز به وجود آمدن گروه خوارج شد؛ اما آنچه قابل تامل است تقابل شایسته امام علی (علیه السلام) با جنگهای روانی معاویه و پیروزی امام علی (علیه السلام) در تقابل و ختنی کردن اتهامات مهاویه می‌باشد.

امام علی (علیه السلام) شایعات و اتهاماتی که معاویه علیه آن حضرت به منظور تخریب شخصیت ایشان و تضعیف روحیه سپاهیان امام علی (علیه السلام) به کار می‌برد را به نحو احسن پاسخ داده و به خوبی آنها را ختنی می‌کردند و در بعضی مواقع با آن مقابله به مثل می‌کردند. همچنانکه معاویه از ترس پیوستن سپاهیان به سپاه امام علی (علیه السلام) به عمروبن عاص دستور داد تا نامه ارسالی امام علی (علیه السلام) را مخفی کند.

امام علی (علیه السلام) در پاسخ به معاویه که ایشان را به کثرت سپاهیان تهدید کرده بود فرمودند: هنوز شمشیری که با آن جد و دایی معاویه را کشته به همراه دارند.

نتیجه‌ای که از پژوهش حاضر می‌توان گرفت این است که امام علی (علیه السلام) با شخصیت و جایگاه خاص خود، تأکید داشتن بر صداقت و درستی و بهره‌گیری از آیات قرآنی و روایات برای اقناع مخاطب خود، علاوه بر سپاه خویش؛ توانست بر زیبر، خوارج، قاریان قرآن تأثیرگذارده به طوری که آنها از مواضع خود دست بردارند و می‌توان گفت این مسأله در پیروزی امام علی (علیه السلام) در جنگها تأثیرگذار بود.

# فهرست منابع

## \* قرآن کریم

## الف) کتابها

- ۱- آقابخشی، علی، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، نشر چاپار، ۱۳۸۳، چ اول.
- ۲- آلپورت، گردون و پستمن، لئو، *روان شناسی شایعه*، ترجمه ساعد بستانی، بی جا، بی نا، بی تا.
- ۳- ابراهیمی خوسفی، منصور، *جنگ نرم*، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶، چ اول.
- ۴- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد عبدالحمید بن هبة الله بن محمد معتزلی، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ هـ.ق، چ دوم.
- ۵- ابن اثیر، ابی الحسن علی بن محمد، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، تحقیق محمد ابراهیم البناء، انتشارات دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
- ۶- ابن اعثم کوفی، احمد بن علی، *الفتوح*، ترجمه احمد مستوفی هروی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۷- ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین قزاوغلی، *تذکرة الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة*، تحقیق حسین تقی زاده، انتشارات مجمع العالمی لاهل بیت ۱۴۲۶ هـ.ق، ج اول.
- ۸- ابن خیاط، خلیفه، *تاریخ خلیفه ابن خیاط*، تحقیق اکرم ضیاء العمری، انتشارات مجمع علمی عراق، ۱۳۸۶ هـ.ق، چ اول، ج اول.
- ۹- ابن سعد، ابو عبدالله محمد، *طبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت،

- انتشارات دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰هـ.ق، چ اول، ج سوم.
- ۱۰- ابن شدقم، ضامن بن علی، *وقعة الجمل*، تحقیق سید تحسین آل شیبب الموسوی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- ۱۱- ابن عبدالبر، ابو عمر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق علی محمد معوض، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، ج ۲.
- ۱۲- ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله شافعی، *ترجمه الامام علی بن ابی طالب من تاریخ مدینه دمشق*، به تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، انتشارات موسسه محمودی، ۱۴۱۰هـ.ق، چ سوم، ج سوم.
- ۱۳- ابن عماد عکری حنبلی، شهاب الدین، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، بیروت، انتشارات دار ابن کثیر، ۱۴۰۶هـ.ق، چ اول، ج اول.
- ۱۴- ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، *الامامة و السياسة*، ترجمه ناصر طباطبائی، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰.
- ۱۵- ابن منظور، *لسان العرب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ.ق، چ اول، ج ۷ و ۵.
- ۱۶- احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الائمة (علیهم السلام)*، تحقیق مجتبی فرجی، قم دارالحدیث، ۱۳۸۴، چ اول، ج ۲۱.
- ۱۷- باقری کبورق، *کلیات و مبانی جنگ و ستراتیژی*، نشر بین‌الملل، ۱۳۷۰، چ اول.
- ۱۸- بستانی، محمد، *استراتژی نظامی امام علی (علیهم السلام)*، ترجمه حسن علی اکبری، ناشر سازمان تحقیقات خودکفایی بسیج، ۱۳۷۸، چ اول.
- ۱۹- بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد فردوس العظم، دمشق، انتشارات دارالبیضة العربیه، ۱۹۳۹، ج دوم.
- ۲۰- تزو، سن، *هنر جنگ*، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات قلم، ۱۳۵۹.
- ۲۱- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱، چ اول.

- ۲۲- جعفریان، رسول، *تاریخ سیاسی اسلام*، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۰، چ اول.
- ۲۳- خطیب بغدادی، ابی بکر احمدبن علی، *تاریخ بغداد او مدینه السلام*، بیروت، انتشارات دارالکتب العلمیه، ج ۱.
- ۲۴- خورشیدی آزاد، احمد، *نقش عملیات روانی در تغییر رفتار*، قم، انتشارات علمی و فرهنگی صاحب الزمان، ۱۳۸۴، چ اول.
- ۲۵- دبیرخانه همایش تبیین سیره دفاعی امام علی (علیه السلام)، *سیره دفاعی امام علی*، انتشارات دفاع، ۱۳۸۱، چ اول.
- ۲۶- دشتی، محمد، *امام علی (علیه السلام) و امور نظامی*، قم، انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۹، چ اول، ج ۴.
- ۲۷- دلشاد تهرانی، مصطفی، *جمال دولت محمود (حکومت امام علی (علیه السلام))*، حکومت موفق *تاریخ*، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۲، چ اول.
- ۲۸- دینوری، احمدبن داود، *اخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، انتشارات داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰، چ اول.
- ۲۹- ذهبی، شمس الدین، محمدبن احمد، *تاریخ اسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷هـ.ق، چ اول.
- ۳۰- رسولی محلاتی، هاشم، *زندگانی امیرالمؤمنین*، قم، نش فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، چ ۴.
- ۳۱- رشاد، علی اکبر، *دانشنامه امام علی*، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰، چ اول، ج ۶ و ۹.
- ۳۲- زبیدی، عبدالرضا، *الرسائل السیاسیه بین الامام علی (علیه السلام) و معاویه*، قم، انتشارات دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۹، چ اول.
- ۳۳- زرگری نژاد، غلام حسین، *تاریخ صدر اسلام*، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، چ اول.
- ۳۴- السکری، رفیق، *درآمدی بر افکار عمومی*، تبلیغ و آوازه‌گری، ترجمه حسین کرمی، انتشارات همراه، ۱۳۷۰، چ اول.



- ۳۵- سوید، یاسین، *اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام*، ترجمه اصغر قائدان، انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۸.
- ۳۶- سیوطی، جلال الدین، *تاریخ خلفاء*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۷۰، چ اول.
- ۳۷- شری، محمد، *امیرالمؤمنین اسوه وحدت*، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۷۹، چ سوم.
- ۳۸- شنیطی، محمدحسین الله، *ارمغان من [ترجمه کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب]*، ترجمه غلامرضا نمائی طبسی، انتشارات طوس.
- ۳۹- شیرازی، محمد، *جنگ روانی و تبلیغات*، ناشر دبیرخانه نخستین همایش علمی بررسی نقش تبلیغات در جنگ، ۱۳۷۶، چ اول.
- ۴۰- صادقی، عبدالمجید، *اصول مخاطب‌شناسی تبلیغی*، قم، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۴، چ دوم.
- ۴۱- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳، چ چهارم، ج ۶.
- ۴۲- عبداللهی، محمدحسن، *اصلاحات علوی*، قم، انتشارات دفتر عقل، ۱۳۸۵، چ اول.
- ۴۳- عقاد، عباس محمود، *شخصیت حضرت علی (علیه السلام)*، ترجمه سید جعفر غضبان، انتشارات ساحل، چ سوم.
- ۴۴- فیض الاسلام، *نهج البلاغه*، تهران، انتشارات سرای امید.
- ۴۵- قاضی زاده، کاظم، *حکومت نامه امام علی (علیه السلام)*، انتشارات دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷، چ اول، ج دوم.
- ۴۶- کالینز، جان ام، *استراتژی بزرگ*، ترجمه کورش بایندر، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰، چ اول.
- ۴۷- گیون، ادوارد، *انحطاط و سقوط امپراتوری رم*، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران،

- انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، چ سوم.
- ۴۸- متفکر، حسین، *جنگ روانی*، قم، انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۳، چ اول.
- ۴۹- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، تحقیق محمدباقر محمودی، انتشارات موسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۶هـ.ق، چ دوم، ج ۳۳.
- ۵۰- محمودی، محمدباقر، *نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه*، قم، انتشارات دارالکتاب، ۱۳۸۷، چ اول، ج ۴.
- ۵۱- مسعودی، علی بن حسین، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات ترجمه و نشر کتاب، چ دوم، ج دوم.
- ۵۲- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق موسسه آل البيت لإحياء التراث، قم، انتشارات المؤتمر العالمي لإفیه شیخ مفید، ۱۴۱۳، چ اول، ج اول.
- ۵۳- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶، چ ششم، ج اول.
- ۵۴- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *الجمال و النصره لسید العتره فی حرب البصره*، قم، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۴، چ دوم.
- ۵۵- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، *نبرد جمل*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشرنی، ۱۳۶۷، چ اول.
- ۵۶- مقریزی، احمدبن علی، *ستیز و دشمن بنی امیه و بنی هاشم و پیامدهای آن*، (ترجمه التراع و التفاصيل)، ترجمه محمدباقر مدرس بستان آبادی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳، چ اول.
- ۵۷- منقری، نصر بن مزاحم، *پیکار صفین*، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آموزش انقلاب

- اسلامی، ۱۳۷۰، چ دوم.
- ۵۸- مینوحجاب، محمد، *جنگ روانی*، ترجمه سعید یارمند، انتشارات مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی، ۱۳۸۰، چ دوم.
- ۵۹- نصر، صلاح، *جنگ روانی*، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۸۰، چ اول.
- ۶۰- نویری، شهاب‌الدین احمد، *نهایة الارب فی فنون الادب*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، چ اول، ج ۵.
- ۶۱- واقدی، محمدبن عمر، *مغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، انتشارات موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹هـ.ق، چ سوم، ج دوم.
- ۶۲- یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۱، چ ۶، ج ۱.

### ب) مقالات:

- ۶۳- اسکناسی، الکساندر، «نقش عملیات روانی در مأموریت‌های نظامی»، *مجموعه مقالات همایش تبلیغات و جنگ روانی*، ترجمه حسین حسینی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۷۱، چ اول.
- ۶۴- دافرتی، ویلیام، «جنگ روانی»، *مجموعه مقالات همایش تبلیغات و جنگ روانی*، ترجمه حسین حسینی، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۷۲، چ اول.
- ۶۵- رادان، احمدرضا، «شایعه روشی تأثیرگذار در عملیات روانی»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال ۵، ش ۱۷.
- ۶۶- فرشچی، علیرضا، «جنگ اطلاعات و عملیات روانی»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۳.
- ۶۷- عمیدی، عبدالله، «نقش رسانه‌ای بسیج در مقابله با دستکاری در افکار عمومی»، *فصلنامه مطالعات بسیج*، سال دهم، ش ۳۷.

- ۶۸- ناپ، رابرت، « شایعه»، مجموعه مقالات همایش تبلیغات و جنگ روانی، ترجمه حسین حسینی، انتشارات دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۲، چ اول.
- ۶۹- یزدان فام، محمود، «فرآیند اثرگذاری عملیات روانی»، فصلنامه عملیات روانی، سال اول، ش اول.

## **Abstract :**

Imam Ali (peace be upon him) government period had established very inflammation and grav atmosphere with three war, Jamal, Seffein, and Nahravan. In during, thear is psychology war as another historical periods and also Imam Ali (peace be upon him) and Moaviyeh profited of it. This search studying amount of attention to psychology war in the Imam Ali's period (peace be upon him) and effect to profit of psychology war on Imam Ali's success in the war. This search have an purpose that studying this theory that Imam Ali's (peace be upon him) with methods psychology war for influence on listeners so that was according to Islamic values and ethical.

In Imam Ali's psychology war style (peace be upon him) there are not methods like: deceit, intimidation threat but Moaviyeh did not connivanced of any method for reach to own goals.

This search has collected in 4 chapter that first chapter dealing with theoretical concept about psychology war that including: psychology war's concept's definition from scholars and politician's view, also dealing with to use history from it in ancient history period, Islamic and now age .And conclusion dealing with to definition kind of method's psychology war among them: convincing, stimulation, emboldening, intimidation, deceit.

Second chapter studies methods of psychology war that Imam Ali(peace be upon him) in own style about psychology war against listeners.

Third chapter divided two part: first oppositions Imam Ali (peace be upon him) with Moaviyeh's psychology war and answer to accusations from Moaviyeh and seconds part is including factors that was cause victory's Imam Ali (peace be upon him) as a meseager for psychology war, truthfulness and truth in message and satisfying listeners.

In final, get a result that Imam Ali (peace be upon him) had succeeded in profited of psychology war for effect to own listeners and it was very effective on Imam Ali's (peace be upon him) successes and wars.



**Bagher Al- Olum University**

**Thesis**  
**For Degree of Master of Science (MSC)**  
**In History of Islam**

**Title:**

***Imam Ali (peace be upon him)***  
***and Psychology war***

**Supervisor:**

**Dr .Asghar Ghaedan**

**Advisor:**

**Dr .Mohammad hossein Fallah zade**

**By:**

**Zahra Pakdel**

**1388**